

سال دوم، شماره دوم (شماره پردیپ، هشتم)
پانزدهم ۱۳۸۰ بهمن، ۵۰۰۰ تومان

- نخل جنه دریا
- این راهها به کجا ختم می‌شوند؟
- طرح رستوران حقوق بین‌الملل
- مشکلات سازمان‌های غیردولتی
- بررسی رگرسیون‌های نالیف کفرین

سرمقاله ۳

دکتر ابوالفضل وطن پرست

فیل چشم دریا ۶

تکاهی زیست بوم شناختی به اوضاع دریای خزر در گذشته، حال و آینده

دکتر جمال معینی

این راهها به کجا ختم می‌شوند؟ ۱۴

راهسازی‌های بی‌رویه و غیر اصولی در کوهستان‌های ایران با چه هدفی انجام می‌شود و به چه نتایجی منجر می‌شود؟

عباس محمدی

حقوق بین‌الملل تنوع زیستی ۱۸

تنوع زیستی چیست و چه نقشی در ثبات زمین ایفا می‌کند؟ قوانین بین‌المللی برای حفاظت از آن چیست؟ آیا این قوانین کافی است؟

دکتر قاسم زمانی

فرصت‌ها و تهدیدها ۲۳

کلودس نایفر مدیر اجرایی یونپ (UNEP)

مشکلات سازمان‌های غیر دولتی زیست محیطی ۲۴

سازمان‌های غیردولتی چگونه سازمان‌هایی هستند؟ نقش آن‌ها در حفاظت از محیط زیست چیست؟ خاستگاه آنها کجاست؟ با چه اهدافی تشکیل می‌شوند؟ تاریخچه و وضعیت آن‌ها در ایران چگونه است؟ این سازمان‌ها چه مشکلاتی دارند؟

فرهاد امینی

بررسی ژئوشیمیایی تالاب انزلی ۳۲

فرشاد لوبره



سال دوم ، شماره دوم (شماره پانزدهم هفتم) پاییز ۱۳۸۰

صاحب امتیاز: جبهه سبز ایران
مدیر مسئول و سردبیر: دکتر جمال معینی
مدیر اجرایی و مشاور سردبیر: دکتر ابوالفضل وطن پرست
ویراستار: پیگاه امردیوانی
بخش انگلیسی: لیلا رستگار
حروفچینی و صفحه‌آرایی: خدیجه امیدی، شهریار خدابخش
سایر همکاران تحریریه و اجرایی: امید قراچورلو، افشین خردادیان
ایدئولوژی: چاپ و مصطفی، شرکت چاپ آرام
عصر روی جلد: پاییز و دمانند - روستای ایرا - استاد نصراله کسرتیان

تفاهن: ۸۷۴۹۵۸۷-۸۷۴۹۵۸۷
پست الکترونیک: Magazin@GreenFront.org
وب سایت: www.GreenFront.org
صالح سبزی آماده دریافت مقالات، گزارش‌ها، عکس و ... از شماست. مقالات ارسالی بازگردانده نمی‌شود.
فضلانامه صالح سبزی در حک و اصلاح مطالب آزاد است. مطالب عنوان شده در مقالات ارسالی الزاما نظر ضلنانامه نیست.

ارسال اصل مقالات ترجمه شده الزامی است.
منابع و ماخذ مقالات الزامی است.
دج
صالح سبزی آماده است آگهی تبلیغاتی
شرکت‌ها، سازمان‌ها و مراکزی که با اهداف و اصول جبهه سبز ایران مفایرت
نداشته و استانداردهای زیست محیطی
را رعایت کرده باشند، دریافت کند.
به منظور کسب اطلاع بیشتر با شماره
تلفن‌های ۸۷۴۱۵۸۶-۸۷۴۱۵۸۷ تماس
حاصل فرمایید.



گزارش کنفرانس جهانی جوانان و محیط زیست ۳۵

لیلا رستگار - شهریار رحمانی

سرمقاله

دکتر ابوالفضل وطن پرست

این گشته‌های ویلی برانت صدراعظم سابق آلمان غربی است در کتابی که حدود شانزده سال از چاپ آن می‌گذرد... من به نسلی تعلق دارم که در زمان حیات خود بیش از یک بار آموخته است که جنگ چگونه می‌تواند گرسنگی بیاورد و به قسط و غلا بینجامد. آیا می‌توان اطمینان داشت که نسل آینده از این تجربه هولناک مصون باشد؟ آیا این اندیشه که گرسنگی می‌تواند برانگیزنده جنگ باشد براسی نادردست و خطاست؟ آیا نباید چنین فرض کرد که هر آینه اگر مردمان نیکو شمالی زمین گرفتار آشوب و پریشانی شوند، چه بسا که روزی همه چیز را به آتش کشند؟ آیا نباید چنین فرض کرد که اگر مهار افزایش جمعیت از دست خارج شود، پریشانی ناشی از آن به آشوب و هرج و مرج و وحشت و کشتار می‌انجامد و برخورد‌های مسلحانه به ارمغان می‌آورد؟ به من می‌گویند که مردمان گرسنه و پریشان به فکر جنگ و برخورد نیستند، اما بدبختانه تاریخ چیز دیگری به ما آموخته است. و تازه از کجا می‌توان اطمینان داشت که مردم در آینده به جای تاب آوردن گرسنگی و مرگ، سر به شورش و انقلاب بردارند. به نظر من درست است که گرسنه‌ها کمتر حال و توان شورش و تجاوز دارند اما آیا می‌توان یکسره مطمئن بود که وقتی جنگ‌های آنها از میان برود، زمین‌هایشان بی حاصل و برهوت شود و زندگی‌شان از بنیاد در خطر قرار گیرد باز هم همچنان با بی حالی و ناتوانی نظاره گر جهان باقی بمانند... گرسنگی عمومی می‌تواند به جنگ بینجامد. در جایی که گرسنگی و فقر حاکم باشد صلح پایگاه استواری ندارد... اگر پهنه‌های گسترده‌ای از جنوب یا صدها میلیون تن مردم آن به حال پریشان خود رها شود و از سیر پیشرفت راسخین اجتماعی و اقتصادی به دور افتد برای مردم شمال نیز اثری از رونق و شکوفایی برجای نخواهد ماند. (۱)

در نخستین روزهای پس از حوادث ناسف برانگیز آمریکا، تصویری از لحظات ابتدایی انفجار برج‌های نیویورک به جهان مخاطره شد که بیش از آنکه واقعی به نظر بیاید، نشانگر محتوای فکر جمعی تولیدکنندگان آن بوده، تصویر شیعی از شیطان را در میان دود و غبار در لحظه انفجار و سوختن برج‌های مه‌تاب نشان می‌داد. به احتمال چنین تصاویری پشت میزهای موناژ و توسط فن آوری ماهر تهیه شده است اما کسی که این تصاویر را تولید می‌کند و شهری که میان تماشاگران می‌یابد جای تأمل بسیار دارد.

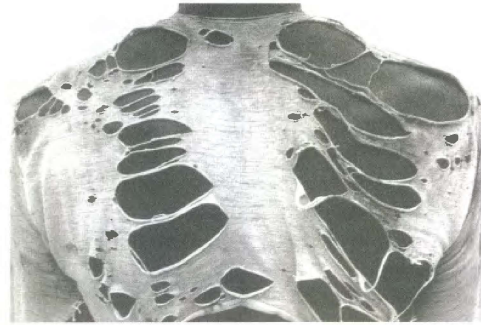
نخبگان و مردمان آمریکا (و غرب) اگر نیک بنگرند و از جایگاهی که سال‌هاست از آن بر بالینان جهان می‌نگرند اندکی پایین‌تر بیایند، شیخ شیطان را در هزاران تصویر دیگر با وضوح بیشتری خواهند دید. تصاویری که سال‌هاست میان خرابی‌های مرده در حال پوسیدن است، تصاویری که تا همین دیروزهای رنگ‌بازخته در تمام رسانه‌های جهان قابل رؤیت بود. تصاویری که به فراوانی هم امروز در جهان منتشر است، شیطان بی کار و آواره در گوشه‌خاوری در شرق‌های گمشده به کمین نشسته بود که ناگاه، بر فراز آتش و دود مه‌تاب منبسط شده به پایکوبی برخیزد.

بیست سال پیش یونسف تعداد کودکان زیر پنج سال جهان را که روزانه از گرسنگی و تشنگی و نبود بهداشت می‌میرند چهل هزار نفر اعلام کرد (بجزی حدود ۳۰ نفر در هر دقیقه) و این در حالی بود که در همان زمان در هر دقیقه حدود دو میلیون دلار توسط دولت‌های جهان صرف تسلیحات و برنامه‌های نظامی می‌شد. آن سال‌ها زمانی بود که آفریقا و بیش از همه اسیا در آتش گرسنگی و جنگ در حال سوختن بود. و نظام‌های کودتایی در آمریکای جنوبی توان ساکنانش را به حد هیچ رسانده بودند و تصویر رونالد ریگان با لیخندی که از عصر شکار بی رحمانه بوفالوها بر لبانش ماسیده بود در پس زمینه طرحی که موشکی موشکی دیگر را در فضا منهدم می‌کرد یک لحظه از صفحه تلویزیون‌های جهان محو نمی‌شد.

بر سر زمین و مردمانی در این چند دهه چه آمده است؟ آیا گوش شنوایی به هشدارهای گاه‌به‌گاه اندک انسان‌هایی که حیات را بر روی کره زمین در خطر می‌دیدند و می‌بینند وجود داشته است... مرصه‌های طبیعی عقب‌نشینی کرده‌اند، فشار بر منابع افزون‌تر گشته است، نفس زمین تنگتر شده است و مردمان زمین به یغما رفته گرسنه‌تر شده‌اند آیا نابرابری‌هایی که آقای برانت در برنامه‌های برای بقا در دهه هفتاد به آنها اشاره کرد کمتر شده است؟

به موجب گزارش توسعه انسانی که بوسیله برنامه توسعه سازمان ملل در سال ۱۹۹۶ منتشر شد در سال ۱۹۹۳ از مجموع ۲۲ تریلیون دلار تولید داخلی داخلی در سطح جهان تنها ۵ تریلیون دلار سهم کشورهای در حال توسعه بود. گو این که ۸۰ درصد جمعیت جهان در این کشورها زندگی می‌کنند در ۳۰ سال گذشته سهم ۲۰ درصد از فقیرترین مردمان جهان از درآمد جهانی از ۱/۳ درصد به ۱/۴ درصد کاهش یافت در همان مدت سهم ۲۰ درصد ثروتمندترین افراد به فقیرترین افراد دوبرابر شد و از ۳۰:۱ به ۶۱:۱ افزایش یافت. شکاف درآمد سرانه بین جهان صنعتی و در حال توسعه سه برابر شده و از ۵۷۰۰ دلار در سال ۱۹۶۰ به پانزده هزار دلار در

سال ۱۹۹۳ رسیده است. اگر مصرف روزانه معادل یک دلار آمریکا را به عنوان خط بی‌نویی در نظر بگیریم در اواسط دهه ۱۹۹۰، ۱/۳ میلیارد نفر که ۳۳ درصد جمعیت جهان در حال توسعه را تشکیل می‌دادند در بی‌نویی مطلق به سر می‌بردند... با این‌که رشد نابرابری در کشورهای مختلف متفاوت است به نظر می‌رسد که رشد فقر



جهانی و بویژه بی‌نویی به پدیده‌ای جهانی تبدیل شده، در واقع شتاب گرفتن توسعه نابرابری (و ناپایداری) و شمول و حذف همزمان مردم در فرآیند رشد که به نظر می‌رسد یکی از ویژگی‌های سرمایه‌داری اطلاعاتی است به دو قطبی شدن جامعه و گسترش فقر و بدبختی در میان شمار روزافزونی از مردم می‌انجامد. (۲)

مفهوم بی‌عدالتی بند مشترک ترجیح‌بندی است که بشر معاصر (و بلندتر از همه بشر غربی) در حال سرودن و خواندن آن است. تحلیل ناپایداری موجود در تمام عرصه‌های زیست برکه خاکی، در روابط بین‌الملل، اقتصاد جهانی، روابط انسانی و شرایط اجتماعی خود و کلان تنها با دقت در عوامل موجد این مفهوم و علل گسترش آن ممکن است. انسان غربی (لااقل در یک سده اخیر) در نگاه به پیرامونش همه اجزای طبیعت و از جمله سایر انسان‌ها را و تمامی قوانین و قواعد را و از جمله قوانین آسمانی و قواعد ماروا طبیعی را از برای برای نیل به رفاه افزون‌تر خویش تصویر کرده است. انسانی که نگاهش را از آسمان برگرفت و بر زمین زیر پایش نیز مهربانانه نظر نکرد. به گفته داریوش شایگان، وجود یک شکاف اساسی بین انسان و طبیعت که همواره بالقوه در ساخت بنیادی تفکر غربی موجود بوده است و در فلسفه دکارت صورت قطعی پذیرفته و از آن پس انسان و طبیعت همچون دو قطب متضاد در برابر هم قرار گرفته‌اند و فکر غربی هیچ‌گاه نتوانسته است این شکاف اساسی را پر کند و انسان بیگانه و طبیعت بیگانه‌تر را آشتی دهد. (۳)

صورت‌بندی نظمی که جهان غرب براساس آن آغاز به حرکت نموده و آن را بی‌می‌گیرد، نادیده انگاشتن این اصل ساده بوده است که زمین سیاره بسیار کوچک و محدودی است و امانت خداوند است نزد تبار آدم، تباری که در تمام نقاط این سیاره پراکنده است. توهم برگزیده بودن - که افراد تمدن‌های فروپاشیده پیشین نیز بعضاً دچار آن بوده‌اند - در میان غربیان و مخصوصاً بسیاری از نخبگان آنان بسیار چشمگیر است و شاید اصلی‌ترین علت عدم تمکین بسیاری از آنان به اصول حفاظت از سیاره زمین - به صورت جدی - و بی‌توجهی به اصل عدالت در روابط انسانی نیز همین باشد.

بشر آغاز هزاره سوم بازنمندی بازنمندی اساسی در نحوه نگرش و رفتار خویش با زمین و اجزای آن است. راهی که تمدن غرب در بهره‌کشی از زمین و نابودی آن برای رفاه پایا ناپذیر آغازیده است فرجامی ناخوشایند خواهد داشت.

آنچه از بیان فاصله میان جهان فقیر و غنی و بی‌عدالتی گسترده در جهان ذکر شد مؤید آن نبوده که برای رسیدن به عدالت، زمین توان آن را دارد که سطحی مشابه سطح رفاه مردمان جهان غرب برای همه ساکنانش تأمین نماید. این توهمی بیش نیست. بلکه مقصود آن است که اگر نگاه منصفانه به آنچه کرده‌ایم بیاندازیم ناچار باید پذیریم که بسیاری از راه‌های آمده خطاست و جبران این خطا پیش از همه متوجه نخبگان جهان غرب است.

زمین توان تأمین نیازهای لگام‌گسیخته و بی‌ادبانه بشر - بی‌پیشگامی بشر غربی - را نخواهد داشت و از دیگر سوی دوستان غربی ما نمی‌توانند منتظر این باشند که تمامی واحدهای طبیعی و انسانی در خدمت آنان قرار گیرند. ویلی برانت در همان پیش‌نویس گفته اضافه می‌کند که «وابستگی واقعیت اصلی زمانه ماست، ما نسبت به رفاه و آسایش یکدیگر مسؤولیت داریم و اگر نیاموزیم که چگونه با هم به سر بریم چشم‌اندازی جز تباهی و نابودی همگانی در انتظارمان نخواهد بود... اگر منابع طبیعی، آب، اکسیژن و دیگر عناصر حیات‌بخش گیتی به پایان برسد آنگاه بشری که به زهر گرسنگی و پریشانی آلوده شده دیگر به نظام صلح‌جویانه‌ای که اکنون برای پذیرارین

می‌کوشیم نتواند انده‌شیده. (۴)



به نظر می‌رسد با وجود دانشی که در چند دهه اخیر به خصوص در حوزه‌های زیست بوم‌شناختی و اقتصاد محیط زیست به دست آمده است و حوادث موحشی که این روزها جهان را در معرض چالش جدی قرار داده. جهان غرب در حال پافشاری بر اشتباهات خویش است. زمانی در میانه‌های جنگ غرب با عراق هنگامی که شیخ گرسنگی و بیماری و بسبب‌های فوق مدرن غربی چشم‌های کودکان عراقی را از اضطراب و ترس درانده بود، پدر رئیس جمهور فعلی آمریکا بارها این جمله را تکرار کرده بود که «خدا با ایالات متحده آمریکا است». (۵) و امروز در حالی که جسم لهدیه کودکان

افغانی از زیر خاک‌های باران ندیده‌ی زخمی بیرون کشیده می‌شود و پدران آن‌ها با موشک‌های استینگر آمریکایی در کنار کوخ هیاشان به عت هوایم‌های تاریخی آمریکا را نشانه گرفته‌اند، رئیس جمهور آمریکا با خشمی که مشابه همان لیخند آفای ریگان است از جنگ با شیاطین سخن می‌گوید و بر طبل کینه‌های کهن تاریخی می‌کوبد. فرهیختگان غربی می‌دانند و ما نیز می‌دانیم که انسان غربی تحمل کم شدن وزن سید بسیار سنگین مورد مصرفی خود را ندارد و جستجوی مزورانه به دنبال شیطانک‌های خودساخته‌ای که سال‌هاست بالای سر قریب به پنج میلیارد مردمان جهان غیرغربی در حال جولانند، جستجو برای یافتن چیزهای دیگری است. غرب نیازمند گوش فرادادن به صدای وجدان‌های بیدار خود است، صدای انسان‌های دلاوی صادقی که در میان مردان و زنان هوشیار غربی به فراوانی یافت می‌شوند. گرییم که غرب با هجوم به افغانستان و آسیای مرکزی و روشن نگاه داشتن آتش بصران در خاورمیانه آخرین منابع و بازارهای باقی مانده آسیا را در حوزه قفقاز و آسیای میانه به چنگال خویش گرفت و گرییم که مصرف‌کنندگان سیری ناپذیر آمریکایی برای چنددهه دیگر با خیال آسوده به مکت‌دونالدهای خود گاز زدند... گرییم که هرچه منابع زیرزمینی است، هرچه جنگل است، هرچه پرورده است و هرچه خاک است برای حفظ ارزش سهام نیویورک و لندن در بازارهای ناعادله‌ی جهان از کیسه محدود زمین خدا و آدمیان گرسنه‌اش به شن بخش به تاراج رفت، گرییم که آفای جرج دبلیو بوش تمام مخالفان آشکار و مخفی و تمام ناراضیان منطقی و غیرمنطقی و تمام معتزترین آرام و خشن به رفتارهای غرب را از میان غارها و کپرهاي نورشان بیرون کشید و در کنار آبراه نیویورک به دار آویخت. آیا مدیران و برنامه‌ریزان دنیای مدرن برای سال‌هایی که چیزی برای تقسیم کردن - با هر روشی - وجود ندارد زمین دیگری را سراغ گرفته‌اند که کفاف توسعه ناپیدار و ناعادله‌نشان را بدهد.

زمین شایسته این رفتارها نیست و شأن انسان والا تر است که اینگونه ناسپاس و بی‌ادب باشد. رؤیای زندگی رفاهی آنگونه که غربیان می‌زیند برای تمام ساکنان زمین رؤیای عینی است، اما خیال تداوم وضعی که بشر کنونی در آن به سر می‌برد نیز خیال خامی است. فرهیختگان تمدن غرب وظیفه دارند که به احترام دستاوردهای پانصد سال تلاش انسان غربی - که تلاش تمام بشریت است - دست به کاری جدی بزنند. صدای راشل کارسون از پس چند دهه همچنان تازه و خشنگین به گوش می‌رسد که به ذهن خواب‌آلود جهانیان و مخصوصاً غربیان هشدار می‌دهد...

ه‌الگوی زندگی مصرفی و زیاده‌خواه امروزی، ما را در مقابل دستاوردهای خویش آسیب‌پذیر کرده است. پیشرفت دانش نمی‌تواند به تنهایی ما را در برودن رفت از این مخصوصه یاری دهد. ما نیازمند به یک اخلاق زیست محیطی جدیدیم به قول آلدو لئوپولد اخلاقی که ما را از انسان فاتح، به شهروند زیستی، علم ما را از تیزکننده شمشیر خود به علمی که چراغ جستجوگر جهان خویش است، و رابطه ما را با زمین از ارباب و رعیت به عضوی از مجموعه زیست‌ندان آن تغییر دهد... (۶)

بی‌ترش‌ها:

- (۱) برانت ویلی، مهران مسلح، جهان گرسنه، ترجمه هرمز همایون‌پور، سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلام، ۱۳۷۵، تهران، صفحه ۸۹
- (۲) کاسلر، مانوئل، عصر اطلاعات جلد سوم پایان هزاره، ترجمه امد علیقلیان، انتشارات طرح نو تهران، ۱۳۸۰، صفحه ۱۰۰
- (۳) شایگان داریوش، آسیا در برابر غرب، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۶، صفحه ۱۱
- (۴) ملیح شمشاد، صفحه ۶۹
- (۵) ماکلاک‌لین، سن. پی، یادکرد تمدن‌ها و باسازای نظم جهان، ترجمه محمدعلی مهدرفعی، دکلار و همکاران، تهران، ۱۳۷۸، صفحه ۳۹۹
- (۶) کارسون راشل، بهار شاه‌شاه، ترجمه دکترا کوهکی

نیل چشم دریا

نگاهی زیست بوم شناختی به گذشته، حال و آینده دریای خزر

نوشته: دکتر جمال معینی



دریای خزر به عنوان بزرگترین دریاچه جهان در فرب منطقه‌ای موسوم به آسیای میانه قرار گرفته است. این دریاچه از مهمترین مناطق سیاسی، جغرافیایی دنیا است. واقع شدن در مسیر پرترددترین شاهراه‌های تمدنی تاریخ، خزر، حاشیه خزر و مردمانش را در معرض بزرگترین و حساس‌ترین تغییرات و تحولات سیاسی و اجتماعی قرار داده است.

طی دوپست سال گذشته عمده‌ترین حوادث و تحولات واقع شده در حوزه دریای خزر متأثر از تغییرات سیاسی، اجتماعی و فکری در دو همسایه شمالی و جنوبی آن بوده است و در این بین افزون‌طلبی‌های امپراطوری تزارها و سپس سقوط آن‌ها در روسیه و تشکیل حکومت کمونیستی شوروی و جریان فروپاشی آن، همچنان که موجب تحولات عمیق و گسترده‌ای در جهان شد، زیست بوم منحصربه‌فرد و شکننده خزر و اطراف آن را به شدت تحت تأثیر قرار داد. از این رو هرگونه بررسی سیر تحولات و وضعیت دریای خزر نیاز به بررسی و دقت فراوان در سیر حوادث فکری، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی همسایه (و در حال حاضر همسایگان) شمالی آن دارد.

دهنگام که کرپه می‌دهد هزار
ایز دود سرپشت لبر پیرپشت،

هنگام که نیل چشم دریا

از چشم به روی می‌زند مشت... (۱)

... اگر با شیوه‌ای همانند روشی که گاهی سینمای علمی به کار می‌برد، یک میلیارد سالی را که از بدو ظهور زندگی بر روی کره خاک می‌گذرد، به یک سال تبدیل کنیم، آدمی در عصر ماقبل تاریخ تنها هشت ساعت آخرین واپسین روز را اشغال می‌کند، و انسان عصر تاریخ - از مصری کهن تا معاصران ما - تنها دو یا سه دقیقه بیش عمر ندارد ... ولی چه دقیقه‌هایی! (۲)

اگر سالیانی را که نیل چشم دریا پشت سر دارد، در این قیاس آوریم این دقیقه‌ها می‌توانند به لحظه‌های کاهش یابند.

اما مراد از طرح این مطلب چیست؟ هدف پژوهشی است با چراغی کورسو در زرفنای زمان ماقبل تاریخ به امید گشودن افقی باز، و خلق فضایی که نیل چشم دریا را به هستی گوهری‌اش بازگرداند و ما را یک گام به معنی و مفهوم عمیق حفاظت نزدیک‌تر سازد.

همه ما بارها در زندگی، مدعی حفاظت یا حمایت از چیزی یا کسی شده‌ایم.

مادری که نوزادش را در آغوش می‌گیرد و به او شیر می‌دهد، کودکی که برای جوجه‌های دانه می‌پاشد و یا سربازی که مرزهای وطنش را پاس می‌دارد، همگی در مقام حافظ چیزی هستند و هر کدام جایگاه شایسته‌ی خود را بنابه موردی که حفاظت کرده‌اند، پیدا می‌کنند. این شکل حفاظت

● قبل از معاهده ترکمن چای (۱۸۱۳)، ایران و روسیه در مورد دریای خزر حق حاکمیت برابر داشتند و در آن زمان هیچ گونه تقسیم مرز، منابع و یا حد و حدودی در دریا تعیین نشده بود. اما بعد از پایان جنگ‌های ده ساله، به مدت ۱۱۰ سال حق مالکیت برابر ایران محدود شد و روسیه حداکثر امتیاز استفاده از دریا را به خود اختصاص داد.

که می‌تواند امری ذاتی و طبیعی یا اخلاقی و قراردادی باشد، بخشی از روابط اجتماعی ما را شکل می‌دهد و برحسب تجربه و مهارتی که در حفظ این روابط و ساختارهای آن داریم کمتر در این بخش با پیچیدگی و یا چالش عمده مواجه می‌شویم. اما مشکل از آنجا شروع می‌شود که نقش این دو وارونه گردد و محفوظ در مقام حافظ نشیند و انسان مدعی حفاظت از کره زمین شود، زمین که مادر ماست و در آغوشش بزرگ می‌شویم و در نهایت در خاکش آرام می‌گیریم.

زیر آب رفته است، درمیانه دوره «میوسن» دوران سوم، دریای خزر، دریای سیاه و نواحی بین این دو دریا از دریای «تتیس» جدا شده است. در دوره «پلیوسن» دوران سوم خزر پایین رفته و به عکس آن مناطق قفقاز و البرز و دریاچه ارال بالا رفته‌اند و در نهایت دریای خزر و دریای سیاه به طور کامل از هم جدا شدند، با این توضیح که در حال حاضر فارال ۸۰ متر از دریای خزر بالاتر است.

سرانجام بعد از میلیاردها سال شرایطی فراهم آمد تا در طول ۲۰۰۰ الی ۴۰۰۰ سال اقوام گوناگون در کناره‌های آن اقامت گزینند. و این دقیقاً به معنی فراهم شدن یک موقعیت کامل حفاظتی در طول میلیاردها سال بود، تا اقوام مختلف به سوی آن سرازیر شوند و در زیر چتر حفاظت این زیست بوم بی‌بدیل، فرهنگ‌ها و تمدن‌های بی‌ظنری را به وجود آورند.

نیل چشم دریا - کانون بحران

یکی از پیچیده‌ترین مسائل اقتصادی - سیاسی کنونی منطقه و جهان، موضوع دریای خزر و بهره‌برداری از منابع آن است. با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و پیدایش کشورهای جدید، بحث بهره‌برداری از منابع دریای مازندران و مالکیت

این توهم تاریخی که ناشی از عدم شناخت عمیق انسان نسبت به خود و جهان هستی است، باعث شده تا کلبه ساز و کارهای عالم هستی را که طی میلیاردها سال چتر حیات بر زمین گسترانیده و زمینه پیدایش، انطباق و حفاظت از انسان را فراهم ساخته است وارونه درک کنیم و خزر نمونه عینی این کج فہمی‌هاست.

تولد نیل چشم دریا

به کمک دانش زمین شناختی، تاریخ چند میلیارد ساله بزرگ‌ترین دریاچه جهان را می‌نگریم تا لحظه‌ای چند در ابعاد گسترده زیبا شناختی آن به فکر فرو رویم.

براساس نقشه‌های زمین‌شناسی که موقعیت نیل چشم

دریا را در ادوار مختلف نشان

می‌دهد، در محل کنونی آن، در

بخش اعظم دوران اول و دوم،

دریاهایی وجود داشته است به

طوری که سه منطقه «دریاچه

ارال، دریای خزر و دریای

سیاه بقایای اقیانوسی یا

دریای عظیمی متعلق به دوران

دوم تحت عنوان «تتیس»

می‌باشند. (۳) در دوران سوم

زمین‌شناسی، در نتیجه چین

خوردگی‌های پوسته زمین،

فلات مرکزی ایران بالا آمده و

در مقابل گودال جنوبی خزر

تشکیل شده و برای همیشه به

برای مدتی طولانی از سال ۱۹۵۰ الی ۱۹۶۰ اتحاد شوروی به صورت یک ابرقدرت نظامی و بزرگ‌ترین تولیدکننده نفت و گاز درآمد. صنایع گسترش یافت، و صنایع سنگین در خدمت صنایع نظامی قرار گرفت. چراکه قدرت نظامی هدف غایی این رژیم و سنگ بنای دولت سالاری بود.



• یکی از پیچیده‌ترین مسائل اقتصادی-سیاسی کنونی منطقه و جهان، موضوع دریای خزر و بهره‌برداری از منابع آن است. با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و پیدایش کشورهای جدید، بحث بهره‌برداری از منابع دریای مازندران و مالکیت آن، این دریا را کانون کشمکش‌های جدید قرار داد.



روس‌ها و انگلیسی‌ها با حداکثر استفاده از موقعیت پیش آمده کلیه حقوق حاکمیت ایران را نادیده گرفته و در این راه پای بند هیچ قانون مدنی و اخلاقی و بین‌المللی نیستند.

«اسماعیل رایبین» در کتاب «حقوق بگیران انگلیس در ایران» اوضاع زمامداران قاجار را در آن دوره چنین بیان می‌کند:

«در کشاکش این وقایع سیاسی، کارنامه‌ی بسیاری از زمامداران وقت ایران سیاه است. از چند نفر که بگذریم، اکثر کسانی که در آن روزگار بر مقدرات ایران حکومت داشتند، صاحب شخصیت و کاردانی و پاکدامنی سیاسی نبودند. از گروه اول عباس میرزا، میرزا بزرگ قائم مقام، میرزا ابوالقاسم قائم مقام و میرزا تقی خان امیرکبیر را باید نام ببریم که معرف روح وطن پرستی و فداکاری و دفاع از حقوق ملی و حاکمیت ایران بودند و همواره علیه استعمارگران به مبارزه می‌پرداختند و در برابر تعدیاتی پی در پی و زورگویی‌های روس و انگلیس ایستادگی می‌نمودند. اینان آزاد مردانی بودند که رشوه یا مقرری و حقوق از کسی نمی‌گرفتند، و به این دلیل حتی دشمنانشان آنان را ستایش می‌کردند. چنانکه دکتر پلاک معروف درباره امیرکبیر می‌نویسد: ... میرزا تقی خان مظهر وطن پرستی بود، یعنی همان اصلی که در ایران مجهول است. آنچه می‌دادند و او نمی‌گرفت، خرج معدوم کردن وی شد ...» همچنین



آن، این دریا را کانون کشمکش‌های جدید قرار داد.

برای شناخت عوامل ایجاد این بحران، ضمن کالبد شکافی آن، به بررسی زمینه‌های تاریخی - بویژه تاریخ دو قرن اخیر - می‌پردازیم:

محمود محمود اوضاع ایران را در آغاز قرن نوزدهم به مزرعه آفتزده‌ای تشبیه کرده و می‌گوید: گویی ملخ پراقتی در مزرعه هستی ایران تخم فتنه و فساد پراکنده که هر لحظه در حال رشد و نمو است و سرانجام برای ایران بسیار وخیم و خطرناک می‌باشد. با اینکه بعدها در ایران مستولان مطلع و جدی و دلسوز پیدا شدند، ولی نه کوشش و نه فداکاری آنها هیچ یک در بر انداختن ریشه این تخم فتنه و فساد مؤثر واقع نشده، (۴)

با آغاز قرن نوزدهم، در حالی که غرب چهار نعل به جلو می‌تازد، تاریخ سرنوشت ملت ایران را به شکل دیگری رقم می‌زند. ایران همچنان در خواب خوش مستی به سر می‌برد. اوضاع سیاسی، فرهنگی اجتماعی و اقتصادی کشور بسیار آشفته است، فساد تمامی عرصه‌های نظام حاکم را در بر گرفته است و شرایط به‌طور کامل برای زده و بندهای بیگانگان فراهم آمده است.

• این قرارداد (۱۹۲۱) به همراه قرارداد ۱۹۴۰ (قرارداد حق کشتیرانی برابر) اگر چه به حق و حقوق تاریخی ملت ایران رسمیت دوباره‌ای بخشید، ولی نتایج و تبعات فراوانی برای ملت‌های دو کشور همسایه به بار آورد.

• نمی‌توان انکار کرد که بسیاری از مدعیان پیروی از مارکس با طبیعت چون شیئی رفتار می‌کردند که گویی فقط باید از آن بهره‌برداری کرد. یاری، منتقدان امروز معمولاً استدلال می‌کنند که جهان‌بینی مارکس و انگلس بیش از همه از اندیشه‌ی استیلای تمام‌عیار فن‌آوری بر طبیعت سرچشمه گرفته است و به رغم حساسیت‌های زیست محیطی آن دو در حوزه‌های خاص، در اساس باید بر چنین بستری درباره دیدگاه‌های تئوریک آنان ناواری کرد، و بنابراین از این دیدگاه مارکسیسم و طرفداری از حفظ محیط زیست هیچ گاه به تمامی با یکدیگر سازگار نیستند.



انگلیسی دیگری درباره امیرکبیر می‌نویسد: «نسل تازه ایران را نمی‌توان بکلی سست و فرسوده شمرد، چه این نسل می‌تواند مردی چون تقی خان را به وجود آورد. او در میان رجال مشرق زمین که تاریخ جدید نام آنها را ثبت کرده، مقام بی‌همتایی دارد. امیر نظام همان کسی است که «دیوژن» در روز روشن با چراغ در پی او می‌گشت، او سزاوار است که به نام انسان واقعی یعنی اشرف مخلوقات خداوندی به شمار آید.»

در مقابل این بزرگ مردان، کسانی بودند که مستقیماً آلت فعل سیاست بیگانگان در ایران به شمار می‌رفتند. اینان یا مستقیم از اجانب پول می‌گرفتند و مستمری دریافت می‌داشتند و یا اینکه به پشتیبانی خارجی به مقامات عالیله مملکتی می‌رسیدند و در ازای آن حقوق ملت ایران را در طبق اخلاص می‌نهادند و تسلیم سفارتخانه‌ها و مقامات خارجی می‌کردند. اینان در برابر بیگانگان زبونی و پستی را به حد کمال رسانیدند و چیزی که در ذهنشان نمی‌گذشت منافع مملکت و حقوق ملت ایران بود. و گاهی کار آنان به جایی می‌رسید که مثلاً هنگامی که میرزا ابوالحسن خان ایلیچی حقوق بگیر دولت انگلیس و حکومت هندوستان از دنیا رفت، مقامات خارجی در صدد تعیین جانشین برای او برآمدند و از اینکه شخصی به جای وی انتخاب شود که حقوق بگیر آنها نباشد، به وحشت افتادند، (۵) در توصیف بیشتر اوضاع اجتماعی و سیاسی آن دوران و در بسط شناخت ما نسبت به آن زمان، نقل قول دیگری از کتاب «جامعه‌شناسی نخبه‌کشی» نوشته «علی رضاقلی» وجود دارد:

«... قرن نوزدهم با سرخوردگی ایرانیان از انگلیس و سپس روس شروع می‌شود. اروپا با تمام حواس مواظب ناپلئون است.

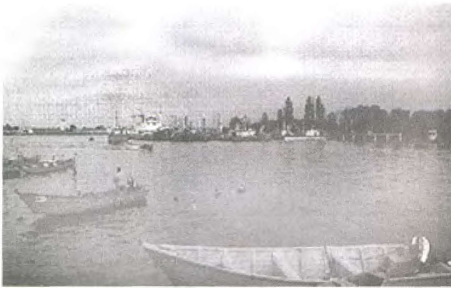
ایرانی بی‌اطلاع از اوضاع جهان به سمت او روان می‌شود و با التماس و الحاح، قرارداد ۱۸۰۷ میلادی را با ناپلئون می‌بندد ... ناپلئون دو بار در نامه‌هایش به فتحعلی شاه تذکر می‌دهد که با این طرز زندگی قبیلگی قادر نخواهد بود به زندگی در جهان ادامه دهد و از او می‌خواهد که تغییرات جدی در وضع پوسیده ایران به وجود آورد ... ولی گوش کسی به این مطلب بدهکار نبود. در گزارش‌های آن زمان آمده است که ایرانی‌ها کارهای سخت و مبارزه را دوست ندارند. دوست دارند کار نکرده، درآمد داشته باشند و به همین خاطر دلالتی را بر دوست دارند ... (۶) در چنین اوضاع و احوال، در حالی که نیل چشم دریا خون گریه می‌کند، جنگ‌های ده ساله ایران و روس آغاز می‌شود (۱۸۲۱-۱۸۱۲) و بر سر ایران همان می‌رود که نیچه گفته بود: «ای نژاد کوتاه روز رقت‌انگیز، ای زادگان غم و اندوه ... بهترین تقدیر آن است که در دسترس شما نیست، یعنی نژاد و نبودن، پس از آن بهترین تقدیر زود مردن است ...» (۷) حاصل این جنگ نکبت بار که یک دهه به طول انجامید، جدا شدن و از دست رفتن بزرگ‌ترین و آبادترین استان‌های شمالی کشور بر اساس معاهده‌های ذلت‌بار ترکمن چای و گلستان بود.

در کنار این دو ذلت‌نامه، ذلت نامه‌های دیگری را می‌توان نام برد: از کاپیتولاسیون و تحمیل تجارت آزاد گرفته تا نادیده گرفتن کلیه حقوق حاکمیت ملی ملت ایران در دریای خزر که به زور و نیرنگ به ایران تحمیل شد و بدین ترتیب حق حاکمیت برابر ایران و روسیه در خصوص دریای مازندران عملاً برای یک دوره ۱۱۰ ساله به نفع کامل روسیه تغییر کرد.

نیل چشم دریا و قرارداد ۱۹۲۱

چنانکه در بالا اشاره کردیم، «نیل از معاهده ترکمن چای (۱۸۱۳)، ایران و روسیه در مورد دریای خزر حق حاکمیت برابر داشتند و در آن زمان گونه تقسیم مرز، منابع و یا حد و حدودی در دریا تعیین نشده بود.» (۸)

اما بعد از پایان جنگ‌های ده ساله، به مدت ۱۱۰ سال حق مالکیت برابر ایران محدود شد و روسیه حداکثر امتیاز استفاده



از دریا را به خود اختصاص داد. با انقلاب روسیه (۱۹۱۷) و تشکیل کشور شوروی، قرارداد ۱۹۲۱ بین ایران و شوروی بسته شد که براساس آن کلیه امتیازاتی که روسیه تزاری در معاهده ترکمن چای بر ایران تحصیل کرده بود، لغو گردید و بار دیگر حق حاکمیت دو کشور بر دریا برابری شد. (۹)

این قرارداد (۱۹۲۱) به همراه قرارداد ۱۹۴۰ (قرارداد حق کشتیرانی برابر) اگر چه به حق و حقوق تاریخی ملت ایران رسمیت دوباره ای بخشید، ولی نتایج و ثمرات فراوانی برای ملت‌های دو کشور همسایه به بار آورد که تحلیل و کالبد شکافی هر کدام، از اعتبار و ارزش تاریخی، سیاسی و حقوقی زیادی برخوردار است.

شوروی در این قرارداد به یک امتیاز مهم سیاسی و امنیتی دست پیدا کرد که طرف ایرانی قرارداد را متعهد می‌کرد هیچ گاه مرزهای همسایه شمالی از جانب ایران مورد تهدید قرار نگیرد.

این امتیاز اگر چه در آن زمان برای نظام تازه تأسیس شوروی که با انواع تهدیدهای داخلی و خارجی مواجه بود ارزش حیاتی داشت، بعد از گذشت این دوران نیز هیچ‌گاه از اعتبار سیاسی و امنیتی این قرارداد کاسته نشد. چنانکه در جنگ دوم، ارتش شوروی با همین اعتبار وارد خاک ایران شد.

بعد از پایان جنگ جهانی دوم و تشکیل پیمان نظامی ورشو، مرزهای مشترک دو کشور

بی‌خبری می‌گوید: تجربه شوروی وجه بارز قرن بیستمی بود که به طور کلی پیرامون توسعه این تجربه و پیامدهایی که برای جهان داشت شکل گرفته بود. این تجربه سایه غول‌آسی خود را نه تنها بر جغرافیا سیاسی دولت‌ها، بلکه بر تعبیرهای خیالی از دگرگونی اجتماعی نیز گسترده بود. ... جمع‌کثیری از دانشمندان برجسته علوم اجتماعی در غرب نظریه‌های خود را به نفع، بر ضد یا در ارتباط با تجربه شوروی ارائه کرده‌اند (۱۰) و در یک جمله باید گفت «تجربه شوروی، مردم این کشور و کل جهان را به رنج بسیاری افکند» (۱۱) و از چشم نیل چشم دریا، یکی از تلخ‌ترین این تجربیات، جنگ زیست بوم شناختی پنهانی بود که نظام استالینی علیه کشور خود و سایر کشورهای همسایه به راه انداخت.

نیل چشم دریا و جنگ پنهان زیست بوم شناختی

از ظهور تا سقوط یک آرمان شهر
ورود انسان روسی به انقلاب ۱۹۱۷ و خروجش از آرمان شهر شوروی در سال ۱۹۹۱ - چه زمانی که می‌خواهد به هر قیمت به دنیای مدرن گام نهد، چه زمانی که با شتابی جنون‌آسا می‌خواهد تمامی نهادهای اقتصادی و اجتماعی آرمان شهرش را یک جا در هم کوبد، بطوری که آخرین پروسترویکا (تجدید ساختار) و گلاسنوست (فضای باز سیاسی) گورباچف نیز جلو‌دارش نیست - یادآور

● امروز رودخانه ولگا به تنهایی باعث ۶۵٪ از آلودگی دریای خزر می‌باشد. نومای روسیه (مجلس روسیه) اجازه باز یافت زباله‌های اتمی کشورهای دیگر را به امید دست یافتن به مبلغی برابر با میلیاردها دلار در سال، به دولت این کشور صادر کرده است.

کشمکش‌های همیشگی است که کمابیش در آثار همه مردان بزرگ آن قوم بویژه در آثار «داستان‌فلسفی» باز می‌یابیم. روس هیچ گاه میانه‌رو نیست، حد داشتن و متعادل بودن در قاموش وجود ندارد. شاید فضاهای نامتناهی استپ‌ها و افق‌های بیکران سرزمین پهناور روسیه اثری در روح آن قوم گذاشته باشد. چه روس حد و اندازه نمی‌شناسد ...

روسی احساساتی است. احساساتی که انسان را از خود به در می‌برد، خواه استغراق در لذت حواس باشد و باده‌گساری، خواه به صورت جزمی و غضب‌آمیز عقاید انقلابی درآید. ... اما این احساسات خواه مثبت باشد، خواه منفی، همواره ابدایی غول‌آسا می‌یابد. (۱۲)

فهم انسان روس از رشد، توسعه، نوشدن و برداشتن از آموزه‌های مارکس خاص خود اوست. و در این راه با همه چیز قمار می‌کند. اگر چه این چیز وطنش باشد یعنی چرخ خاک کره زمین. سرنوشت این قمار بی‌شبابت به «سرگذشت فاوست گوته که تا به امروز، بهترین تراژدی رشد و توسعه است (۱۳) نمی‌باشد. «ماجراجوی منظومه فاوست در دوره‌ای آغاز می‌شود که حس و تفکر مدرن شده‌اند اما شرایط مادی و اجتماعی این دوره هنوز قرون وسطایی است.» (۱۴)

«آنچه این فاوست برای خویش می‌خواهد، فرایند بویایی است که همه وجوه تجربه بشری، و لذت و رنج و یکسان در بر خواهد گرفت و همه آنها را در رشد بی‌پایان نفس او جذب و ادغام خواهد کرد، به صورتی که حتی نابودی و تخریب نفس نیز بخش ذاتی و بی‌پوسته‌ای از رشد و تحول آن خواهد بود.

یکی از اصلی‌ترین و شریخ‌ترین ایده‌های نهفته در فاوست گوته، ایده قرابت و نزدیکی موجود میان آرمان فرهنگی رشد و تحول نفس و جنبش اجتماعی و واقعی حرکت به سوی رشد و توسعه اقتصادی است. به اعتقاد گوته این دو وجه توسعه و رشد باید وحدت یافته و درهم ادغام شوند، تا از این طریق تحقق هر یک از این دو وعده، که در حکم نمونه‌ها و الگوهای ازلی وعده‌های زندگی مدرن‌اند، ممکن شود. همان‌طور که فاوست و ما درخواهیم یافت، برای انسان مدرن یگانه راه دگرگون ساختن خویشتن، ایجاد دگرگونی ریشهای در کل جهان فیزیکی، اجتماعی و اخلاقی است که در آن زندگی می‌کند. قهرمان گوته به یمن رها ساختن انرژی‌های سترگ و سرکوب شده انسانی به مقام قهرمانی می‌رسد، و این رهایی، گذشته از خود فاوست، هر چیزی را که او لمس می‌کند و نهایتاً کل جامعه اطراف او را شامل می‌شود. ولی از قضا، تحولاتی که به دست او آغاز می‌شوند - تحولات فکری، اخلاقی، اقتصادی و اجتماعی - به لحاظ انسانی بهای سنگین را طلب می‌کنند. معنای رابطه فاوست با شیطان نیز همین

است: توسعه و تحول قوای انسانی فقط به یاری نسیروهایی ممکن است که مارکس آنها را «قدرت‌های جهان زیرین» می‌نامد. همان نیروهای تاریک و ترسناکی که هر آینه ممکن است با قدرتی دهشتناک، که خارج از هرگونه کنترل بشری است. فوران کنند ... سرگذشت فاوست را می‌توان از خلال سه استحال یا دگردیسی دنبال کرد: او نخست در هیئت رؤیابین ظاهر می‌شود، سپس خود را به عاشق بدل می‌کند و سرانجام مدت‌ها پس از اتمام تراژدی عشق، در هیئت توسعه‌گر به نقطه اوج زندگی‌اش می‌رسد.» (۱۵)

این سه دگردیسی درست همان وجوه اشتراکی است که بین دو سرنوشت - سرنوشت ملت روس و فاوست گوته - می‌توان آن را یافت. در یادداشت‌های زیرزمینی، داستان‌فلسفی اشاره‌ای دارد به تجربه نویسندگی روسی که به لندن سفر کرده است و در آنجا کاخ بلورین لندن را که نمادی برای جامعه صنعتی انگلستان به شمار می‌رود می‌بیند و در بازگشت این تجربه را به منزله نوعی خیال یا شهود جادویی در رویاهای یکی از قهرمانان کتابش بازسازی می‌کند. از دید نویسنده (چرنیفسکی) و قشر پیشگام یا همان ناسن‌های جدید، مورد نظر او، کاخ بلورین نمادی است از صور جدید آزادی و سعادت که مردم روسیه فقط با یک جهش تاریخی بزرگ به درون مدرنیته می‌توانند از آنها بهره‌مند شوند. (۱۶)

و این آرزوها است که ذهن و حس انسان روس را آنچنان استحال می‌کند که نظریه‌پردازهای مارکس را که در کنار کاخ بلورین لندن، نه در کنار ال‌اجیق نمور، زندگی فئودالی، ساخته و پرداخته شده است تحریف می‌کند و از آن آنچنان آئین مقدسی می‌سازد که تنها در ذهن عاشقان انقلابی است که بدون هیچ چون و چرایی می‌تواند جایی گیرد. و این عشق است که می‌سوزد تا دومین دگردیسی جامعه شوروی تکمیل شود و خود را به سومین و آخرین دگردیسی یعنی انسان توسعه‌گرا تحول نماید.

و این بار استالین است که در نقش فاوست توسعه‌گر ظاهر می‌شود تا همه نیروهای انسانی کشورش را بسیج کند و کلیه منابع طبیعی کشور را در اختیار بگیرد. او در فوریه ۱۹۲۶ طی یک سخنرانی، آرزوهایش را چنین بیان می‌کند: «وقتی اتحاد شوروی سالانه ۵۰ میلیون تن آهن، ۶۰ میلیون تن فولاد، ۵۰۰ میلیون تن



آلودگی‌های گسترده نفتی که در چند سال اخیر بر اثر هم‌جرم شرکت‌های مختلف نفتی این منطقه ایجاد شده است عبات آیزان این دریا را به شدت تهدید می‌کند.

ذغال سنگ و ۶۰ میلیون تن نفت تولید کند، آنگاه در برابر هر گونه پیشامد ناگواری بیمه خواهد شد.» (۱۷)

این تنها گوشه‌ای از آرمان‌های مردی است که باید به فرمان او همه امکانات مادی و معنوی کشور بسیج و در گوره گذاخته قطار توسعه ریخته شود تا چرخ توسعه را به پیش برد و در رقابتی که ماهیتاً به قول گوته «تراژیک و خوفناک است» (۱۸) جلو افتد. مدتی نمی‌گذرد که «اتحاد شوروی نه تنها به

صورت یک ابرقدرت نظامی، بلکه دارای سومین اقتصاد جهان، بزرگ‌ترین تولیدکننده نفت، گاز و فلزات کمیاب در می‌آید و برای مدتی طولانی از سال ۱۹۵۰ الی ۱۹۶۰ رشد تولید ناخالصی ملی آن بیشتر از هر کشور دیگری می‌شود، (۱۹) صنعت گسترش می‌یابد، صنایع سنگین خود در خدمت صنایع نظامی قرار می‌گیرد چرا که «قدرت نظامی هدف غایی این رژیم و سنگ بنای دولت سالاری بوده و این پایان قمار می‌بود که یک ملت با آن همه آرزو، عاشقانه وارد آن شد ولی در اثر بی‌کفایتی نخبگان و رهبران سیاسی‌اش به فروپاشی انجامید. این بخش را با این توضیح به پایان می‌بریم که

علل ظهور و سقوط اتحاد شوروی به مراتب پیچیده‌تر از آن است که بتواند در بخشی از یک مقاله آورده شود و همین قدر می‌توان گفت. بی‌توجهی به فرهنگ و دانش بومی، فقر نظر، کمبود اطلاعات و تحریف مفاهیم کلیدی یک روش تحلیل اجتماعی و بالا بردن آن تا یک آیین مقدس، رخنه فساد در دستگاه عریض و طویل دیوان سالار کشور و ده‌ها و ده‌ها مورد دیگر از این

دست و از همه مهم‌تر تضاد عمیق بین نخبگان و عامه مردم از دلایل عمده این فروپاشی بود که در مورد آخری، استناد می‌کنیم به گفته یکی از معروف‌ترین روشنفکران روسیه «ماکسیم گورکی» که ملت خود را نیمه وحشی می‌خواند: «مردمان شهرها و روستاهای روسیه، که جانورانی نیمه وحشی، احمق، و تقریباً ترسناک هستند خواهند مرد و جای برایشان انسان طراز نوین خواهند گشود.» (۲۰)

نیم تگاهی به وضعیت محیط زیست اتحاد شوروی سابق

می‌خواستیم عنوان این بخش از مقاله را، نیم تگاهی به میراث جهانی آرمان شهر شوروی بگذاریم، ولی دیدیم این عنوان بسیار کلی است به طوری که تمامی ابعاد اعم از اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و زیست بوم شناختی را در بر می‌گیرد. پس از آن پرهیز کردیم به این امید که در جایی دیگر، فرصتی دیگر و با حمایت متولیان فرهنگی کشور این کار را در قالب یک کار پژوهشی جامع به سرانجام رسانیم چرا که راه فرادی ما در گرو عبور از تنگناهایی است که آوارهای این ناکجاآباد به جای گذاشته است.

در این گفته «کاسترا» که کمونیسم مردم جهان را رنج داد، معنی و مفهومی عمیق نهفته است که درک درست آن می‌تواند در پیشبرد آینده جهان کمک موثری باشد. استحال و نابودی فرهنگ‌های بومی در اقصی نقاط جهان که هر کدام از آنان می‌توانست در انتخاب روش‌های کاملاً غنی برای

اصلاح آن جوامع نقش حیاتی داشته باشند و در کنار آن، قربانی شدن نخبگان و آرمان گرایان این جوامع که قربانی تبلیغات جهانی دنیای کمونیست شدند. در دام ذهن‌گرایی افراطی اسیر آمدند و در نهایت از بین رفتن فرصت‌های تاریخی که در فراروی این ملتها قرار داشت، تنها گوشه‌ای از این رنج بی‌حاصل می‌باشد. که نمونه عینی آن افغانستان است. یک کشور فئودالی که به دست نخبگان طرفدار شوروی وارد قمار می‌گردد که این ملت را به نابودی کامل می‌کشد به طوری که بعد از ۲۳ سال هنوز در آتش اشتباه نخبگان خود می‌سوزد - حال از این توضیح نه چندان کوتاه خارج می‌شویم و به اصل موضوع می‌پردازیم.

در زمان اقتدار اتحاد شوروی، یک بخش عمده از تبلیغات نظام کمونیستی علیه کشورهای سرمایه‌داری و متقابلاً، ناکارآمدی این کشورها در حفظ محیط زیست بود. آنان به گروه‌ها و هواداران خود در سایر نقاط جهان القا می‌کردند که رفتار کمونیست‌ها با منابع طبیعی و محیط زیست، رفتاری انسانی و سنجیده است و این کشورهای سرمایه‌داری هستند که با ولع خاصی که در رشد و توسعه و رسیدن به رفاه اجتماعی دارند، باعث نابودی محیط زیست می‌شوند.

با فروپاشی این نظام‌ها، دروغ بودن این ادعاها هر چه بیشتر نمایان شده و به چالش‌های جدی در بین گروه‌های طرفدار محیط زیست بویژه زیست بوم گرایان سیاسی منجر گردید و بار دیگر بحث کارآمدی و یا ناکارآمدی آموزه‌های مارکس بالا گرفت. در اینجا به اختصار به بعضی از استدلال‌های متفاوت این گروه‌ها اشاره می‌کنیم.

فمی‌توان انکار کرد که بسیاری از مدعیان پیروی از مارکس با طبیعت چون شیئی رفتار می‌کردند که گویی فقط باید از آن بهره‌برداری کرد. باری، منتقدان امروز معمولاً استدلال می‌کنند که جهان‌بینی مارکس و انگلس پیش از همه از اندیشه‌ی استیلای تمام عیار فن‌آوری بر طبیعت سرچشمه گرفته است و به رغم حساسیت‌های زیست محیطی آن دو در حوزه‌های خاص، در اساس باید بر چنین بستری درباره دیدگاه‌های تئوریک آنان داوری کرد، و بنابراین از این دیدگاه مارکسیسم و طرفداری از حفظ محیط زیست هیچ گاه به تمامی با یکدیگر سازگار نیستند. (۲۱)

بخشی از این زیست بوم‌گرایان با انتقاد از آموزه‌های مارکس، نظریه ماتریالیسم تاریخی را

اصلی‌ترین راه چیرگی بر طبیعت برای انتقال به دنیای مدرن می‌دانند. (۲۲) آنان «نگرش انسان محوری مارکس» را که برای پیشرفت هیچ حد و حدودی طبیعی نمی‌شناسد؛ و نظریه ارزش‌های نیروی کار؛ را که سرچشمه همه ارزش‌ها شمرده شده و بدین طریق وجود ارزش در ذات طبیعت را انکار کرده است. (۲۴) و علاوه بر این، عملکرد زیست محیطی بسیار بد در حکومت‌های پیشین اتحاد شوروی و کشورهای اروپای شرقی؛ را با زتاب کلی ناکامی مارکس در گنجاندن ملاحظات زیست محیطی می‌دانند. (۲۵)

در مقابل این نظریه‌ها که با نظریه غالب‌تری که مارکسیسم را برداشتی افراطی از مدرنیسم می‌داند (۲۶) بسط می‌یابد و سنخ پسمادرن‌های طرفداران محیط زیست را یک جا گرد می‌آورد - گروه دیگر معتقدند مارکس اعتقاد داشته است که شکل تاریخی خاص مناسبات تولیدی، در هر دوره از تاریخ، سنگ بنای اصلی رابطه‌ی متقابل میان انسان و طبیعت می‌باشد؛ (۲۷) و برای اثبات ادعای خود به دست نوشته‌های مارکس و انگلس اشاره می‌کنند:

«آدمی به طبیعت زنده است، یعنی طبیعت پیکره اوست، پس چنانچه آدمی بخواهد زنده بماند باید پیوسته با طبیعت گفت و گو کند. این سخن، که حیات جسمانی و معنوی انسان با طبیعت پیوند دارد، معنایی جز این نمی‌دهد که طبیعت با خود پیوند دارد، چه آدمی پاره‌ای از طبیعت است.» (۲۸)

و یا در همان منبع از انگلس نقل قول می‌شود که «تبدیل زمین - که تنها چیز، همه چیز و نخستین شرط موجودیت آدمی است - به موضوعی برای دلالتی، آخرین گام در راهی بود که خود آدمی را به موضوع دلالتی تبدیل کرده. (۲۹)

اکنون بعد از روایت‌های متفاوت از سبزه‌ها، دوباره به نیل چشم دریا برمی‌گردیم که قرن‌هاست از بازنترین اقفاها بر سرزمین شمالی چشم دوخته است تا روایتگر داستان غم‌انگیز جنگ پنهانی زیست بوم شناختی نظام استالینی باشد.

استالین نمونه کامل مردی است که تمامی نیروهای امریتمی را یک جا در خود گرد آورده است تا در نقش انسان توسعه‌گر، آخرین مرحله از مراحل سه گانه، دگرذیسی انسان روسی را به اتمام رساند. گویی این روح امریتمی فاوست است که این بار در استالین حلول کرده است تا پروژه

نیل چشم دریا - آغاز هزاره سوم - بازگشت بحران

تجدید ساختار اقتصاد بین‌المللی به واسطه فروپاشی امپراتوری شوروی و نیز نهایتاً پیوستن تکه پاره‌های اقتصادهای دولتی سابق به اقتصاد بازار جهانی پیچیده‌تر شده است. فروپاشی کمونیسم و اتحاد شوروی رویدادهای تاریخی عمده‌ای هستند که به نظر من مستقیماً به مشکلات ساختاری شیوه دولت سالارانه تولید در گذار به شیوه اطلاعاتی توسعه مربوط می‌شود...

صرفاً انسداد این اقتصادها، جمعیت تحصیلکرده آنها، بنیان علمی نیرومند و ذخایر عظیم انرژی و منابع طبیعی آنها به میزان قابل توجهی بر نظام اقتصادی جهان تأثیر خواهد گذاشت. در دراز مدت، مشارکت حیاتی این منطقه در اقتصاد جهانی ممکن است افزودن بازاری پویا متشکل از ۴۰۰ میلیون مصرف کننده و لذا فراهم آوردن مفراهی برای ظرفیت مازادی باشد که در ساختارهای تولیدی فن‌آوری پیشرفته غرب و بویژه اروپای غربی انباشته می‌شود. با وجود این، چنین نگرشی نیازمند یک فرایند رشد اقتصادی است تا این مصرف کنندگان را به پرداخت از مصرفشان قادر کند، در مقیاسی آنچنان بزرگ که این بازار را در خور توجه سازد. (۳۱)

بعد از فروپاشی اتحاد شوروی، کتاب‌ها و مقاله‌های تحلیلی فراوانی منتشر شد که در اکثر آنها، ضمن کالبد شکافی علل فروپاشی، به وضعیت نابسامان کشورهای تازه تأسیس اشاره شده و در خصوص آینده این کشورها نظریه‌پردازی‌های زیادی صورت گرفته است.

در مجموعه این نظریه‌ها، در عین وجود تفاوت‌هایی در نحوه تحلیل مسائل منطقه، اتفاق نظر در چند زمینه اصلی کامیاب مشهود است. در بسیاری از موارد این نظریات قبل از اینکه بازگو کننده نیاز واقعی ملت‌هایی باشد که به شدت سرخورده و ناامید می‌باشند، بازتاب اهداف سیاسی، اقتصادی و نظامی امنیتی کشورهای است که به این منطقه در چارچوب اهداف راهبردی خود نگاه می‌کنند.

آنان به بازار پرسود ۴۰۰ میلیونی چشم دوخته‌اند که در آینده قادر خواهد بود مازاد ظرفیت‌های تولیدی غرب را در خود جذب کند و از طرفی این مصرف کنندگان باید برای خرید پول کافی داشته باشند. که راه حل آن نیز آسان است -

به آنان کمک می‌کنیم تا منابع نفتی و سایر مواد خام خود را حراج کنند!!

بدین طریق بوی نفت همه را وسوسه کرده و به سوی خود می‌خواند. دوباره زد و بندها و مذاکرات پشت پرده، شکل می‌گیرد و نیل چشم دریا می‌رود تا دوباره در آستانه هزاره سوم بحران جدی دیگری را تجربه کند.

عدم توانایی کشورهای منطقه در حل مسائل فی ما بین، بویژه اختلاف نظر بر سر نحوه استفاده از گاز و نفت و سایر منابع دریای خزر از یک طرف و بی‌تجربگی و ناپختگی سیاسی از طرف دیگر منطقه را در حالت پلانکتینی قرار داده است.

کشورهای تازه استقلال یافته به بهانه کسب

منابع ارزی برای بازسازی اقتصاد ویران خود، پای کشورهای دیگر را کم کم به منطقه باز کرده و می‌کنند، طوری که هر روز بیشتر از دیروز مسائل منطقه را با مسائل امنیتی و سیاسی جهان گره می‌زنند و این یکی دیگر از آن اشتباه‌های تاریخی است که در نهایت هیچ کدام از این کشورها از آن

سودی نخواهند برد و در این میان نقش دیپلماسی کشور ما بسیار کم‌رنگ به نظر می‌رسد. و متأسفانه تا بحال نتوانستیم با یک سیاست متعالف و پرتحرک ضمن ایجاد همگرایی و وحدت رویه در

بین کشورهای ذی‌نفع در خصوص منابع دریای خزر دورنمای امید بخشی برای منطقه ترسیم کنیم «ما دچار یک اشتباه راهبردی شده‌ایم که طرح این موضوع که رژیم حقوقی دریای خزر به ۵ کشور ارتباط دارد. زیرا با این عمل در واقع یک

رژیم حقوقی معتبر (حقوق برابر ایران و شوروی سابق) را بدست خود زیر سؤال برده و کم‌کم کشورهای جدید مدعی حق حاکمیت را در موضع قوی‌تری قرار داده‌ایم تا جایی که هر کدام خود را در صاحب حق و حقوق می‌بینند که در مورد منابع دریای خزر به تنهایی تصمیم‌گیری کنند» (۳۲)

به هر حال وزارت امور خارجه کشورمان باید بپذیرد که کارنامه ۱۰ الی ۱۲ ساله‌اش در مورد دریای خزر درخشان نیست و باید با فعالیت بسیار

بیشتری وارد دیپلماسی منطقه شویم و از حق و حقوق ملی مان به خوبی دفاع کنیم. در این راه باید از نظریات کارشناسان و سیاست‌مداران باتجربه کشور به نحوه مطلوبی استفاده شود. سا باید بپذیریم که هر نوع کوتاهی در خصوص مسائل اساسی دریای خزر غیرقابل بخشش خواهد بود. بویژه باید به شدت روی مسائل حساس زیست بوم

شناختی و سلامت محیط زیست آن پافشاری کنیم تا در آینده منطقه‌ای آرام و سالم و به دور از هر گونه تنش و درگیری داشته باشیم.

یادداشت‌ها

۱ - مجموعه آثار نیما یوشیج؛ انتشارات صفی عیاشه

۲ - گریمرگ، کارل؛ تاریخ بزرگ جهان؛ انتشارات بزبان؛ جلد ۱

۳ - کردوانی، پرویز؛ اکوسیستم‌های آبی خزر

۴ - منبع ۳

۵ - تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلس؛ جلد ۲

۶ - رایبن، اسماعیل؛ حقوق بگیران انگلس در ایران

۷ - رضاقلی، علی؛ جامعه‌شناسی نخبه‌کشی

۸ - منبع ۷

۹ - روزنامه ایران؛ ۷ و ۸ مرداد ماه سال ۱۳۸۰

۱۰ - کاستلز؛ عصر اطلاعات؛ انتشارات طرح نو

۱۱ - منبع ۱۰

۱۲ - شایدگان، داریوش؛ آسیا در برابر غرب؛ انتشارات امیرکبیر

۱۳ - برمن، مارشال؛ تجربه مدرنیته؛ ترجمه مراد فرهادپور؛ انتشارات طرح نو

۱۴ - منبع ۱۳

۱۵ - منبع ۱۳

۱۶ - منبع ۱۳

۱۷ - منبع ۱۰

۱۸ - منبع ۱۳

۱۹ - منبع ۱۰

۲۰ - منبع ۱۰

۲۱ و ۲۲ و ۲۳ و ۲۴ و ۲۵ و ۲۶ و ۲۷ و ۲۸ و ۲۹ - پسهام مدرنیسم - بونه نقد - خسرو پارسا - انتشارات آگاه

۳۰ - منبع ۱۰

۳۱ - منبع ۱۰

۳۲ - منبع ۹

این راهها به کجا ختم می‌شود؟

نگاهی به راهسازی در کوههای ایران

عباس محمدی

لالاخان (زمنستان) سقر
عکس از: قدرت‌الله کربانیان



بر روی گل‌گیر بزرگ تراکتوری نشسته بودم که از راه خاکی بر دست‌انداز پای رشته کوه گاوکشان در شمال غرب شاهرود می‌گذشت. تراکتور، یدککشی داشت که بارش چندگونی سیب‌زمینی بود و باید فاصله‌ی کوتاهی را از کشتزار کوچک جمشیری تا ده شاه‌کوه می‌پیمود. اما سیل چند هفته پیش (مهرماه ۷۹) آن جاده را خراب کرده بود و تراکتور باید مسیری چند برابر طولانی‌تر را سربالا (در جهت عکس مسیر طبیعی و اصلی) می‌پیمود تا با دور زدن یک تپه، از سویی دیگر به ده وارد شود. دود تراکتور که مستقیماً به طرف من می‌آمد و سر و صدای آن، لذت چشم‌انداز کوه سنگی را که بر ستیغ آن برف سبک پاییزی نشسته بود، و نیز تازگی هوای پاک‌ی را که فرو داده بودیم، زایل می‌ساخت. اما طبع راحت‌طلب نتوانسته بود سهولت سواری گرفتن از این مرکب را نادیده بگیرد.

جاده‌ای که تراکتور از آن می‌گذشت، در ارتفاعی نزدیک به سه هزار متر کشیده شده است و فقط در تابستان‌ها می‌تواند مورد استفاده‌ی دامداران قرار گیرد. در گذشته، این دامداران در فصل ییلاق به تدریج و آهسته از پایین‌ترین بخش‌های مرتع به بخش‌های بالایی می‌رفتند. اما اکنون با استفاده از جاده‌های نوساز که از هر سو کشیده شده‌اند، از ابتدای فصل تا بالاترین نقاط مرتع می‌روند و گیاهان نورسته را زیر فشار دندان و سم دام‌هایی که تعدادشان مرتباً افزایش می‌یابد، نابود می‌کنند.

جاده پس از یک دور بزرگ از سوی دیگر به ده وارد می‌شد و در تمام طول این مسیر آثار سیل به چشم می‌خورد. در یک نقطه، سنگی عظیم و چند تنی بر پایه‌های سست بالای سر جاده معلق بود تا با یک بارندگی دیگر جاده و مسیر جویبار پایین دست را ببندد.

در بیشتر جاده‌های کوهستانی که در دو دهه‌ی گذشته شاهد احداث آنها بوده‌ام، رانش سنگین خاک جلب توجه می‌کند؛ چه جاده‌های محلی که فقط برای وصل کردن یک ده یا نقطه‌ای ییلاقی به مراکز دیگر بوده است، و چه جاده‌هایی که اهمیت استانی و کشوری داشته‌اند؛ کافی است به جاده‌ی عرضی شده‌ی کندوان که پس از بسته شدن تونل قدیمی و معروف جاده‌ی چالوس به راهی مهم و ملی بدل شد، توجه کنید و ریزش کناره‌های آن را ببینید که مراتع با ارزش و خاک بی‌بدیل را می‌فرساید و به سنگلاخ‌های بی‌گیا تبدیل می‌کند. همچنین است جاده‌ی گرمابدر - لار که قرار است رودبار قصران را به منطقه‌ی نور و ساحل خزر ببیوندد (با عبور از منطقه‌ی حفاظت شده‌ی لارا) و نیز ابتدای آزاد راه در دست احداث تهران - شمال در منطقه‌ی کن و سولقان (که از منطقه‌ی حفاظت شده‌ی البرز مرکزی می‌گذرد). اما شاید آنچه که خاک این کشور را تهدید می‌کند، کمتر در این شاهراهها - و بیشتر در امتداد هزاران کیلومتر جاده‌ی روستایی کوهستانی به چشم بخورد که با کمترین مطالعه جدی و در گستره‌ای به اندازه‌ی



جاده هراز - منطقه عمومی امامزاده هاشم - خرداد ۸۰ - زخمی بر دامنه کوه... راهی که هدف آن ناپیدا است.

۱. هزینه‌ی ساخت و نگهداری آن تناسبی با فواید آن ندارد، ۲. در احداث آن هیچ مطالعه‌ی زمین‌شناختی از نظر لایه‌های لیزنده‌ی زمین و جنس سنگ و خاک منطقه انجام نشده، ۳. با شیب و تا ارتفاعی پیشرفته که حد زیادی از ریزش دامنه‌ها را موجب شده، ۴. به علت برف‌گیر بودن، گل‌آلود بودن، یا موقتی بودن سکونت‌گاه‌های بالا دست فقط در چند ماه از سال قابل استفاده است، ۵. سازندگان آن کوچک‌ترین توجهی به مسایل زیست محیطی نداشته‌اند.

در خوش‌بینانه‌ترین حالت می‌توان فرض کرد که جاده‌های درجه ۳ و مرتفع برای تسهیل رفت و آمد عشایر (یا دیگر دامداران) به مراکز بزرگ‌تر (برای عرضه‌ی محصولات و تامین نیازهایشان) ساخته شده‌اند و هیچ قصدی برای «موقعیت‌سازی» و آرایه‌ی آمارهای جنجال‌آفرین و جذب بوجه، یا تبدیل مرتع و محیط طبیعی به املاک خصوصی در میان نبوده است. پرسش این است که آیا با این راهسازی‌ها دامداران مرفه‌تر شده‌اند؟ آیا دامداری آنان از روشهای قدیمی دواندن بز و گوسفند در کوه‌های پرشیب (که در آن، سهم عمده‌ای از کالری علوفه‌ی جذب شده صرف بالا و پایین رفتن می‌شد) به شیوه‌ی کارآمدتر ارتقا یافته است؟ آیا برآورد شده است که تسهیل رفت و آمد بیشتر دام‌ها به مناطق مرتفع، با توجه به آنکه حداقل از سی سال پیش چند برابر ظرفیت این مراتع، دام در آنجا حضور داشته، تا چه اندازه نابودی مرتع و خاک را تسریع کرده است؟ نیازی به داشتن تخصص در این زمینه نیست؛ تنها دو چشم بینا کافی است تا با نظری به وضع

تمامی دامنه‌های البرز، زاگرس، و کوه‌های دیگر کشور، گسترش می‌یابد.

«جاده‌های دیگر تقریباً از روی خط‌الرأس‌ها به طرف شهمیزاد و نقاط بین راه کشیده شده است. کمی آن طرف‌تر در دامنه‌های کوه، قدمگاه راهی تا ییلاق چال‌میش وجود دارد. در کوه چهل چشمه (کردستان) جاده‌ای تا نزدیکی قله (۳۱۷۰ متر) کشیده شده است. در شمال، که دایماً حرف خارج کردن دام‌ها از جنگل را می‌زنند، جاده‌ای در دره‌ی بی‌نظیر سه هزار تا روستاهای پراکنده کوچکی وجود دارد که اهالی آن فقط با چراندن دام در جنگل زندگی می‌کنند. در سواد کوه مازندران جاده‌هایی تا نزدیکی خط‌الرأس‌های ۴۰۰۰ متری همیشه مرگ و پرچنان کشیده شده است. تمام سینه‌های سبلان از جاده‌های بد ساخت زخمی شده است. چهار سوی دماوند تا بالای ۴۰۰۰ متر، و دره‌های مرتفع خرم‌دشت و حصارچال در علم کوه به زیر تیغ بی‌دریغ بولدورهای رفت‌اند که راکبانی نام‌موخته و ترک‌ناز داشته‌اند. در منطقه‌ی حفاظت شده‌ی انگوران (استان زنجان) و در فاصله‌ی کمی از آثار تاریخی بی‌نظیر تخت سلیمان، دکل‌های نقاله و جاده‌های دسترسی و تاسیسات معدن سرب و روی، دامنه‌های کوه را شرحه‌شرحه کرده، آنچنان که از این منطقه‌ی حفاظت شده فقط نامی و چند تابلوی رنگ زده‌ی سازمان حفاظت محیط زیست باقی مانده است.

اینجا فقط مثال‌های اندکی هستند و هر کس می‌تواند به نزدیک‌ترین کوه منطقه‌ی خود سر زند و جاده‌ای را ببیند که:

زندگی دامداران کوشین و مشاهده‌ی استمرار زندگی شیانی، مقایسه‌ی قدرت خاک خرید آنان با گذشته، ملاحظه‌ی وضعیت رقت‌بار مراتع که به سرعت کم بارزه می‌شوند، و رودخانه‌هایی که همیشه گل‌آلود و خاک ناشی از رانش کناره‌های جاده و فرسایش دامنه‌ها را با خود می‌برند، به این واقعیت تلخ پی

بیریم. در نقاط گوناگون جهان، با توجه به وضعیت آب و هوایی و ارتفاع آخرین سکونتگاه‌های دایم و ملاحظات زیست بوم شناختی، حد ارتفاعی را برای راه‌سازی و دخل و تصرف در کوهستان در نظر می‌گیرند. در واقع می‌توان گفت که از این ارتفاع بالاتر، بازدهی زمین آن قدر کم، و عوارض جانبی نامطلوب ساخت و ساز، آن قدر زیاد می‌شود که این کار صرفه‌ی اقتصادی یا توجیه عقلانی ندارد. در ایران چه محاسباتی در این مورد صورت گرفته و مدیریت این کار بر عهده کیست؟ تا امروز وزارت راه، وزارت جهادسازندگی، استانداری‌ها، فرمانداری‌ها، شهرداری‌ها، نهادهای نظامی، و گاه اهالی یک محل با اخذیاری، یا با استفاده از قدرت یک مقام با نفوذ (نماینده‌ی مجلس و ...) اقدام به راه‌سازی کرده و می‌کنند. هیچ مدیریت و برنامه‌ی جامعی نیز در سطح ملی در این زمینه وجود ندارد. در اینجا ما با طرح‌های بزرگ ملی که در بسیاری از آنها ملاحظات زیست محیطی نادیده گرفته شده‌اند (جاده‌ی دریاچه‌ی ارومیه، آزاد راه تهران - شمال، کمربندی انزلی، ...) کاری نداریم و تنها جاده‌های روستایی کوهستانی موردنظر می‌باشد. در مثال‌های قبل، راه به منظور متصل کردن یک نقطه‌ی ییلاقی (محل گذران تابستانی دامداران) به یک روستا یا شهر کشیده شده است. در این زمینه می‌گوییم:

۱- این جاده‌ها بدون توجه به اصول راه‌سازی ساخته شده و موجب ریزش گسترده‌ی دامنه‌ها در بالا و پایین شده‌اند. هر قطعه از کناره‌ی بالایی راه که کنده می‌شود یا اثری شبیه به واژر دومینو؛ سبب کنده شدن قطعاتی دیگر در بالاتر می‌شود و به این ترتیب حجم وسیعی از خاک به سطح جاده ریزش می‌کند و به پایین دست رانده می‌شود. به این ترتیب خاکی که ساخته شدن یک سانتی متر آن صدها سال زمان نیاز دارد، به عمق دره‌های رود و با جریان رودخانه‌ها و سیلاب‌ها از چرخه‌ی طبیعت خارج می‌شود. پاک کردن سطح این جاده‌ها باید با هزینه‌ی بسیار، مرتباً تکرار شود. برای مقایسه‌ی این قبیل جاده‌ها با جاده‌ای که اصولی ساخته شده، کافی است آنها را مثلاً با جاده‌ی کوهستانی و فرعی عباس‌آباد - مکارود (کلاردشت) که در سال‌های ۱۳۰۰ ساخته شده مقایسه کنیم. در کناره‌های این جاده هیچ اثری از ریزش دیده نمی‌شود و هر جا که احتمال رانش وجود داشته، با سنگ چین جلوی آن گرفته شده است و اکنون با گذشت بیش از هشتاد سال کناره‌های جاده مستحکم شده است.

۲- در بیشتر نقاط پرت و بسیار کم جمعیت صرفه‌ی اقتصادی وجود ندارد که جاده‌ای اصولی با کناره‌سازی‌های محکم ساخته شود. چنین نقاطی نمی‌تواند جاده‌ی اتومبیل رو داشته باشند؛ این مناطق شامل چراگاه‌ها، سیاه چادرها و کلبه‌های چوپانی براکنده می‌باشند.

● شبکه‌ی ناسالم راه‌های

کوهستانی کشور به تباهی ختم

می‌شود. این تارهایی که

بی‌حساب تنیده می‌شود،

سرطانی است که سبب تسریع

فرسایش خاک و فقیرتر شدن

مردم می‌گردد. با این تخریب‌ها و

بهره‌برداری‌های بیش از حد

ظرفیت، و با این تغییرات جوی و

خشکسالی‌ها که ترمیم مراتع را

بسیار دشوار کرده است، دور

نیست آن زمان که دامداران ما نیز

مانند دامداران افغان، بز و

گوسفند ضعیف خود را بر لب

مرز به قیمت یک دلار بفروشند و

باز هم به علت بیمار بودن کسی

آنها را نخرند.

۳- شکل زندگی عشایری و شبانی ماقبل تاریخ را نمی‌توان

با همه‌ی ابعاد زندگی جدید وفق داد. اگر در زمان‌های دور کوچ با دام‌ها و تمامی اسباب زندگی، شیوه‌ی معقول و زیرکانه‌ای برای استفاده از مراتع گرمسیر و سردسیر در طول سال بود، امروزه نمی‌توان دام‌هایی به تعداد چندین برابر گذشته در همان وسعت چراند و آنها را با وسایل نقلیه موتوری با سرعتی چند برابر گذشته و در ابتدای فصل گرم به بالاترین نقاط ییلاق رساند. این کار به معنای جلوگیری از رشد گیاهان مرعتی تا مرحله‌ی گل دهی - یعنی جوانمرد کردن آنها است.

۴- راه حل اساسی برای دامداران کوچرو و نیمه کوچرو، اسکان آنان (به منظور رساندن امکانات بهداشتی، آموزشی و رفاهی) و تبدیل شیوه‌ی دامداری سنتی به دامداری صنعتی -



قله نزرا
استان
سمنان
تابستان ۷۷

جاده شهرستانک -
تسلیستان ۸۰ -
منظره‌ای که در بیشتر
راه‌های کوهستانی
ایران قابل مشاهده
است علت ریزش
دامنه در کنار این
جاده‌ها چه می‌تواند
باشد؟



یعنی نگهداری دام در محوطه‌های مصور و رساندن علوفه‌ی کشت شده، یا برداشت شده از مرتع به آنها است.

شبکه‌ی ناسالم راه‌های کوهستانی کشور به تباهی ختم می‌شود. این تارهایی که بی‌حساب تنیده می‌شود، سرطانی است که سبب تسریع فرسایش خاک و فقیرتر شدن مردم می‌گردد. با این تخریب‌ها و بهره‌برداری‌های بیش از حد ظرفیت، و با این تغییرات جوی و خشکسالی‌ها که ترمیم مراتع را بسیار دشوار کرده است، دور نیست آن زمان که دامداران ما نیز مانند دامداران افغان، بز و گوسفند ضعیف خود را بر لب مرز به قیمت یک دلار بفروشند و باز هم به علت بیمار بودن کسی آنها را نخرند.^(۱) ما به کرات می‌گوییم که «حتی یک وجب از خاک خود را به بیگانگان نخواهیم داده اما خودمان خاک خود را نابود می‌کنیم. اگر عمق خاک زنده و مناسب برای رویش گیاهان را یک متر فرض کنیم (که در بیشتر نقاط ایران بسیار کمتر از این است)، با توجه به حجم خاکی که هر سال بر اثر فرسایش از دست می‌دهیم (در حدود ۲/۵ میلیارد تن)^(۲)، و اگر میانگین وزن مخصوص خاک را ۳ گرم برای هر سانتیمتر مکعب در نظر بگیریم، هر سال بیش از ۸۲۰۰۰ هکتار از خاک کشور - یعنی تقریباً ده برابر وسعت جزیره‌ی کیش - را از دست می‌دهیم! حجم این مقدار خاک بیش از هشتصد و سی میلیون متر مکعب، یعنی چهار برابر حجم سد امیرکبیر (کرج) است. چه کسی پاسخگوی این خسران عظیم و جبران نشدنی است؟

● در نقاط گوناگون جهان، با توجه به وضعیت آب و هوایی و ارتفاع

آخرین سکونتگاه‌های دایم و ملاحظات زیست بوم شناختی، حد

ارتفاعی را برای راه‌سازی و دخل و تصرف در کوهستان در نظر

می‌گیرند. در واقع می‌توان گفت که از این ارتفاع بالاتر، بازدهی زمین

آن قدر کم، و عوارض جانبی نامطلوب ساخت و ساز، آن قدر زیاد

می‌شود که این کار صرفه‌ی اقتصادی یا توجیه عقلانی ندارد. در

ایران چه محاسباتی در این مورد صورت گرفته و مدیریت این کار بر

عهده کیست؟

۱ - به استناد گزارش محسن مخملباف از وضع افغانستان؛ روزنامه‌ی

نوروز؛ ۱۳۸۰/۳/۱۷

۲ - بیرونیان، نادر؛ روزنامه‌ی مشهوری؛ ۱۳۷۸/۱۲/۳۱. اما به گفته‌ی

وحید نوروزی مدیر جمعیت آوای سبز، میزان فرسایش سالانه‌ی خاک در

کشور، چهار میلیارد تن است (روزنامه‌ی همسنگی؛ ۱۳۸۰/۳/۱۹).

حفاظت از تنوع زیستی در حقوق بین‌الملل

نگارش: دکتر سیدقاسم زمانی

معرض خطر قرار می‌گیرد.

تنوع زیستی نقشی اساسی در ثبات آب و هوا و حفظ توازن شیمیایی زمین ایفا می‌کند. علاوه بر این تنوع اکوسیستم به گوناگونی زیستگاه‌ها، جوامع زیستی و فرایندهای اکولوژیکی در کره زمین ارتباط دارد. انقراض یک گونه می‌تواند توان عملی اکوسیستم را کاهش دهد. برای مثال از بین رفتن گونه‌هایی که برای گیاهان در یک اکوسیستم آب و غذا فراهم می‌آورند، باعث ایجاد اختلال و یا حتی به مخاطره افتادن حیات آن گیاهان می‌شود. همچنین از دست رفتن یک یا چند گونه در یک اکوسیستم می‌تواند بر پتانسیل آن اکوسیستم، تداوم مواد غذایی، تولید خاک، حفظ کیفیت اتمسفر، کنترل طغیان رودخانه‌ها و تهیه غذا تأثیر بگذارد. به عنوان مثال، زمانی که سمورهای دریایی در نواحی گسترده‌ای از سواحل غربی آمریکا ناپدید شدند، بسیاری از ماهیان و خرچنگ‌ها نیز از آن منطقه رخت بر بستند، و تنها خارپشت‌های دریایی که غذای مورد علاقه سمورهای دریایی هستند، به صورتی غیرمنتظره تکثیر یافته، جنگل‌های حاشیه آب‌های ساحلی را از بین بردند.

گونه‌ها، اکوسیستم‌ها و ژن‌ها محصول صدها سال تکامل مستمر بوده و بی‌تردید منشأ حیات بر روی کره زمین را می‌توان در همین تنوع زیستی جستجو کرد. با وجود این، فعالیت‌های بشری به سوی از بین بردن این تنوع حیاتی نشانه رفته است. افزایش جمعیت، بهره‌برداری بی‌رویه، آلودگی^(۱)، و تخریب زیستگاه‌ها همگی

۱- این موضوع مهم که پایه حقوق بین‌الملل محیط زیست در حمایت از تنوع بیولوژیک است، در قالب آیات قرآنی و احادیث و روایات در این عبارت تبیین یافته که آفرینش هیچ موجودی عبث و بی‌بهره نیست. (مثل آیه ۱۹۱ سوره آل‌عمران).

۲- حتی وارد کردن یک گونه غریبی در یک اکوسیستم، شاکلی خاص از ایجاد آلودگی زیستی محسوب می‌شود، زیرا این امر می‌تواند تنوع زیستی را به مخاطره افکند.



تنوع زیستی، مفهوم و ضرورت محافظت از آن

تنوع زیستی عبارت است از تنوع تمامی ژن‌ها، گونه‌ها و اکوسیستم‌هایی که در کره زمین یافت می‌شوند و مشتعل بر میکروارگانیسم‌ها، گیاهان و حیواناتی است که در آب، زمین و هوا زیست کرده و با هم ارتباط برقرار می‌کنند. این تنوع بسیار گوناگون و وسیع، منبع حیات انسان در کره زمین است. در این مفهوم، حتی ناچیزترین گونه‌ها نیز در اکوسیستمی که به آن تعلق دارند، نقش مهمی ایفا می‌کنند.^(۲) تنوع زیستی اصولاً مبتنی بر روابط میان سه عامل است: تنوع اکوسیستم‌ها که مبتنی بر تعداد اکوسیستم‌های مختلف و تداوم نسبی آنها در یک کشور و یا در سطح جهان است؛ تنوع گونه‌ها که کمیت گونه‌های جانوری و گیاهی و تداوم نسبی آنها را نشان می‌دهد؛ و تنوع ژنتیک که به داخل هر گونه مربوط می‌شود. از آنجا که ژن‌ها واحدهای تشکیل دهنده گونه‌ها هستند و گونه‌ها اکوسیستم‌ها را تشکیل می‌دهند، و اکوسیستم‌ها هم نظام حیات انسانی را تکمیل می‌نمایند، هر نوع تغییری در این چرخه بر دیگری تأثیر



خوش‌بینی‌ها، برنامه محیط زیست سازمان ملل متحد (یونپ) در آوریل ۱۹۹۲ پیش‌بینی کرده که ۷۲۵ گونه‌های موجود در دهه ۱۹۸۰ تا سال ۲۰۱۵ منقرض می‌شوند. علاوه بر این، محدود بودن تحقیقات علمی در این عرصه نیز تأسیرانگیز است. نورمن مایزر، زیست شناس دانشگاه آکسفورد معتقد است که در حال حاضر تحقیق و مطالعه در زمینه‌ی گونه‌ها به صورتی

● تنوع زیستی عبارت است از تنوع تمامی ژن‌ها، گونه‌ها و اکوسیستم‌هایی که در کره زمین یافت می‌شوند و مشتعل بر میکروارگانیسم‌ها، گیاهان و حیواناتی است که در آب، زمین و هوا زیست کرده و با هم ارتباط برقرار می‌کنند.

غریب و غیرمتناسب محدود و ناچیز است. به زعم وی اطلاعات موجود در این مسئله خطیر به مراتب کمتر از شناخت ما نسبت به سطح کره مشرقی است.

خسارات وارد بر تنوع زیستی قطعاً جبران‌ناپذیر است، زیرا نه تنها دارایی و میراث زیستی را کاهش می‌دهد، بلکه توان موجود برای تولید جدید و مفید را نیز کم می‌کند. با این حال نباید از تلاش‌های محدودی که جامعه بین‌المللی برای مقابله با بحران کاهش تنوع زیستی صورت داده، غافل شد و تمهیدات

اقدامات سازمان‌های بین‌المللی برای حفاظت از تنوع زیستی

در زمانی است که حمایت از گونه‌های خاص جانوری و گیاهی توجه کشورها در سطح ملی، منطقه‌ای و جهانی را به خود معطوف داشته است، لیکن فراتر از گونه‌های مشخص، توجه به تمامیت زیست کره از درجه حفاظت از تنوع زیستی ضرورتی انکارناپذیر می‌نماید. شاید برای اولین بار در کنوانسیون ۱۹۴۰ در مورد نیمکره غربی بود که اهمیت ضرورت حمایت از اکوسیستم‌ها رسمیت شناخته شد. با وجود این، متعاقب کنوانسیون فوق، در عمل اقدام چندانی صورت نگرفت تا اینکه بصورتی نامادین و جامع، در اواسط دهه ۱۹۷۰ برنامه محیط

حقوق بین‌الملل تنوع زیستی

زیست سازمان ملل متحد (یونپ) و اتحادیه بین‌المللی برای حفاظت از طبیعت، با اعتقاد به اینکه آینده بشری در گرو سرنوشت گونه‌های در معرض مخاطره جهان است، به تهیه دو سند برای پایه‌ریزی اقدامات بین‌المللی مبادرت ورزیدند. یکی اعلامیه استراتژی حفاظت از دنیا (اکتبر ۱۹۸۰) و دیگری منشور جهانی طبیعت (۱۹۸۲). اعلامیه استراتژی حفاظت از دنیا اولین سند بین‌المللی است که به رابطه بین حفاظت از منابع زنده و توسعه اقتصادی منطقه در چارچوب سیاستی جامع اختصاص یافته است. در این زمینه فعالیت‌های یونپ دو جنبه دارد: یکی در زمینه حفاظت از گونه‌ها و منابع ژنتیکی آنها، و دیگری در حوزه حفاظت از زیستگاه‌هایی که این گونه‌ها در آنها زندگی کرده و تحول یافته‌اند. مرکز نظارت بر

حفاظت جهان به کمک یونپ، ارزیابی‌ها، برنامه‌ها، گریه و خرس شمارش گونه‌ها را در سطح جهان انجام می‌دهد. یونپ و اتحادیه بین‌المللی حفاظت از طبیعت طرح علمی حفاظت از فیلا و کرگدن‌های آفریقای و آسیایی، میمون‌ها، گریه و خرس قطبی را برنامه‌ریزی و منتشر کرده است. همچنین طرح صورت‌برداری از زیستگاه‌ها و ارزیابی ارزش آنها از نقطه نظر حفاظتی با





پشتیبانی یونپ انجام گرفته است. یونپ همکاری سازمان کشاورزی و خواریار جهانی (فائو) طرح‌های حفاظت در محل را در مورد منابع ژنتیک جنگلی در کامرون، مازنی، پرو انجام داده و همچنین ۴۲ طرح حفاظت در خارج را در آفریقا و آسیا اجرا نموده است. حفاظت در محل مربوط به اکوسیستم‌ها و زیستگاه‌ها و حفظ و بازسازی جمعیت ماندگار گونه‌ها در محیط طبیعی خود در مورد گونه‌های اهلی و کشت شده، در محیطی است که خصوصیات بارز آنها توسعه می‌یابد. اما حفاظت در خارج محل، حفاظت از عناصر تشکیل دهنده تنوع زیستی در خارج محیط طبیعی آنهاست؛ مثلاً از طریق بانک‌های ژنی، باغ‌وحش‌ها و باغ‌های گیاهی. یونپ خصوصاً کوشش می‌کند از زن‌های گیاهان محلی برای بهبود و بازسازی زمین‌های خشک و نیمه خشک استفاده کند. فائو و یونپ هزینه‌های مالی طرح‌های حفاظت از منابع ژنتیکی حیوانات در معرض خطر را برعهده می‌گیرند و فعالیت آنها عموماً متوجه کشورهای در حال توسعه است. در زمینه حفاظت از زیستگاه‌ها، یونپ با همکاری برنامه انسان و بیوسفر که تابع یونسکو می‌باشد، شبکه جهانی

قرق‌های بیوسفر را تشکیل داده است. تجارت بین‌المللی گونه‌های وحشی و تولیدات مربوط به آنها که بالغ بر میلیارد دلار می‌شود، هزاران گونه را در معرض انقراض قرار داده است. یونپ مسؤلیت دبیرخانه کنوانسیون تجارت بین‌المللی گونه‌های گیاهی و جانوری در معرض انقراض را بر عهده دارد. این کنوانسیون که در سال ۱۹۷۵ لازم‌الاجرا شد، تجارت حدود ۲۰۰۰۰ گونه در معرض انقراض را ممنوع یا کنترل کرده است. واضح است که حمایت از گونه‌های مهاجر بدون همکاری کشورهای مسیر عبور این گونه‌های امکان‌پذیر نمی‌باشد. یونپ در عین حال مسؤلیت دبیرخانه کنوانسیون ۱۹۷۹ درباره حفاظت از گونه‌های مهاجر جانوران وحشی را نیز برعهده دارد. همان‌گونه که ملاحظه گردید در خصوص لزوم حفاظت از تنوع زیستی در سطح بین‌المللی، اتفاق‌نظر کلی وجود دارد، و همین امر باعث شد که زمینه انعقاد کنوانسیون تنوع زیستی در کنفرانس ۱۹۹۲ ریودز ژانیرو مشتمل بر ۴۲ ماده و ۲ ضمیمه فراهم آید؛ کنوانسیونی که علاوه بر ایران بیش از یکصد و هشتاد کشور دیگر

● بنا به تخمین زیست شناسان میزان انقراض گونه‌ها که قبل از مداخله بشر در حدود یک گونه در یک تا ۱۰ میلیون گونه در سال بوده است اینک بر اثر دخالت‌های انسان به یک در هزار گونه در سال رسیده است. پروفیسور ویلسون از دانشگاه هاروارد آمریکا تخمین زده است که هر سال ۱۷۵۰۰۰ گونه منقرض می‌شود.

● **گونه‌ها، اکوسیستم‌ها و ژن‌ها**
محصول صدها سال تکامل مستمر بوده و بی‌تردید منشأ حیات بر روی کره زمین را می‌توان در همین تنوع زیستی جستجو کرد. با وجود این، فعالیت‌های بشری به سوی از بین بردن این تنوع حیاتی نشانه رفته است. افزایش جمعیت، بهره‌برداری بی‌رویه، آلودگی، و تخریب زیستگاه‌ها همگی از عواملی هستند که باعث کاهش تنوع زیستی شده‌اند.

به آن پیوسته‌اند.

کنوانسیون ۱۹۹۲ ریو در مورد تنوع زیستی

این کنوانسیون که حاصل چهار سال مذاکره و بیست سال تحقیقات علمی گسترده است، در ۵ ژوئن ۱۹۹۲ در کنفرانس ریو به امضای ۱۵۳ دولت رسید. مقدمه کنوانسیون اعلام می‌دارد که حفظ تنوع زیستی مسئله تمامی بشریت است و دولت‌ها مسئول حفظ تنوع زیستی کشور خود و استفاده پایدار از منابع زیستی خویش می‌باشند. همچنین اهمیت افزایش همکاری منطقه‌ای و جهانی در بین دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی دولتی و غیردولتی برای حفاظت از تنوع زیستی و استفاده پایدار از گونه‌ها، و این نکته که با ایجاد منابع مالی جدید و اضافی و دسترسی مناسب به فن‌آوری‌های مربوطه، می‌توان تغییر قابل ملاحظه‌ای در توانایی جهانی برای مقابله با فقدان تنوع زیستی ایجاد کرد، مورد توجه قرار گرفته است.

در ماده اول هدف کنوانسیون بیان شده و در آن خصوصاً استفاده پایدار و مناسب از اجزا و عناصر محیط زیست، تسهیم عادلانه و برابر از مزایای حاصل از کاربرد منابع ژنتیکی، از جمله از طریق دسترسی مناسب به منابع ژنتیکی و انتقال صحیح فن‌آوری‌های ذریع مورد تأکید واقع شده است. البته مورد اخیر مشروط به آن است که کلیه حقوق مربوط به آن منابع و فن‌آوری‌ها مدنظر واقع شود. در این ماده، میان

دسترسی عام به منابع ژنتیکی و فن‌آوری ملازمه و ارتباط برقرار گردید، و همین الزام، موجبات ناخرسندی بلوک غرب را فراهم آورد. غرب نمی‌خواست به راحتی امتیازات ناشی از فن‌آوری را که تحت حمایت حقوق مالکیت معنوی قرار گرفته بود، از دست بدهد.

ماده ۳ کنوانسیون مقرر می‌دارد که براساس منشور سازمان ملل متحد و اصول حقوق بین‌الملل، دولت‌ها دارای حقوق حاکم‌های برای بهره‌برداری از منابع خود براساس سیاست زیست محیطی خویش هستند و مکلفند به گونه‌ای عمل کنند که فعالیت‌های انجام شده تحت نظارت آنها باعث وارد آمدن خسارت به محیط زیست دیگر کشورها یا مناطقی که تحت صلاحیت ملی هیچ کشوری نیست، نشوند. به موجب بند یک ماده ۱۵، دولت‌ها بر منابع طبیعی خود حق حاکمیت دارند و نحوه دسترسی به این منابع را طبق قوانین و مقررات داخلی خود تعیین می‌نمایند لذا اعطای اجازه قبلی به کمک مالی کشورهایی منوط شده است که خواهان دسترسی به این منابع هستند. بنابراین به نظر می‌رسد که تأکید مقدمه کنوانسیون بر اهمیت تنوع زیستی در جهت حراست از سیستم‌های حافظ بیوسفر و نقش همکاری‌های بین‌المللی منطقه‌ای و جهانی بین دولت‌ها، سازمان‌های بین‌المللی، و بخش غیردولتی در حفاظت از تنوع زیستی و استفاده پایدار از عناصر آن، و نیز تقسیم عادلانه منابع حاصل از بهره‌برداری منابع زیستی دارای قوت و تضمین قانونی لازم نیست.

ماده ۴، قلمروی اجرایی کنوانسیون را منابع زیستی موجود در محدوده صلاحیت ملی کشورهای عضو دانسته و بر این اساس دولت‌ها مکلفند استفاده پایدار و محافظت از این منابع را همواره مدنظر قرار دهند، از جمله به تدوین استراتژی و برنامه‌های عملی (ماده ۶) بویژه در ارتباط با حفاظت در محل (ماده ۸) که حفاظت خارج از محل (ماده ۹) آن را تکمیل می‌کند مبادرت ورزند. در مورد مناطق خارج از حوزه صلاحیت ملی دولت‌ها، ماده ۵ ساز و کار همکاری مستقیم یا غیرمستقیم از طریق سازمان‌های بین‌المللی ذیصلاح را مقرر نموده است.

ماده ۱۰ کنوانسیون به استفاده پایدار از

اجزای تشکیل دهنده تنوع زیستی اختصاص یافته است. استفاده پایدار به معنی استفاده از اجزای تشکیل دهنده تنوع زیستی به اندازه و به گونه‌ای است که در دراز مدت باعث کاهش تنوع زیستی نشده و لذا توانایی آن را برای رفع نیازها و آمال نسل‌های کنونی و آینده حفظ نماید (بند ۱۶ ماده ۲). کنوانسیون در این جهت پیشنهادات مختلفی ارائه می‌نماید، از جمله لحاظ نمودن تدابیر مربوط به استفاده پایدار در تصمیم‌گیری‌های ملی، تصویب مقررات لازم برای جلوگیری از فعالیت‌های انسانی که می‌تواند موجب خسارت به تنوع زیستی شود و کمک به اهالی محلی برای اجرای تدابیر لازم در مناطقی که تنوع زیستی تضعیف شده است، در مورد تقسیم هزینه‌ها، یا آنکه بند یک ماده ۲ کلیه متعاهدین را مکلف می‌نماید که در صورت داشتن امکانات لازم شخصاً هزینه‌ها را برعهده گیرند، اما بطور کلی منابع مالی برای اجرای مقررات مندرج در کنوانسیون از طرف کشورهای توسعه یافته تأمین می‌شود. مواد ۱۱ و ۱۶ نیز انتقال فن‌آوری و دسترسی کشورهای در حال توسعه به فن‌آوری را پیش‌بینی می‌نمایند.

در صورت بروز اختلاف در تفسیر یا اجرای کنوانسیون، طرف‌های اختلاف باید از طریق مذاکره، پامردی، میانجیگری، داوری، و ارجاع اختلاف به دیوان بین‌المللی دادگستری اختلاف خود را حل نمایند.

کنوانسیون تنوع زیستی طبق ماده ۲۴ باید در نودمین روز پس از تاریخ تقدیم سی‌امین سند تأیید، پذیرش، تصویب یا الحاق، لازم‌الاجرا شود. خوشبختانه در مقایسه با سایر اسناد بین‌المللی، کنوانسیون تنوع زیستی به سرعت و در تاریخ ۲۹ دسامبر ۱۹۹۲ لازم‌الاجرا شد و ایسک بیش از ۱۸۰ کشور به عضویت آن درآمده‌اند.

کنفرانس‌های متوالی اعضا حکایت از نگرانی فزاینده جامعه بین‌المللی نسبت به لزوم توجه بیشتر به محافظت از این میراث بی‌بدیل دارد. در اولین کنفرانس که از ۲۸ نوامبر تا ۹ دسامبر ۱۹۹۴ در شهر ناسایو کشور باهاما برگزار شد، یونپ به عنوان دبیرخانه کنوانسیون معرفی شد و در آن موضوعاتی چون تنوع زیستی کشاورزی، تصمیمات اتخاذ شده با همکاری کمیسیون ملل متحد برای توسعه پایدار و اعتدالی توسعه و



انتقال فن‌آوری مورد توجه قرار گرفت. در کنفرانس دوم که در نوامبر ۱۹۹۶ در جاکارتا تشکیل شد، تنوع زیستی جنگل‌ها به صورتی خاص مورد مطالعه قرار گرفت، و در کنفرانس سوم در نیوشوس آیرس (آرژانتین) در نوامبر ۱۹۹۶، اعلامیه‌ای در مورد حقوق مالکیت معنوی مطرح شد که خواستار همکاری بیشتر با موافقت نامه سازمان جهانی تجارت در مورد جنبه‌های تجاری حقوق مالکیت معنوی بود. در کنفرانس چهارم که در براتیسلاوا (اسلواکی) برگزار شد (می ۱۹۹۸) بررسی پروتکل ایمنی حیات ادامه یافت. استمرار این کنفرانس‌ها هم درک نسبتاً روشنی از شرایط موجود برای اعضای کنوانسیون فراهم می‌آورد و هم امکان جذب کمک‌های سایر اعضا و سازمان‌های بین‌المللی را برای حفاظت از تنوع زیستی افزایش می‌دهد.

نتیجه‌گیری

واضح است که تمامی اسناد ملی و بین‌المللی که از اوایل قرن بیستم به بعد تهیه شده‌اند، به رغم موضوعات مختلف زیست محیطی، به لحاظ مادی و معنوی بخشی از تنوع زیستی را پاس داشته‌اند. حفاظت از آب‌های شیرین، کاهش آلودگی هوا و خاک، حفاظت از لایه ازن، کاهش تغییر آب و هوا، تحکیم امنیت اتمی و ... هر یک به نوعی محافظت از تنوع زیستی را مزمه کرده و در خود نهفته دارند. با وجود این، کنوانسیون ۱۹۹۲ ریو در مورد تنوع زیستی برای اولین بار حفاظت و حمایت از تمام



توجه کافی به نیازهای بلندمدت انسانی و یا درک کافی از مقتضیات سایر جوانب حیات بشری دانست.

ناباید از یاد برد که تنوع زیستی منبع حیات بشر بر روی کره زمین است و برای محافظت و حمایت از این سرمایه عظیم و حیاتی، باید با دست شستن از آرمان‌هایی که هزاران فرسنگ با واقعیت

فاصله دارد، سریعاً به اتخاذ اقدامات موثر داخلی، منطقی و جهانی مبادرت نمود. دیگر زمان آن سپری شده است که بشر بتواند از منابع طبیعی جهان، بدون توجه به اثرات آن بر میلیون‌ها گونه جانوری و گیاهی در اکوسیستم‌های مختلف بهره‌گیرد. باید همواره به یاد داشت که زمین تنها آشیانه انسان، مجموعه‌ای است واحد با ویژگی وابستگی متقابل، و حیات در آن به حفظ تنوع زیستی وابسته است.

منابع مورد استفاده

- ۱- امیر ارجمند، اردشیر؛ حفاظت از محیط زیست و همبستگی بین‌المللی؛ مجله تحقیقات حقوقی؛ دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی؛ شماره ۱۵؛ سال ۱۳۷۳.
- ۲- حقوق بین‌الملل محیط زیست؛ تحقیق دانشگاه هاروارد؛ ترجمه دکتر سیدفضل‌الله موسوی؛ نشر میزان؛ ۱۳۸۰.
- ۳- لراسانی، احمد؛ کنفرانس بین‌المللی محیط زیست در ریو؛ دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی؛ ۱۳۷۲.
- 4 - Cyril de klemm; *The conservation of Biological Diversity: state obligations and citizen duties, Environmental Policy & law; 1992.*
- 5 - David Eugene Bell; *The 1992 Convention on Biological Diversity, The Continuing significance of United states objection at the Earth Summit, George Washington International Law and Economics Journal; 1993; Vol.26.*
- 6 - Brown Weiss, Stephen C.Mc Caffrey; Daniel Barstow Magraw; Paul C.Szasz; Robert E. Lutz (Eds); *International Environmental Law and Policy*, Aspen law & Business; 1998.
- 7 - Donald K. Anton; *Law for the sea's biological diversity; Columbia Journal of Transnational Law, 1997, Vol. 36.*

پوزش و تصحیح

در چهارمین پش در یاد پش بود مقاله حقوق بین‌الملل دریاها هرت مایع هوا با شکل آبی چاپ شده بود ضمن پوزش از شا گوانگوانگ دایق و جناب آقای دکتر زمانی هرت مایع مذکور به شکل کامل ارائه می‌گردد.

- 1 - Kiss, A., "The International Protection of the Environment", In R. st. J, MacDonald and D.M.Johnson (Eds), "The Structure and Process of International Law", Martinus Nijhoff, 1996, P.1069.
- 2 - Prieur Michel, "Protection of the Environment", In Bedjaoui, M (Ed), "International Law: Achievements and Prospects", UNESCO, 1991, P. 1017.
- 3 - Gehring Tandi Jachtenfachs, M., "Liability for Transboundary Environmental damage: Towards a General Liability Regime", EJIL, 1993, Vol. 4 No. 1, P. 97.
- 4 - DUPUY, P.M/R mond - Gouilloud, M., "The Preservation of the Marine Environment", in DUPUY and Vignes", A Handbook on the new Law of the sea", Martinus Nijhoff, 1991, Vol. 2.P.1154
- 5 - Kiss, A and Shelton, D., "International Environmental Law", Transnational Publishers Inc, 1991, P.166
- 6 - Prieur, Op.cit, P. 1918.
- 7 - Dupuy and R mond - Gouilloud, op.cit, P.1151.
- 8 - راین جریمل و آلان، حقوق بین‌الملل دریاها، ترجمه منیر آقایی، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۷۷، ص ۲۱۱.
- 9 - نین پیتر، مایند.
- 10 - O'Connell, D.P., "The International Law of the Sea", Charendon Press, 1982, P.985.
- 11 - Y.L.L.C, 1956, Vol. 11.P.278.
- 12 - Sette - Camara, Joel, "Pollution of International Rivers", R.C.A.D.L, 1984, Vol. 18,P.173.
- 13 - Sarin, Monohar, "The Protection of the Human Environment in a divided world and International Law", in Emmanuel G.Belo and Bela A.Ajibola, San (ed), Essays in Honour of Judge Taslim Oluwale Elias, "Moratinus Nijhoff, 1992, Vol. I, P. 205.
- 14 - Dupuy and R mond - Gouilloud, Op.cit, P.1192.
- 15 - Ibid, P. 1993.
- 16 - Kiss / Shelton, op. cit, P.163.
- 17 - Schwarzbinger, Georg, "Trends in the Law of the Sea", Y.W.A., 1979, Vol. 33, PP. 358-359.
- 18 - Kiss / Shelton, op. cit, P.162.
- ۱۹- راین جریمل و آلان، همان منبع، ص ۱۵۱ تا ۱۶۶.
- ۲۰- Alan Willis, "The Crown Zabuho, Case on Marine Pollution, National and International dimension", C.Y.L.L., 1988, P.236.
- ۲۱- Elizabeth A.Kirk, "The 1996 Protocol to the London Dumping Convention and the Brent Spar", Iola 1997, Vol. 46, Part, 4, PP.857.
- ۲۲- Kiss / Shelton, op. cit, PP.184-185.
- ۲۳- راین جریمل و آلان، همان منبع، ص ۲۶۶.
- ۲۴- Dupuy and R mond - Gouilloud d, P. 1212.
- ۲۵- Ibid, P. 1179.
- ۲۶- راین جریمل و آلان، همان منبع، ص ۲۴۶.
- ۲۷- Kiss and Shelton, op. cit, P.189.
- ۲۸- Dupuy and R mond - Gouilloud., op. cit, P. 1210-1211.
- ۲۹- Sarin, op. cit, P. 236.
- ۳۰- Wimbledon Case, P.C.L.I., 1923, Series A, No.I.P.25.
- ۳۱- Kiss and Shelton, op. cit, P.160.
- ۳۲- راین جریمل و آلان، همان منبع، ص ۲۱۷.
- ۳۳- O'Connell, op. cit, P.993.
- ۳۴- McManus Robert, "Environmental Provisions in the Revised Negotiating Text", In Miles / Ombale, "Law of the Sea: Conference Outcomes and Problems of implementation", Ballinger Publishing, 1977, P.274.
- ۳۵- راین جریمل و آلان، همان منبع، ص ۲۳۸.
- ۳۶- راین جریمل و آلان، همان منبع، ص ۲۴۶ و ۲۴۷.
- ۳۷- Kiss and Shelton, op. cit, PP.173-174.
- ۳۸- Kiss and Shelton, op. cit, P.187.
- ۳۹- Ibid, P.188.
- ۴۰- راین جریمل و آلان، همان منبع، ص ۲۸۱.
- ۴۱- Kiss and Shelton, op. cit, P.179.
- ۴۲- راین جریمل و آلان، همان منبع، مایند.
- ۴۳- یاد، گویش، ۵- دانشکده حقوق، ۱۳۷۲، قوت ۱۷، قوت ۱۹۳۲، نوروز مهتاب و محافظت از محیط زیست در دریای در ۱۹۹۰ تا ۱۹۹۷ به یادآوری است که در بند انتقال کنونی مورد تأیید قرار گرفته است.
- 44 - Stevenson.J.R / Oman, B.H., "The Future of the UN Conventions on the Law of the Sea", AJIL, 1994, Vol. 88, P.496.
- 45 - Arthur Ralph Ermeyne, "Environmental Law of the Sea Convention: Progressive Development of Progressive Development: In International Law as a Language for International Relations", Proceedings of the United Nations, Congress on Public International Law, New York 13 - 17 March 1995, Khue, 1996, P.548.
- 46 - Singh, Nagendra., "Right to Environment and Sustainable Development as a Principle of International Law", In Bello / Ajibola, San, op. cit, P.183.

فرصت‌ها و تهدیدهای تازه

کلوس تاپفر مدیر اجرایی یونپ (UNEP)



درصد از انرژی را که صرف پیدا کردن کتاب پرفروش هفته در کتابفروشی‌ها می‌شود، مصرف می‌کند. با این حال فن آوری جدید را هیچ گاه نباید به عنوان راهی برای حل تمام معضلات زیست محیطی در نظر گرفت. برخی افراد نیاز دارند حداقل پاره‌ای مواقع برای سرکشی به دفاتر کاری یا کارخانجات خود شخصاً به آن اماکن سفر کنند. برای بسیاری در کشورهای در حال توسعه اینترنت همچنان به صورت یک راز باقی مانده است.

زندگی بیش از حد در «دنیای مجازی» نمی‌تواند چندان هم برای سلامتی مفید باشد. ما نیاز داریم به شبکه جهانی زندگی، که شمار امسال روز جهانی محیط زیست است، وصل شویم و با جشنمان خود زیبایی‌ها و تهدیدهای طبیعت را تاحد ممکن ببینیم. بسیاری از توافقات مهم سیاسی را تنها می‌توان از طریق گروه‌های تمام طرفین، صرف یک نوشیدنی یا ساندویچ و یا جمع شدن دور میز کنفرانس سازمان ملل تضمین نمود. البته اعتماد بیش از حد به توسعه فن آوری می‌تواند خطرآفرین باشد؛ آینده سرزمین دیگری است پر از شگفتی‌ها!

«حمل و نقل پیشرفته»

حمل و نقل پایدار نیز یکی دیگر از شعارهای امسال روز جهانی محیط زیست است. برای مثال مواد آلاینده ناشی از سوخت ماشین‌ها باعث گرم شدن زمین، تهدید سلامتی افراد و آلوده ساختن ساختمان‌ها می‌شود. ماشین باید در خدمت ما باشد نه ارباب ما. وزیر محیط زیست سنگاپور، لیم سویی سی، در این شماره مجله UNEP ما می‌گوید که کشورش چگونه برنامه‌ریزی کرده تا بر روی ۶۳ درصد از تمام حمل و نقل مدیریت پایداری داشته باشد و قصد دارد تا این میزان را به ۷۵ درصد برساند.

در آغاز هزاره جدید، در لبه پرتگاه نابودی محیط زیست قرار داریم که به نظر می‌رسد مشکلی جهانی و همه‌گیر است. ما دانش و اطلاعات زیادی در مورد آنچه باید انجام دهیم در دست داریم و فن آوری و ابتکار بشر می‌تواند تحولات پایداری ایجاد نماید. بایباید به عنوان یک فرد و نیز عضوی از مجامع جهانی با چالش‌ها روبه‌رو شویم و از تمام مهارت‌های خود نه تنها برای روز جهانی محیط زیست بلکه برای روزها و دهه‌های بعد از آن نیز استفاده کنیم.

منبع: مجله Our planet می ۲۰۰۱

چهار بار در ماه، قدم زنان از دفتر کار خود در نیویورک خارج می‌شوم تا در اتاق مجاور با دبیر کل سازمان ملل، کوفی عنان و سایر اعضای بلند پایه آن دیدار کنم. ما در مورد مسایل روز جهان از مسئله کوزوو و حقوق بشر گرفته تا گرم شدن کره زمین و کمبود آب با یکدیگر تبادل نظر می‌کنیم. تا چند سال پیش انجام این کار نیازمند یک سفر هوایی وقت گیر بود. زیرا زمانی که من در کنیا هستم، سایر شرکت‌کنندگان در این جلسه در سراسر دنیا از نیویورک گرفته تا ژنو پراکنده هستند. اما ارتباطات صوتی - تصویری جدید، که موضوع اصلی روز جهانی محیط زیست در سال جاری می‌باشد، شیوه‌ای را که پیش از این جهان به وسیله آن اداره می‌شد متحول ساخته است که البته سازمان ملل نیز از این امر مستثنی نیست.

«علایم مثبت»

همین مسئله، امید به کاهش برخی تهدیدهای جدی زیست محیطی را در هزاره جدید به ارمان می‌آورد. پیدایش ناگهانی ارتباطات جدید، اینترنت و اقتصاد نوین، می‌تواند آغازی برای از بین بردن آلودگی‌های آلاینده گذشته بوده و به ما کمک کند تا بدون افزایش میزان دی اکسید کربن در اتمسفر، اقتصاد کشورها را توسعه بخشیم. کمیاتی تولید فیلم کم‌کربن تخمین زده است که ویدئو کنفرانس‌های زنده - مانند ملاقات‌های ماهانه من با اعضای سازمان ملل - ۹۹ درصد کمتر از مسافرت‌های هوایی و پیمودن ۱۰۰۰ کیلومتر برای ملاقات‌های رود رو باعث گرم شدن کره زمین می‌شود. به همین شکل هنگامی که مردم در منازل خود و از طریق کامپیوترهای شخصی و ارتباطات الکترونیکی کار می‌کنند، نیاز به گرمایش و روشنایی در دفاتر بزرگ‌کاری کاهش می‌یابد و نیز میزان سوخت مصرفی اتومبیل‌های کارمندان برای که از رسیده به محل کارشان نیز تقلیل می‌یابد. بیش از نیمی از مدیران شرکت AT & T طریق فن آوری جدید حداقل هفتاد یکبار به امور خود رسیدگی می‌کنند، ۸۰۰۰ تن از میزان دی اکسید کربن ناشی از سفرهای هوایی می‌کاهد. شرکت بین‌المللی اطلاعات دارا (International Data Corporation) پیش‌بینی کرده است دفاتری که در منازل و از طریق کامپیوتر مشغول به کار هستند، از ۱۲ میلیون در سال ۱۹۹۷ به ۳۰ میلیون در سال ۲۰۰۲ افزایش خواهند یافت. البته این میزان تنها مربوط به ایالات متحده آمریکا است و ما شاهد الگوی مشابهی در اروپا و سایر نقاط جهان هستیم.

«منابع جدید»

اینترنت انواع جدیدی از مشاغل را ایجاد کرده است که نسبت به مشاغل قدیمی نظیر کارخانجات تولید مواد شیمیایی و یا فلزات، بسیار کمتر انرژی مصرف می‌کند. خرید کتاب از طریق اینترنت تنها حدود ۶

مشکلات سازمان‌های غیر دولتی زیست محیطی در ایران

بخش نخست

فرهاد امینی

ادبیات سازمان‌های غیردولتی همانند خود این سازمان‌ها، ادبیاتی جوان است. از سوی دیگر ادبیات مربوط به تمام حوزه‌های مرتبط با جامعه مدنی اندک زمانی است که به طور جدی و فراگیر وارد عرصه‌های فرهنگی سرزمین ایران شده است. طبیعتاً ایران پیش‌بینی کرد که در این حوزه بسیاری از مشخصه‌های جوان بودن و تازگی قابل مشاهده باشد. از مهم‌ترین دلایل این موضوع نبود اطلاعات کافی و با عدم دسترسی کافی و مطمئن به منابعی است که بتوانند این ادبیات را خنثی سازد. سخن‌شناسی سازمان‌های غیردولتی که در حوزه محیط زیست فعالیت می‌کنند حتی در میان سایر حوزه‌های جامعه مدنی نیز از تازه‌ترین موضوعاتی است که کمتر مورد بررسی و بحث قرار گرفته است.

مقاله زیر که توسط جناب آقای امینی تهیه شده است می‌تواند گشایش مناسبی برای ورود به بحث‌های گسترده‌تر و جدی‌تر در عرصه ادبیات سازمان‌های غیردولتی باشد. طبیعتاً بسیاری از اطلاعات و تعاریف ارائه شده در این مقاله به دلایل پیش گفته، نیاز به موشکافی‌ها و گفت‌وگوهای بیشتر و دقیق‌تری دارد. استفاده از منابعی که در چند دهه اخیر در خصوص مدل شکل‌گیری و گسترش، بنیان‌های فکری و اهداف سازمان‌های غیردولتی زیست محیطی در جهان منتشر شده است قدم مناسبی برای تثبیت ادبیات این حوزه می‌باشد. اما مطمئناً گام مهم بعدی در این عرصه شناسایی پیشینه‌ها، جایگاه و نواتی‌های این شکل از حرکت‌های اجتماعی در جغرافیای خاص فرهنگی، اجتماعی و سیاسی ایران است گامی که نعلان‌فرهینخته و اهل تحقیق محیط زیست موظف به برداشتن آنند.



واژه‌های کلیدی: سازمان‌های غیردولتی، محیط زیست، ایران

سراغاز: بحران محیط زیست یکی از مهم‌ترین گرفتاری‌های جهانی به شمار می‌رود که امروزه توسعه پایدار و به دنبال آن کلبه شئون مادی و معنوی زندگی انسان‌ها را به خطر افکنده است. علائم این بحران هم‌اکنون به صورت آلودگی شدید آب و خاک، کاهش تنوع زیستی، کاهش منابع طبیعی مانند آب، مراتع و زمین‌های قابل کشت؛ تغییرات اقلیمی و سوانح طبیعی اترپردرفته از آن مانند خشکسالی‌ها، سیل‌های ویرانگر و رانش زمین، به‌گونه‌ای کاملاً محسوس نمایان شده است و همگان را به چاره‌اندیشی فرامی‌خواند.

برای رویارویی با بحران محیط زیست، به دلیل گستردگی و پیچیدگی آن، به همکاری و مشارکت

همه‌جانبه همه مردم جهان نیاز است و سازمان‌های غیردولتی و بویژه سازمان‌های غیردولتی زیست محیطی یکی از مهمترین ابزارهای هستند که می‌توانند این مشارکت را جهت‌دهی و هدایت کرده، با متمرکز نمودن تلاش‌های فردی، بازدهی این تلاش‌ها را افزایش دهند.

کلیات

الف - سابقهٔ جنبش محیط زیست در جهان

جنبش‌های زیست‌محیطی از دههٔ ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ میلادی، در اروپا، آمریکای شمالی و برخی کشورهای جهان سوم به ظهور رسیدند (دیل - مک‌ایچرن، ۱۹۹۸). ظهور آنها واکنش مردم به دلیل نگرانی فزاینده آنها از تخریب محیط زیست‌شان بود. جنبش‌های زیست‌محیطی همواره ماهیت و آرمان‌های متفاوتی داشته‌اند. برای مثال جنبش‌های زیست‌محیطی اروپایی غربی غالباً ماهیت سیاسی دارند - مانند جنبش اکولوژی و جنبش ضد هسته‌ای؛ و حال آنکه جریان اصلی جنبش‌های زیست‌محیطی آمریکای شمالی در مقایسه با جنبش‌های اروپایی غربی عمیقاً غیرسیاسی است و اترپدیر از بحث‌های بوم‌گرا^(۱) مانند سرزمین‌های بکر^(۲)، جانوران بزرگ و مدیریت پارک‌های ملی. در کشورهای جنوب نیز این بخش بیش‌تر به پیامدهای توسعه بر محیط زیست و معیشت به خطر افتاده مردم می‌پردازد. (دیل - مک‌ایچرن، ۱۹۹۸).

سازمان‌های غیردولتی یکی از مهم‌ترین اجزای جنبش محیط زیست هستند و برحسب عواملی مانند

1- Eocentric 2- Wilderness

سازمان‌های غیردولتی زیست محیطی



فعالیت اکثر این سازمان‌ها، آگاه‌سازی و آموزش است و غالباً درباره مسایل محیط زیست شهری کار می‌کنند از جمله این فعالیت‌ها می‌توان به برگزاری کلاس و کارگاه‌های آموزشی اشاره کرد.

منشأ ژئوپلیتیکی، ایدئولوژی سیاسی، اندازه منابع مالی ونحوه کارکرد، با یکدیگر تفاوت دارند (دیل - مک‌ایچرن، ۱۹۹۸).

این سازمان‌ها در سطح جهان فعالیت‌های بسیار مهمی برای حفاظت از محیط زیست انجام داده‌اند و امروزه به جایگاهی ممتاز دست یافته‌اند. شیوه‌های مهم فعالیت این سازمان عبارتند از:

- اعمال نفوذ در سیاست‌ها و امور زیست‌محیطی حکومت‌ها، بخش خصوصی و مؤسسه‌های چندمنظوره^(۱) (برایانت، بیلی، ۱۹۹۷)

- حمایت از محیط زیست یا مردم محروم در برابر منافع تخریب‌کنندگان محیط زیست از راه اقدام مستقیم (برایانت - بیلی، ۱۹۹۷)

- سازماندهی پیکارهای همگانی در سطح وسیع برای ترویج رفتارهای زیست‌محیطی و یا زیر نفوذ درآوردن بازیگران قدرتمند مانند دولت‌ها (برایانت - بیلی، ۱۹۹۷).

- شرکت و فعالیت جدی در کنفرانس‌های جهانی محیط زیست و توسعه و استفاده از این فرصت برای انتقاد از سیاست و کارکردهای دولت‌ها و توافق با آنها بر سر راه‌کارهای مناسب (برایانت - بیلی، ۱۹۹۷).

گذشته از این شیوه‌های کلی فعالیت سازمان‌های غیردولتی زیست‌محیطی، می‌توان به موارد زیر از کارنامه آنها اشاره کرد:

- مبارزه تعدادی از سازمان‌های غیردولتی زیست‌محیطی جهان اول به منظور تحریم تجارت عاج آفریقا. این مبارزه در ایالات متحده منجر به تصویب قانونی در مورد حفاظت از فیل‌های آفریقا در سال ۱۹۸۸ شد و باعث گردید تا یک سال پس از آن بسیاری از کشورهای جهان اول و اتحادیه اروپا برای

چهار کشور تولیدکننده عاج، تحریمی تجاری در نظر بگیرند. (برایانت - بیلی، ۱۹۹۷).

- مبارزه شایخ «دوستان زمین»^(۲) در انگلیس با تجارت چوب «ماهون» که از جنگل‌های بیزیل به دست می‌آمد. این مبارزه از طریق افزایش آگاهی مردم درباره پیامدهای زیست‌محیطی (اکولوژیکی) و اجتماعی قطع این درختان و تشویق آنها به تحریم فرآورده‌های ساخته شده از چوب ماهون، به منظور از بین بردن سود حاصل از تجارت آن انجام گرفت. (برایانت - بیلی، ۱۹۹۷).

- پیروزی «چوپانان دریا»^(۳) در صنعت شکار نهنگ در ایسلند. این کار تنها در یک شب (نوامبر ۱۹۸۶) با غرق کردن کشتی از چهار کشتی متعلق به این صنعت و نیز تخریب سیستم خنک‌کننده کارخانه فرآوری متعلق به آن انجام گرفت. (دیل - مک‌ایچرن، ۱۹۹۸)

- اقدام گروه‌های طرفدار محیط زیست ایالات متحده به پرداخت ۱۰۰۰۰۰ دلار از بدهی بسولوی در ازای اختصاص یک ناحیه زیست‌محیطی وسیع و حساس به امر حفاظت از سوی دولت بولیوی. (دیل - مک‌ایچرن، ۱۹۹۸).

یک سازمان غیردولتی به نام «انای»^(۴) پروژه‌های زراعی جنگلی را در کستاریکا گسترش داد. در این پروژه‌ها که به منظور فراهم کردن جایگزینی برای مردم فقیر به جای تخریب جنگل طراحی شد، حدود ۶۰۰ نفر به طور مستقیم از ۱/۵ میلیون درخت کاشته شده بهره‌مند شدند. (برایانت - بیلی، ۱۹۹۷).

- موفقیت یک سازمان غیردولتی به نام «پره»^(۵) در تایلند در وادار کردن دولت به رها کردن پروژه سد

● اگرچه در آمارهای

سازمان‌های حفاظت از

محیط زیست، حدود ۱۶۰

تشکل به عنوان

سازمان‌های غیردولتی

زیست‌محیطی معرفی

شده‌اند، لیکن تعداد زیادی

از اینها به سختی با

معیارهای سازمان‌های

غیردولتی سازگارپذیر

هستند.

- 1- Multilateral institutions
- 2- friends of Earth
- 3- The Sea Shepherds
- 4- ANAI
- 5- PER

نام‌چوان^(۱)، (برایات، بیلی، ۱۹۹۷)

- موفقیت گروه آرقام زیست‌محیطی بمبئی^(۲) در متقاعد نمودن دولت برای تغییر تصمیم درباره ساخت کارخانه پتروشیمی در کنار بمبئی، (برایات - بیلی، ۱۹۹۷).

- موفقیت جنبش کمربند سبز کنیا^(۳) در کاشت ده‌ها میلیون درخت و ایجاد بیش از ۸۰۰۰ شغل برای زنان شاغل در پایگاه‌های قلمه‌کاری، (ماتاتی، ۱۳۷۱).

موارد فوق نمونه‌هایی از اقدامات سازمان‌های غیردولتی زیست‌محیطی جهان هستند که با هدف تأکید بر پستانسلی و قدرت بسیار بالای این سازمان‌ها، به آنها اشاره شدند. باید دانست که این سازمان‌ها در سطوح مختلف محلی، منطقه‌ای، ملی و جهانی یکی از بازیگران عمده صحنه سیاست شده‌اند. حتی در حال حاضر تعدادی از این سازمان‌ها، مشاور برنامه زیست سازمان ملل متحد هستند و این سازمان از نظرها و تجربه‌های آنها استفاده می‌کنند.

ب - سابقه جنبش محیط زیست در ایران

در مورد جنبش محیط زیست در ایران باید گفت؛ این جنبش از اواسط دهه ۷۰ خورشیدی شکل گرفت ولی هنوز آرمان‌های کلی خود را پیدا نکرده است. لیکن با توجه به بافت تشکیل‌دهنده آن که بیشتر شهرنشین هستند، به نظر می‌رسد در نهایت، مسائل مربوط به آلودگی و حفاظت از طبیعت تبدیل به محورهای غالب این جنبش شوند.

سازمان‌های غیردولتی زیست‌محیطی به عنوان بخش مهمی از این جنبش، حرکت خود را زودتر آغاز کرده‌اند. اولین سازمان غیردولتی زیست‌محیطی ایران یک تشکل غیررسمی بود که حرکت خود را از سال ۱۳۴۹ آغاز کرد. این تشکل در واقع گروهی از مردم روستای اشکرد یزد بودند که



● اولین سازمان غیردولتی زیست‌محیطی ایران یک تشکل غیررسمی بود که حرکت خود را از سال ۱۳۴۹ آغاز کرد. این تشکل در واقع گروهی از مردم روستای اشکرد یزد بودند که به منظور مقابله با هجوم شن‌های روان تشکیل شد.

به منظور مقابله با هجوم شن‌های روان تشکیل شد. ناچمن حمایت از حیوانات، نیز یک سازمان غیردولتی دیگر بود که چند سال قبل از انقلاب تأسیس شد و پس از انقلاب منحل گردید.

پس از انقلاب به دلیل رویدادهای مهمی مانند جنگ روند ایجاد سازمان‌های غیردولتی زیست‌محیطی در ایران متوقف شد و این وضع تا حدود ۱۳۷۰ ادامه داشت. در اوایل ۱۳۷۰ به تدریج چهار الی پنج سازمان غیردولتی زیست‌محیطی در کشور تشکیل شد و این روند به تدریج شتاب گرفت و در حال حاضر به اوج خود رسیده است.

اگرچه در آمارهای سازمان‌های حفاظت از محیط زیست، حدود ۱۶۰ تشکل به عنوان سازمان‌های غیردولتی زیست‌محیطی معرفی شده‌اند، لیکن تعداد زیادی از اینها به سختی با معیاری سازمان‌های غیردولتی سازگارپذیر هستند. با توجه به آمار پراکنده‌ای که از سازمان‌های محیط زیست، «سازمان ملی جوانان» و نیز در گزارش‌ها و تحقیقات

- 1- Nam Chuan
- 2- Bombay Environmental Action Group
- 3- The Green Belt Movement

ارائه شده است، به نظر می‌رسد چیزی حدود ۶۰ عدد از این سازمان‌ها در کشور موجود است که تنها حدود ۴۰-۳۰ عدد از آنها فعال هستند و بقیه هنوز در مراحل آغازین تشکیل می‌باشند و با فعالیت آنها به دلیل مشکلات مختلف متوقف شده است.

فعالیت اکثر این سازمان‌ها، آگاه‌سازی و آموزش است و غالباً درباره مسائل محیط زیست شهری کار می‌کنند. ولی برخی مسائل تخصصی مانند حیوانات، توسعه روستایی، بیابان‌زدایی و حفاظت از جنگل نیز در کار آنها دیده می‌شود.

ازجمله فعالیت آنها می‌توان به این موارد اشاره کرد: برگزاری کلاس و کارگاه‌های آموزشی، آموزش چهره‌به‌چهره در محله‌ها، برگزاری همایش‌های علمی و آموزشی، انتشارات، دادن بیانیه، برگزاری مراسم به مناسبت‌های مختلف، انجام فعالیت‌های نمادین، برگزاری نمایشگاه و بازار سبز، تهیه برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی، نوشتن مطالب در مطبوعات، فعالیت‌های عملی مانند ایجاد فضای سبز، نظارت بر فضای سبز و حفاظت از آن، پاکسازی طبیعت در سطح وسیع و اجرای طرح‌هایی برای بعضی از سازمان‌ها.

اخیراً نیز بعضی از آنها در تلاشند تا خود را به رده‌های بالای تصمیم‌گیری وارد کنند. برای مثال ارائه پیشنهاد به کارشناسان برای تهیه برنامه پنج‌ساله سوم، برگزاری جلسه‌های بحث و گفتگو با نمایندگان مجلس و اعضای شوراهای شهر، و ارائه پیشنهاد برای وضع قوانین از جمله فعالیت‌های انجام شده سازمان‌های غیردولتی زیست‌محیطی است که به منظور اثر گذاردن در برنامه‌های کلان انجام می‌شود.

(روش تحقیق)

این مقاله در واقع بخشی از نتایج یک تحقیق گسترده است که به روش توصیفی - تحلیلی انجام شده است. در این تحقیق ابتدا کلیه اطلاعات لازم گردآوری و سپس تحلیل شدند. روش‌های گردآوری اطلاعات عبارتند بودند از:

۱ - مصاحبه ۲ - پرسش‌نامه ۳ - مشاهدات میدانی (طی هفت سال کار نزدیکی با یکی از این سازمان‌ها و شرکت در تعداد زیادی از برنامه‌های سازمان‌های غیردولتی زیست‌محیطی مختلف) ۴ - مطالعات کتابخانه‌ای

در واقع تلاش شده است موضوع از زاویه‌های گوناگون مورد بررسی قرار گیرد. مصاحبه‌ها با دو گروه انجام شد: اول، سازمان‌های غیردولتی زیست‌محیطی و دوم، مسئولین یا افراد مرتبط و یا آگاه از این سازمان‌ها. تعداد سازمان‌های مطالعه شده ۲۲ مورد بود که در هشت شهر و

● از مشکلات جدی سیاسی سازمان‌های غیردولتی، نظارت و کنترل شدیدی است که به صورت آشکار و نهان بر فعالیت و حمایت این سازمان‌ها وجود دارد و آنها را در تصمیم‌گیری و عمل دچار تردید یا خودسانسوری می‌کند و جالب توجه این‌که این خودسانسوری در سازمان‌های غیردولتی زیست‌محیطی بیشتر است زیرا عاملان تخریب و آلودگی محیط زیست کشور ما اکثراً صنایع و پروژه‌های بزرگ عمرانی هستند و اغلب وابسته به نهادهای دولتی و حکومتی می‌باشند و اعتراض جدی به آنها می‌تواند بقای این سازمان‌ها را به خطر اندازد.

دو روستا، در هفت استان قرار داشتند. شایان ذکر است که این، کل سازمان‌های غیردولتی زیست‌محیطی بود که پژوهشگر در زمان تحقیق از وجود آنها اطلاع داشت.

تعداد افراد مصاحبه‌شده در خارج از سازمان‌های غیردولتی نیز چهار نفر بود. پرسش‌نامه‌ها بین اعضای سازمان‌های غیردولتی مورد مطالعه توزیع شد. تعداد پرسش‌نامه‌ها با استفاده از فرمول کوکران^(۱) محاسبه گردید که برابر ۳۷۴ عدد بود. لیکن از آنجا که تنها ۱۵ درصد از افراد، پرسش‌نامه‌ها را تکمیل کرده و برگرداندند از تحلیل آماری آنها صرف‌نظر شد.

اطلاعات گردآوری شده پس از دسته‌بندی بررسی و تحلیل شدند و در نهایت از آنها نتیجه‌گیری شد. قسمت بعدی مقاله در واقع نتایج این تحقیق در مورد مشکلات این سازمان‌هاست.

مشکلات سازمان‌های غیردولتی زیست‌محیطی

سازمان‌های غیردولتی زیست‌محیطی ایران که در عمر کوتاه خود با مشکلات و موانع زیاد، پیچیده و دشواری روبه‌رو بوده‌اند که پیشرفت آنها را بسیار کند ساخته و آنها را از ایفای نقش واقعی خود بازداشته است. در ادامه این مقاله، کلیه مشکلات این سازمان‌ها در درش گروه طبقه‌بندی شده‌اند:

1- oockran



الف - مشکلات سیاسی

نگاهی اجمالی به تاریخ ایران نشان می‌دهد که در این کشور همواره قدرت سیاسی و اقتصادی در دست حکومت‌ها بوده و مردم و نهادهای مردمی هیچ‌گاه جایگاه مناسبی نداشته‌اند و به آنها ارزش ننهاده‌اند (زیباکلام، ۱۳۷۷). این امر که آن را می‌توان «ریشه‌های تاریخی و عمیق استبداد و نبود مردم‌سالاری» نامید، موضوعی است که هم‌اکنون نیز می‌توان پیامدهایش را در تمام



سابقه تاریخی بستر سیاسی - اجتماعی در کشور
 نگرش نظام حکومتی حاکم
 نظام اداری و مسئله دیوان سالاری

سوی باز شدن پیش رفت، لیکن هنوز اعتماد لازم به مردم به وجود نیامده بود و مقاومت‌ها و تردیدهایی زیادی بر سر تشکیل سازمان‌های غیردولتی وجود داشت. در این زمان اگرچه در صحبت‌های مسئولان، مخالفتی با ایجاد این سازمان‌ها وجود نداشت ولی در عمل تشکیل این سازمان‌ها پس از دوندگی‌های فراوانی امکان‌پذیر بود و پیگیری‌ها نیز اغلب با کارشکنی‌های ناامیدکننده نهادهای مسئول ثبت و ارائه مجوز روبه‌رو می‌شد. این نهادها اکثراً بدون نشان دادن مخالفت با متقاضیان، آنها را از ادارای به اداره دیگر سرگردان می‌کردند و باعث از بین رفتن بسیار انرژی و زمان و خستگی و دلسردی آنها می‌شدند. پس از واقعه دوم خرداد و آغاز جریان اصلاحات - که با شعارهای جامعه مدنی و مشارکت همراه بود - سختگیری‌ها کم‌تر شد و سعی شد تا راه‌حل‌های خاصی برای ایجاد و فعالیت این سازمان‌ها اندیشیده شود. یکی از راه‌حل‌های قابل توجه، «ایجاد سازمان ملی جوانان» بود. این سازمان در یک سال اخیر اقدام به واگذاری مجوز فعالیت به سازمان‌های غیردولتی جوانان کرد. لیکن از آنجا که تنها جوانان - افراد ۱۴ تا ۲۹ سال - قادر به حضور در این سازمان‌ها هستند، این راه‌حل هنوز ناقصی است و

محدودیت فعالیتها
 محدودیت عضوگیری
 مشکل مالی
 محدودیت ارتباطات داخلی و خارجی
 محدودیت چاپ و انتشارات
 آسیب‌پذیری در برابر اتهام‌ها
 مشکلات مدیریتی

مشکلات قانونی و مسئله ثبت

نمودار ۱ - رابطه علت و معلولی مشکلات قانونی و ثبت با مشکلات دیگر

قادر به پاسخگویی به نیازها و تقاضاهای جدی جامعه نمی‌باشد. از سوی دیگر، همچنان که از صحبت‌های خود مسئولین سازمان ملی جوانان^(۱) پیداست این کار بیش‌تر با هدف هدایت جوانان در مسیرهای مورد نظر نظام حکومتی انجام شده است نه با اعتقاد به نقش بسیار مهمی که این سازمان‌ها می‌توانند در پیشبرد و اداره جامعه ایفا کنند.

اگرچه در سال‌های اخیر و با قوت گرفتن بحث سازمان‌های غیردولتی، اختلاف‌نظر و سلیقه زیادی بین مسئولین و تصمیم‌گیران بر سر این سازمان‌ها وجود داشته است، لیکن «شورای عالی اداری»، کشور، سرانجام در اسفند ۱۳۷۸ با مصوبه‌ای، نحوه واگذاری مجوز تأسیس تشکلهای غیردولتی را تا حد زیادی آسان کرد. ولی حتی این اقدام هم تا زمانی که اعتقاد کافی به نقش سازمان‌های غیردولتی وجود نداشته باشد، نمی‌تواند چندان کارساز باشد و احتمال دارد که در مرحله اول عمل باز هم با دشواری روبه‌رو شود.

از مشکلات جدی سیاسی سازمان‌های غیردولتی، نظارت و کنترل شدیدی است که به صورت آشکار و نهان بر فعالیت و حمایت این سازمان‌ها وجود دارد و آنها را در تصمیم‌گیری و عمل دچار تردید یا خودسانسوری می‌کند و جالب توجه این‌که این خودسانسوری در سازمان‌های غیردولتی زیست‌محیطی بیش‌تر است زیرا عاملان تخریب و آلودگی محیط زیست کشور ما اکثراً صنایع و پروژه‌های بزرگ عمرانی هستند و اغلب وابسته به نهادهای دولتی و حکومتی می‌باشند و اعتراض جدی به آنها می‌تواند بقای این سازمان‌ها را به خطر اندازد. نگاهی بر محروم‌های اصلی فعالیت این سازمان‌ها - که اکثراً آگاه‌سازی و آموزش است - بیانگر این واقعیت است که آنها از فعالیت‌هایی که می‌تواند به نحوی با امور مخاطره‌آمیز سیاسی مرتبط باشد، به جد پرهیز می‌کنند.

ب - مشکلات قانونی و حقوقی

این دسته از مشکلات، رابطه تنگاتنگی با مشکلات سیاسی دارند و از مهم‌ترین مشکلات موجود بر سر راه سازمان‌های غیردولتی هستند. یکی از مهم‌ترین مشکلات حقوقی و قانونی که تاکنون جامعه سازمان‌های غیردولتی کشور را دچار مشکلات فراوان نموده، نبود تعریف مشخص و ثابت از «سازمان غیردولتی» است. این مسئله خود سرآغاز

۱- سخنرانی آقای میرباقری در کارگاه توجیهی - آموزی «سازمان‌های غیردولتی جوانان» ۱۳۷۸/۶/۲۷.
 ۲- مصوبه شورای عالی به شماره ۱۷/۲۵۵ مورخ ۷۸/۱۲/۱۷ که در آن تشکلهای غیردولتی، تشکیلات و مؤسسه‌های مردمی خوانده شده‌اند که داوطلبانه و برای مقاصد غیرسیاسی و غیرانتفاعی ایجاد می‌شوند.

دیگر گرفتاری‌های حقوقی و قانونی است و باعث سردرگمی ارگان‌های مسؤول ثبت و ارائه مجوز، ارگان‌های نظارت‌کننده و همچنین خود تشکلهای می‌شود. اگرچه مصوبه اخیر «شورای عالی اداری»^(۲) می‌تواند هماهنگی زیادی را در دستگاه‌های اداری مرتبط با این سازمان‌ها ایجاد کند، اما حتی این تعریف هم کامل نیست و خصوصیات به کار رفته در آن - مانند مردمی بودن و غیرانتفاعی بودن - خود نیاز به توضیح بیش‌تر دارد.

مشکل دیگر این است که قوانینی که منحصرأ مربوط به سازمان‌های غیردولتی زیست‌محیطی - به طور خاص - و یا سازمان‌های غیردولتی - به طور عام - باشد وجود ندارد. این در حالی است که این سازمان‌ها نیاز به قوانینی دارند که با توجه به اهمیت و ضرورت وجود این سازمان‌ها نیز ویژگی و ظرافت‌های خاص آنها وضع شده باشند.

از سوی دیگر، قوانینی که تاکنون از آنها برای ثبت و ارائه مجوز به سازمان‌های غیردولتی استفاده شده است، بروز نبوده‌اند. به عنوان مثال، وزارت کشور که در این سال‌ها مرکز اصلی ثبت این سازمان‌ها بوده، به آنها به دیده احزاب سیاسی نگریسته و برای به ثبت رساندن، ارائه مجوز و نظارت بر آنها از قانونی استفاده کرده که برای احزاب، جمعیت‌ها، انجمن‌های سیاسی و صنفی و انجمن‌های اسلامی و دینی مشترک بوده است. همین مسئله باعث شد تا با وجود اشتیاق فراوانی که در دستداران و اندیشمندان محیط زیست برای رامننداری سازمان‌های غیردولتی زیست‌محیطی به وجود آمده بود، جامعه برای چندین سال از نعمت داشتن این سازمان‌ها محروم باشد. همچنین باعث شد تا هسته‌های اولیه این سازمان‌ها و تشکلهای وقت و انرژی زیادی را در راه کسب مجوز فعالیت و به ثمر رسانیدن سازمان‌های خود صرف کنند و از پرداختن به کارهای اساسی در زمینه گسترش تشکلهای خود و همچنین مسائل زیست‌محیطی بازمانند.

● ناشناخته بودن

سازمان‌های غیردولتی

برای مسئولان ادارها

باعث می‌شود تا به آنها به

چشم نهادهای انتفاعی یا

سازمان‌های مزاحم

نگریسته شود و در نتیجه

برخوردهای مناسبی با

آنها نشود. یکی از

مشکلاتی که این

سازمان‌ها با آن روبه‌رو

بوده‌اند، این بوده که آنها

همواره می‌بایست درباره

ماهیت و اهداف

سازمان‌های غیردولتی به

اداره‌ها و ارگان‌های

مختلف توضیح

می‌داده‌اند.



یک مشکل قانونی دیگر در رابطه با ثبت سازمان‌های غیردولتی زیست‌محیطی، گوناگونی مراکز ثبت و ارائه مجوز است. از آنجا که تاکنون داوطلبان راهدان از این سازمان‌ها با مانع وزارت کشور روبه‌رو بوده‌اند، سعی کرده‌اند تا از هر راه ممکن اقدام به ثبت مؤسسه خود کنند و فعالیت خود را آغاز نمایند. به همین دلیل، هنگام بررسی مراجع ثبت این سازمان‌ها با انواع مراجع و نهادهای دولتی مواجه می‌شویم. به عنوان مثال، وزارت کشور، وزارت فرهنگ و آموزش عالی، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، قوه قضائیه - اداره ثبت شرکتها - و نهاد ریاست جمهوری از جمله نهادهایی هستند که داوطلبان برای ثبت به آنها مراجعه کرده‌اند. نکته جالب توجه آن‌که برای ثبت، ملاک‌های هریک از این ارگان‌ها با دیگری متفاوت است.

مشکل حقوقی بعدی نامناسب بودن ساختارهای تشکیلاتی است که در شکل‌های مختلف اساننامه‌های موجود به این شکل دیده می‌شود. به دلیل نبود تعریف مشخص از سازمان‌های غیردولتی و عدم شناخت ماهیت آن، ساختارهای تشکیلاتی که در اساننامه‌های نوعی برای آنها در نظر گرفته شده، در اغلب موارد همان ساختار شرکتها و مؤسسه‌هاست؛ یعنی مجمع عمومی، هیئت امن و هیئت مدیره. در نتیجه امکان مشارکت فعال اعضا در سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی و مدیریت که یکی از ضرورت‌های کار سازمان‌های غیردولتی است، وجود ندارد. ناگاهی و بی‌تجربگی مجریان قانون نیز یکی دیگر از مشکلات حقوقی و قانونی است. این امر باعث شده تا بسیاری از داوطلبان ایجاد سازمان‌های غیردولتی، نتوانند حتی از قوانین اندک موجود نیز به اندازه کافی بهره‌مند شوند.

برای مثال بارها دیده شده که مسئولان اجرای قوانین در ادارات به دلیل ناآشنا بودن به قانون‌ها به‌گونه‌ای عمل کرده‌اند که داوطلبان را به نقطه اولی ثبت کشانده یا آنها را به مسیرهای غیرضروری هدایت کرده و در نتیجه کار را ماه‌ها به تعویق انداخته‌اند.

و بالاخره آخرین مشکل از این دسته، نبود مسیرهای مشخص قانونی در تشکیلات دولتی برای همکاری با تشکیلات غیردولتی است و این امر سبب شده تا مسئولین تشکیلات دولتی در امور مرتبط با این سازمان‌ها، سلیقه‌ای عمل کنند و حتی گاه در یک مورد بخصوص رفتارهای متفاوت و تبعیض‌آمیزی در مقابل سازمان‌های غیردولتی مختلف نشان دهند.

در اینجا باید یادآور شد که مشکلات قانونی و ثبت که خود معلول مسائل تاریخی، سیاسی و اداری در کشور هستند، باعث ایجاد یا افزایش مشکلات دیگر می‌شوند. نمودار شماره ۱ این رابطه را نشان می‌دهد. (رجوع شود به

۲ صفحه قبل)

۲ - مشکلات اداری و دیوان‌سالارانه

نظام بیمار اداری و مراحل طولانی دیوان‌سالاری (بوروکراسی) که در همه اداره‌ها و تشکیلات دولتی کشور وجود دارد، سازمان‌های غیردولتی را نیز مانند دیگر مراجع نظام اداری دچار سرگردانی و فرسودگی کرده است. این سازمان‌ها اغلب هرگاه که ناگزیر به مراجعه به نظام اداری می‌شوند، چه برای ثبت و کسب مجوز و چه در امور مربوط به فعالیت‌های روزمره خود، در دام روند دیوان‌سالاری اداری می‌افتند و بدین ترتیب انرژی و زمان زیادی را از دست می‌دهند.

از سوی دیگر، ناشناخته بودن سازمان‌های غیردولتی برای مسئولان اداره‌ها باعث می‌شود تا به آنها به چشم

برنامه‌های منظم و هماهنگ پاکسازی محیط‌های طبیعی همانند محیط‌های کوهستانی و ساحل رودخانه‌ها و دریاچه‌ها از مهمترین فعالیت‌هایی بوده است که به شکل نمادین طی یک دهه گذشته توسط این سازمان‌ها در ایران اجرا شده است.



نهادهای انتفاعی یا سازمان‌های مزاحم نگرینسته شود و در نتیجه برخورد‌های مناسبی با آنها نشود. یکی از مشکلاتی که این سازمان‌ها با آن روبه‌رو بوده‌اند، این بوده که آنها همواره می‌بایست درباره ماهیت و اهداف سازمان‌های غیردولتی به اداره‌ها و ارگان‌های مختلف توضیح می‌دهند. در واقع آنها ابتدا باید ذهنیت لازم را در افراد ایجاد کنند و سپس به طرح مشکلات و مسائل خود بپردازند.

سنگ‌اندازی و کارشکنی یکی دیگر از مشکلاتی بوده که سازمان‌های غیردولتی با آن روبه‌رو بوده‌اند. در واقع عوامل مختلفی مانند بی‌اعتمادی به سازمان‌های غیردولتی، ناشناخته بودن آنها و نبود دلسوزی بعضی مسئولان اداری باعث شده که حتی گاهی در قبال این سازمان‌ها رفتار کارشکنی و سنگ‌اندازی در پیش گرفته شود.

ایجاد وقفه‌های طولانی مدت در کار ثبت سازمان‌های غیردولتی به دلیل عوض شدن و جابه‌جایی مدیران اداری از دیگر مشکلات اداری سازمان‌های غیردولتی است.

۳ - مشکلات اقتصادی

سازمان‌های غیردولتی زیست‌محیطی ایران برای تأمین بودجه خود می‌توانند چهار راهکار کلی را در پیش بگیرند: نخست تأمین بودجه از حق عضویت اعضا و کمک‌های مردمی؛ دوم تأمین بودجه از طریق انجام فعالیت‌های درآمدزا - مانند فعالیت‌های پژوهشی، آموزشی یا خدماتی، سوم دریافت کمک‌های دولتی کمک‌های سازمان ملی جوانان؛ و چهارم دریافت کمک و گرفتن پروژه از سازمان‌های بین‌المللی یا سازمان‌های غیردولتی خارجی.

اما واقعیت این است که هریک از این راه‌ها خطرات یا موانع جدی ویژه خود را دارد.

در تأمین بودجه از طریق اعضا و کمک‌های مردمی مشکل این است که به دلیل سطح پایین رفاه اقتصادی اکثریت مردم و همچنین ناشناخته بودن سازمان‌های غیردولتی بین مردم، نمی‌توان انتظار تأمین بودجه قابل توجهی داشت. در شیوه دوم یعنی تأمین بودجه از راه انجام فعالیت‌های درآمدزا همواره این خطر وجود دارد که اهداف اصلی سازمان‌ها در سایه فعالیت‌های درآمدزا قرار گیرد و ویژگی داوطلبانه و خالصانه بودن فعالیت‌ها از بین برود.

در واقع نیازهای مالی و فعالیت‌های درآمدزا، تشکیل یک چرخه بسته را می‌دهند (نمودار شماره ۲) که برورفتن از آن به هوشیاری و همت زیادی نیاز دارد.

در تأمین بودجه از طریق کمک‌های دولتی، مسئله ناسازگاری با ماهیت سازمان غیردولتی وجود دارد. بویژه

اگر یک سازمان غیردولتی بخواهد همه یا بخش زیادی از بودجه خود را از راه دولت تأمین کند، مسلماً دیگر به آن سازمان نمی‌توان صفت غیردولتی، نسبت داد. در این حالت، همیشه این خطر بزرگ وجود دارد که کمک‌های دولتی، سازمان غیردولتی را به سمت‌وسوی مورد نظر دولت سوق دهد و لبه تیز شمشیر انتقاد این سازمان‌ها را کند نماید.

و سرانجام در تأمین بودجه از طریق سازمان‌های غیردولتی یا بین‌المللی نیز یک خطر و یک مشکل وجود دارد. و آن اینکه سازمان‌های کمک‌دهنده بخواهند اولویت‌های زیست‌محیطی مورد نظر خود را تحمیل کنند و در تخصیص بودجه، مشکلات زیست‌محیطی کشور و نیازهای واقعی ما را در نظر نگیرند. همچنانکه در بسیاری از کشورهای جهان سوم، سازمان‌های کمک‌دهنده خارجی به دنبال اهداف و آرزوهای خود بوده‌اند و به جای توجه به مسائل آن کشورها اغلب به موضوعاتی مانند حیات وحش، مناطق حفاظت شده و لایه ازن علاقه نشان داده‌اند.

البته در اینجا باید یادآوری نمود که این کمک‌ها در چارچوب بستن قرارداد پروژه‌های مختلف انجام می‌گیرد، نه به صورت کمک مالی بی‌بازپرداخت.

گذشته از خطر ذکر شده درباره تأمین بودجه از منابع خارجی، این مشکل نیز وجود دارد که هنوز همکاری و رفت‌وآمدها بین ما و سازمان‌های غیردولتی و بین‌المللی خارجی به اندازه کافی وجود ندارد و اخیراً تنها با سازمان جف^(۱) این رابطه آغاز شده‌است. البته پیش از آن نیز یکی دو مؤسسه یا سازمان غیردولتی قراردادهایی با سازمان‌هایی مانند عمران ملل متحد بسته‌اند که معمولاً یا مقدار آن چشمگیر نبوده و یا اگر بوده به دلیل مسائل قانونی و حقوقی با دخالت سازمان‌های دولتی همراه بوده است.

مشکل دیگر آن است که برخی از سازمان‌های غیردولتی یا شبه‌غیردولتی با ایجاد رابطه با سازمان‌های داخلی و خارجی و با زدوبندهایی، پروژه‌ها و کمک‌ها را به سمت خود می‌کشند و در حق سازمان‌های غیردولتی کوچک یا دور از مرکز ستم می‌شود.

بنابراین چنانکه مشاهده می‌شود تأمین بودجه این سازمان‌ها امری بسیار حساس و شبیه به حل یک معادله چندمجهولی است که رعایت نکردن ظرافت‌های کار می‌تواند آن را به عاملی برای انحراف یا آسیب‌رسانی به استقلال سازمان‌های غیردولتی تبدیل کند.

1 - GEF (Global Environmental Facility)

● در تأمین بودجه از

طریق کمک‌های دولتی،

مسئله ناسازگاری با

ماهیت سازمان

غیردولتی وجود دارد.

بویژه اگر یک سازمان

غیردولتی بخواهد همه یا

بخش زیادی از بودجه

خود را از راه دولت تأمین

کند، مسلماً دیگر به آن

سازمان نمی‌توان صفت

«غیردولتی» نسبت داد.

در این حالت، همیشه این

خطر بزرگ وجود دارد که

کمک‌های دولتی، سازمان

غیردولتی را به

سمت‌وسوی مورد نظر

دولت سوق دهد و لبه تیز

شمشیر انتقاد این

سازمان‌ها را کند نماید.

بررسی ژئوشیمیایی و ارزیابی اقتصادی بازیافت مواد آلاینده تالاب انزلی

فرشاد لویزه

گروه آکشافات ژئوشیمیایی،

سازمان زمین‌شناسی کشور



چکیده:

تالاب انزلی زیستگاهی است حفاظت شده و منحصر به فرد که حفاظت از آن وظیفه‌ای فراملی می‌باشد فعالیتهای صنعتی و کشاورزی طی چند دهه اخیر این تالاب زیبا را شدیداً آلوده کرده و باعث مرگ و میر سالانه هزاران تن از انواع گونه‌های آبیان ساکن در آن گردیده است. لزوم بهبود شرایط زیست محیطی همگام با توسعه شهرنشینی نکته‌ای است که طی سالهای اخیر در تدوین نظامهای جامع شهری بدان اهمیت داده شده است. ارزیابی اقتصادی مراحل پاکسازی محیط زیست از دیدگاه علم بازیافت (Recycle) نکته‌ای است که می‌تواند پسرورده‌های هزینہ‌ساز زیست محیطی را به طرحهایی سودآور مبدل سازد و از آنجا که مطالعات ژئوشیمیایی قبلی نشانگر تمرکز فلزات سنگین در تالاب انزلی بوده، لذا پهنه تالاب، پتانسیل بالقوه‌ای برای تمرکز فعالیتهای بازیافت مواد محسوب می‌گردد در این نوشتار سعی بر آن شده تا جنبه اقتصادی مراحل بازیافت مواد آلاینده از تالاب انزلی مورد توجه قرار گیرد.

مقدمه:

رشد روزافزون جمعیت، توسعه سریع شهرنشینی، شکل‌گیری صنایع مرتبط با نظام شهری، مکانیزاسیون فرآیندهای قدیمی کشاورزی همگام با اقلیم خاص کشور ما طی سالیان اخیر، معضلات گسترده‌ای را در زمینه مسائل زیست محیطی پدید آورده است. از طرف دیگر عدم توجه به محیط زیست و نیز عدم

رعایت موازین منطبق با فن‌آوری نوین کنترل پساب‌های صنعتی و غیرصنعتی در حین توسعه صنایع مرتبط با نظام امروزین شهری، طی دو دهه اخیر آلودگی محیط زیست را تشدید کرده است.

نوار باریک ساحل شمالی کشورمان که صرف‌نظر از ویژگی‌های طبیعی آن نقش مهمی در اقتصاد کشاورزی و توریسم داراست، طی سه دهه اخیر به واسطه رشد سریع جمعیت، تخریب جنگل‌ها و تبدیل آن به مزارع و نیز عدم وجود سیستم‌های دفع فاضلاب در نقاط تمرکز جمعیت شهرنشین، شدیداً تحت تأثیر آلاینده‌های زیست‌محیطی قرار گرفته است.

تالاب انزلی با وسعت تقریباً ۲۱۸ کیلومتر مربع در زمستان و ۸۰-۷۰ کیلومتر مربع در تابستان، یکی از مناطق حفاظت شده بین‌المللی و جانب توجه در جهان به شمار می‌رود که توسط آبهای بیش از ۱۵ رودخانه در محوطه پستی تغذیه شده و در اواخر دوران چهارم زمین‌شناسی با تشکیل و رشد زئانه‌های ساحلی از بخش اصلی دریای خزر جدا شده است. (ف. مضطرزاده و دیگران ۱۳۶۳)

مجاورت تالاب با بندر پررونق (که از دیدگاه رده‌بندی فعالیت، سومین بندر فعال کشور محسوب می‌گردد) اگرچه به واسطه اهمیت بندر باعث رونق صنعت توریسم و شکوفایی اقتصادی تالاب شده، لیکن به دلیل فعالیتهای مرتبط با امور بندری، توسعه صنایع مرتبط با حمل و نقل

و ترخیص کالا، فعالیت‌های کشاورزی حواشی جنوبی و جنوب شرقی و نیز تمرکز شدید جمعیت، باعث آلودگی شدید منابع زنده و غیرزنده تالاب گشته است:

- در بخش شرقی تالاب، رهاسازی پساب‌های ناشی از فعالیت واحدهای صنعتی تولید رنگ، مواد غذایی و انرژی.

- در بخش جنوب و غربی، رهاسازی پساب‌های کشاورزی و پسمانده کودهای شیمیایی.

- در دهانه شمالی، ترده کشتی‌های حامل مواد سوختی که عموماً به واسطه عدم آلودگی قدیمی و فرسوده کشورهای آسیای میانه، با معیارهای حفاظت از آلودگی محیط زیست منطبق نمی‌باشند.

و بالاخره در بخش شمال شرقی و شمال تالاب، رهاسازی حجم وسیعی از پساب‌های خانگی و واحدهای نیمه صنعتی (تراشکاری، جوشکاری و...) باعث تمرکز خطرناک آلاینده‌ها گشته است.

بحث کنترل و رفع آلودگی محیط زیست اگرچه در کشور ما به‌تازگی رونق یافته و سعی بر آن است تا آخرین فن‌آوری کشورهای پیشرفته صنعتی نیز در این خصوص مطرح گردد، لیکن آنچه تاکنون بدان توجه نشده، جنبه‌های اقتصادی است که می‌تواند در حین فرآیند کنترل و رفع آلودگی مورد توجه قرار گیرد.

در آلمان طبق آمار موجود، ۲۴٪ سرب مصرفی در صنایع، از بازیافت پساب‌های صنعتی به دست آمده و متقابلاً بیش از ۹۰٪ کاغذ مصرفی در این کشور نیز بازیافت می‌گردد. (ح. بصیر و همکاران ۱۳۶۶).

در این نوشتار نیز سعی بر آن است که جنبه‌های اقتصادی تصفیه پساب‌های رها شده در تالاب انزلی مورد بحث قرار گیرد.

۲- هدفها:

هدف از اجرای چنین طرحی به دست آوردن زمینه فراوانی عناصر P , Cd , Zn , Pb , Hg و... در فازهای آب، خاک و لجن‌های کف تالاب و مقایسه آن با مقادیر ضریب غنی‌شدگی عناصر در هر یک از فازهاست. چنانچه ضریب غنی‌شدگی عنصری در حدی باشد که صرف‌نظر از دیدگاه معنی، از لحاظ زیست محیطی نیز در رده فراوانی بالا محسوب گردد، آنگاه می‌توان با

آنالیز فنی - اقتصادی نسبت به استحصال و استخراج عناصر مورد بحث مبادرت ورزید. شایان توجه است که ضریب غنی‌شدگی و نیز فراوانی فملی یک عنصر در محیط مزبور ممکن است از دید معدنکاری در رده آنومالی معدنی یا حتی آستانه اقتصادی بودن رده‌بندی نگرده، لیکن چنانچه پارامترهای اقتصادی زیست محیطی را نیز در آنالیز هزینه استحصال منظور کنیم آنگاه یقیناً بازیافت عناصر مورد بحث توجیه اقتصادی خواهد داشت. بدیهی است که لحاظ کردن ممانعت از مرگ و میر سالیانه هزاران تن از آبیان، افزایش صید به واسطه عدم آلودگی محیط و نیز کارایی مجدد مواد استحصال شده، پارامترهایی هستند که بایستی دقیقاً در ارزیابی‌های اقتصادی مورد بحث قرار گیرند.

۳- نتایج حاصل از مطالعات قبلی:

الف - رسوب‌های تالاب مقادیر قابل توجهی مواد محلول و غیرمحلول (۷۰۰۰۰ تن) وارد تالاب می‌شود که بیش از ۸۰٪ این مواد آلی بوده و بار غذایی تالاب را تأمین می‌نماید و از این مقدار ۸۵۰۰۰ تن رسوب در تالاب باقی می‌ماند. (مضطرزاده و دیگران ۱۳۶۳).

ب - تمرکز زیاد جمعیت در حواشی تالاب ورود پساب‌های صنعتی و کشاورزی و نیز ورود فاضلاب‌های شهر باعث موجب تجمع بیش از حد فسفر در آب گردیده، به ترتیبی که اندیس تجاوز از حد مجاز برای بخش مرکزی ۲/۱۵، بخش غربی ۱/۸ سیاه کشیم ۴ و بخش شرقی ۲/۱۹ می‌باشد. (مضطرزاده ۱۳۶۳).

پ - رسوبات تالاب علاوه بر دارا بودن مقادیر زیاد فلزات به صورت اکسید Al_2O_3 و SiO_2 و...، به دلیل دارا بودن مواد مصرفی و مغذی آلی مورد نیاز گیاهان (بویژه برنج) بسیار غنی هستند و کمتر کودی، حتی کودهای شیمیایی، در این مورد قابل رقابت با مرغوبیت رسوبات تالاب می‌باشند. (کوثری، آژرم ۱۳۶۵) ولیکن توجه به این نکته ضروری است که در صورت لزوم کاربرد رسوبات مذکور به عنوان کود کشاورزی، رعایت

تمام جوانب اکولوژیکی طرح ضروری است. ت - بررسی‌های ژئوشیمیایی، تمرکز برخی از عناصر کمیاب در آب تالاب مانند Ca , B , Ga را در حد بالاتر از آستانه اقتصادی نشان می‌دهد. (کوثری ۱۳۶۵).

ث - مقایسه ضرایب آلودگی عنصری بین تالاب و نتایج حاصل از آلودگی در ۲۴ دریاچه واقع در محدوده صنعتی کشور سوند، مبین آن است که آلودگی Cu و Cr در تالاب انزلی بیش از سه برابر آلودگی دریاچه‌های سوند می‌باشد. (کوثری و همکاران ۱۳۷۲).

ج - در بخش‌هایی از تالاب میزان آلودگی سرب و مس به ترتیب ۲ و ۵۸ برابر مقدار میانگین آنها می‌باشد و از طرف دیگر نیز کربنات، کرم، نیکل و مس که از دیدگاه ژئوشیمیایی دارای همبستگی مثبت هستند، بیشترین آلودگی را در بخش شرقی تالاب نشان می‌دهند. (کوثری و همکاران ۱۳۷۲).

چ - آبراهه‌های غربی تالاب از نقاط صنعتی و

● **ورود پساب‌های صنعتی و کشاورزی و نیز ورود فاضلاب‌های شهر رشت عملاً موجب تجمع بیش از حد فسفر در آب گردیده، به ترتیبی که اندیس تجاوز از حد مجاز برای بخش مرکزی ۲/۱۵، بخش غربی ۱/۸، سیاه کشیم ۴ و بخش شرقی ۲/۱۹ می‌باشد.**

کم جمعیت عبور می‌نمایند، لذا می‌توان انتظار داشت که آلودگی مس و نیکل بویژه در بخش مرکزی و غربی تالاب منشأ طبیعی زمین‌شناسی (Geogenic) داشته باشد، در صورتی که منشأ عناصر آلاینده نظیر کربنات، کرم، سرب و روی به دلیل انتشار در بخش شرقی تالاب و ورود رودخانه‌های پیربازار، خمام رود و پسرخان که از محدوده شهرهای رشت، فومن، صومعه‌سرا و مناطق صنعتی و خانگی می‌گذرند، باید از نوع آلودگی صنعتی یا Anthropogenic باشد.

ح - بررسی‌های ژئوتکنیکی و مطالعات مکانیک خاک در محدوده لنگرگاه و موج‌شکن و نیز مطالعه مغزه‌های اخذ شده دست نخورده

توسط کربلار دبل تیوب به قطر ۸۶ میلیمتر (لویزه و همکاران ۱۳۷۳) مبین گروه‌بندی غالب رسوبات از بستر دریا تا عمق ۳۰ متر در دره SM. Sp-Sm و Sp بر مبنای طبقه‌بندی Unified می‌باشد. (لویزه و همکاران - مهندسين مشاور ایران خاک ۱۳۷۳).

خ - بررسی‌های ژئوتکنیکی و مطالعات مکانیک خاک در محدوده پل انزلی به منظور ساخت لنگرگاه شناورهای صیادی مسین رده‌بندی غالب رسوبات دو گروه CI-MI و CI-MI بر اساس طبقه‌بندی Unified می‌باشد (لویزه و همکاران - مهندس مشاور ایران خاک ۱۳۷۳).

د - کاوش‌های زیر آبی و غواصی توسط لویزه و همکاران (۱۳۷۳) مبین وجود ضخامت در حدود ۱۵-۱ متر بر روی رسوبات بستر در محدوده پل انزلی می‌باشد.

۱۴ - توجیه اقتصادی :

از آنجا که تنها مطالعه ژئوشیمیایی خصوصیات تالاب، قریب به پانزده سال پیش (۱۳۴۴) توسط گروه ژئوشیمیایی سازمان زمین‌شناسی کشور و بر پایه مطالعه و آنالیز صرفاً ۵۲ نمونه اخذ شده در پهنه‌ای به وسعت ۲۸۰ کیلومتر مربع صورت پذیرفته، لذا شایسته است تا با توجه به نتایج بررسی‌های مقدماتی که نشانگر اندیس‌های مثبت تمرکز فلزات در آب تالاب می‌باشد، برنامه‌ای جامع در قالب طرحی ژئوشیمیایی به منظور نمونه‌برداری سیستماتیک از پهنه مورد بررسی تدوین و پس از روشن شدن محدوده آنومالی‌های احتمالی نسبت به نمونه‌برداری‌های دقیق‌تر و با تراکم بیشتر شبکهای اقدام گردد. بر پایه آنچه از مطالعات مقدماتی به دست می‌آید و نیز جمع‌بندی نهایی نتایج در قالب آنالیز فنی - اقتصادی، می‌توان توجیه‌پذیر بودن ادامه مطالعات را نیز بررسی نموده و حتی در صورتی که طرح از دیدگاه فرآوری مواد معدنی توجیه نداشته باشد، دامنه بررسی‌های اقتصادی مطرح را به محدوده دیدگاه‌های زیست‌محیطی بسط و توسعه داد. زیرا همان‌طور که در بخش مقدمه نوشتار نیز اشاره شد، چه‌سدا در حال حاضر فراوانی و توزیع یک عنصر خاص از دیدگاه معدنکاری در حد آستانه اقتصادی نباشد ولیکن با ملحوظ داشتن معیارها و موازین زیست‌محیطی، استحصال و بازیافت آن توجیه داشته و کاملاً اقتصادی باشد.



به عبارت بهتر و به زبان ساده‌تر ممکن است فراوانی روی در حد میانگین (Mean) ۲۰۰ ppm (کوثری و آرم ۱۳۶۵) در آب تالاب، عبار قابل توجهی از دید معدنکاری محسوب نگردد ولیکن با توجه به اینکه به واسطه وجود همین مقدار روی و آلایندگی‌های دیگر سالانه هزاران تن ماهی و گونه‌های دیگر آبیان قابل مصرف توسط نظام غذایی کشور تلف می‌شوند، می‌توان به این نکته پی برد که استحصال مواد آلاینده مذکور حتی با عیار پایین موجب حفظ ذخایر آبیان گشته و به نوبه خود باعث رونق صنعت صید و شکوفایی اقتصاد مبتنی بر صنعت شیلات خواهد گردید که طبعاً موجب صرفه اقتصادی را نیز فراهم خواهد کرد.

از طرف دیگر، از آنجا که سبک زندگی مردم اعم از پوشاک، تغذیه، اقامت و... در بندر انزلی از پیوند نزدیکی با محیط دریا و تالاب برخوردار است و نیز با توجه به اینکه منابع آب شرب شهر نیز متکی به ذخایر زیرزمینی است، لذا بسیار محتلم است که بخش وسیعی از همین آلودگی‌ها به طور مستقیم یا غیرمستقیم وارد چرخه زندگی انسان شده باشد، لیکن به واسطه فقدان آمارهای دقیق، در حال حاضر تعیین ارتباط میان شیوع آلودگی شیمیایی با نحوه گسترش بیماری‌های گوارشی یا عفونی مقدور نیست. اما پروضح است که پالایش آلودگی‌های زیست‌محیطی، نقش بسزایی در پیشگیری از هزینه‌های درمان و گسترش بیماری‌ها خواهد داشت که خود پتانسیل اقتصادی قابل تأمل و بررسی است.

۵ - پیشنهاد برنامه (زمان بندی) :

مراحل اجرایی طرح را می‌توان در بخش‌های مشروحه ذیل خلاصه کرد:

۱ - هماهنگی با دستگاه‌ها و ارگان‌های ذیربط در خصوص جمع‌آوری و ساماندهی

داده‌های قبلی و استحصال نتایج مفید و کارآ در طرح جدید
۱۵±۵ روز تهران ۱۰±۵ روز رشت و انزلی
مجموعاً ۲۵±۵ روز

۲ - بازدید صحرایی مقدماتی با هماهنگی تمام نهادهای ذیربط جهت تبلیغ و توجیه طرح و نیز بررسی تلویحی نقاط نمونه‌برداری
۵±۲ روز

۳ - نمونه‌برداری ژئوشیمیایی از رسوبات، لجن‌ها و آب تالاب به صورت سیستماتیک و منطبق با طرح اولیه شبکه نمونه‌برداری ۱۰±۳۰ روز کاری (تابع شرایط آب و هوایی)

۴ - آماده‌سازی نمونه‌ها - ارسال به آزمایشگاه
۱۵±۵ روز کاری

۵ - مراحل انجام آزمایشات (XRD, ... AA, XRF)
۱۵±۶۰ روز کاری

۶ - داده‌پردازی اطلاعات جدید و تلفیق آن با اطلاعات قدیمی
۱۵±۳ روز

۷ - بررسی فنی - تکنیکی استحصال مواد از هر یک از فازهای رسوبات، لجن یا آب تالاب
۱۵±۳۰ روز

۸ - تهیه گزارش و اعلام نتایج قطعی
۳۰±۳ روز

۹ - برنامه کلی زمانی با احتساب فعالیت‌های موازی مجموعاً در فاصله‌های ۶-۷ است. قابل انجام است.

۶ - برآورد تقریب هزینه مطالعات مقدماتی:

جمع‌آوری اطلاعات ۵۰۰۰/۰۰۰ ریال
مطالعات صحرایی و نمونه‌برداری ۵۲/۵۰۰/۰۰۰ ریال
مطالعات آزمایشگاهی (حالت متوسط نمونه‌برداری) ۱۷۱۲/۵۰۰/۰۰۰ ریال
مطالعات دفتری و تهیه گزارش ۳۰۰۰/۰۰۰ ریال
جمع کل (ضریب خطای برآورد) ۱۵٪ ± ۱۷۱۲/۵۰۰/۰۰۰ ریال

۷ - نتیجه‌گیری و جمع‌بندی:

اهمیت حفظ تالاب انزلی به عنوان زیستگاهی حفاظت شده و نیز اهمیت حفاظت و سلامت آن، چه از دیدگاه توریسم و چه از دیدگاه ارتباط مستقیم آن با چرخه حیاتی سکنه ادامه در صفحه ۳۷

گزارش کنفرانس جهانی «جوانان، ممیپ زیست و توسعه پایدار»

سوند ۲۷ - ۲۳ می ۲۰۰۱

Lailarast@yahoo.com لیلارستگار
rshahryar@yahoo.com شهریار رحمانی



کنند. در پی معرفی نمایندگان جبهه سبز ایران به برگزار کنندگان سمینار مشخص شد (حدود ۱۲۰۰ نفر از سراسر دنیا) اواسط فروردین ماه. دعوتنامه دو نماینده جبهه سبز ایران برای شرکت در کنفرانس از سوی وزارت محیط زیست سوند ارسال گردید. در کل از بین ۱۲۰۰ نفر درخواست‌کننده ۲۵۰ نفر انتخاب شدند که دو نفر از ایران بودند.

بعد از انتخاب سفارت، به هر نفر یک username و یک password بر روی سایت WWW.youth.se داده شد. هدف از این کار انجام بحث‌های مقدماتی به وسیله اینترنت بین شرکت‌کنندگان بود تا از فرصت‌های اندک در زمان برگزاری کنفرانس نهایت استفاده را ببرند. بنابراین هر یک از جوانان می‌توانستند با username خود وارد این سایت شوند و نظرات خود یا سازمان خود را در مورد موضوعات مختلف در معرض دید سایر شرکت‌کنندگان قرار دهند و یا در مورد مباحث مطرح شده با دیگران به بحث و گفتگو بپردازند.

موضوعات مطرح شده در وب سایت به شرح زیر بود:

- ۱ - جنسیت، محرومیت‌های اجتماعی و توسعه پایدار
- ۲ - درگیری‌ها، جنگ و تأثیر آن بر محیط زیست
- ۳ - مدیریت منابع طبیعی (شامل جنگل، ماهیگیری و مدیریت زمین)
- ۴ - مدیریت پایدار آب
- ۵ - انرژی و تغییرات آب و هوا
- ۶ - حمل و نقل، زیر ساخت‌ها و ارتباطات
- ۷ - نقش مؤسسات بین‌المللی (WRO, UN, IMF, WB در توسعه پایدار
- ۸ - جهانی شدن اقتصاد و نقش همکاری‌های بین‌المللی

در ماه سپتامبر میلادی آینده دولت‌های جهان در شهر ژوهانسبورگ آفریقای جنوبی به منظور شرکت در اجلاس جهانی توسعه پایدار سازمان ملل گرد هم آمدند. ۱۰ سال پیش از این، نمایندگان سازمان‌های غیردولتی شامل گروه‌های جوانان در این اتفاق تاریخی در ریو دوژانیرو برزیل شرکت داشتند. به جهت همکاری در آماده‌سازی جوانان برای اجلاس جهانی ۲۰۰۲، وزیر محیط زیست سوند، آقای لارسون، در اقدامی ابتکاری جوانان را از سراسر جهان به کنفرانس جوانان، محیط زیست و توسعه پایدار دعوت نمود. این کنفرانس در زمان ریاست اتحادیه اروپا توسط سوند و در شهر بورگهلم در تاریخ ۲۳ تا ۲۷ ماه می ۲۰۰۱ و با حضور ۲۱۷ شرکت‌کننده از ۱۰۴ کشور جهان برگزار شد.

هدف کنفرانس فراهم کردن فرصتی برای گرد هم آوردن جوانان و رسیدن به یک دانش و تجربه مشخص و یکسان و کارآمد کردن فن‌آوری‌ها برای کنفرانس ۲۰۰۲ بود. امید می‌رفت در کنفرانس گفتگوهای سازنده بین جوانان سراسر جهان در مورد محیط زیست جهانی و چالش‌های توسعه که جهان با آنها رو به روست، انجام شود. و راه آینده از طریق ایده‌های جامع، ارزیابی نیازها به همراه مبارزات و فعالیت‌های قابل ملاحظه براری تغییر در فرایند رهبری اجلاس جهانی ۲۰۰۲ مشخص گردد. دبیرخانه کنفرانس تقریباً با همکاری ۶ سازمان غیردولتی و برنامه محیط زیست سازمان ملل تشکیل شده بود.

فرآیند انتخاب و شرکت در کنفرانس

در اسفند ماه ۱۳۷۸، از سوی وزارت محیط زیست سوند دعوتنامه‌ای از طریق پست الکترونیکی به دفتر جبهه سبز ایران ارسال گردید مبنی بر اینکه دو نفر از اعضای جوان خود (۱۸ تا ۲۵ سال) را برای شرکت در کنفرانس جوانان و توسعه پایدار معرفی

- ۹- تنوع زیستی و محافظت از گونه‌های طبیعی
 ۱۰- فقر، تجارت و کسب درآمد برای توسعه
 ۱۱- شیوه زندگی و مصرف
 ۱۲- کشاورزی، بیوتکنولوژی و سیاست‌گذاری‌های مهندسی

زنتیک

۱۳- بهداشت و محیط زیست (شامل مدیریت مواد شیمیایی) به علاوه این امکان وجود داشت که هر شرکت کننده بنا به میل خود یک موضوع جدید را برای بحث و تبادل نظر مطرح نماید و نمایندگان جبهه سبز ایران موضوع محیط زیست، زبان مشترک تمدن‌ها را عنوان نمودند که مورد استقبال سایرین قرار گرفت. متن آن عبارت بود از:

محیط زیست زبان مشترک تمدن‌ها؛ ما هم اکنون سرگرم تهیه طرحی برای حفاظت از جنگل‌های حرا در خلیج گواتر هستیم. خلیج گواتر در دریای عمان و مرز بین ایران و پاکستان واقع است. جنگل‌های حرا در این خلیج پراکنده‌اند. بخشی از خلیج متعلق به پاکستان و بخش دیگر متعلق به ایران است.

ما و مردم پاکستان هر کدام جداگانه علاقه‌مند به حفاظت از این جنگل‌ها هستیم. ما اکنون ۶ ماه است که این جنگل‌ها موضوع گفتگو و دوستی ما با WWF پاکستان شده است.

ما فکر می‌کنیم جنگل‌های حرا موضوع گفتگوی ما و البته دوستی بیشترمان با سازمان‌های غیردولتی و مردم پاکستان، بنگلادش، هند و امارات متحده عربی خواهد شد. این بحث و گفتگو تا روز برگزاری کنفرانس ادامه داشت و باعث آشنایی بیشتر شرکت کنندگان با یکدیگر و افکار یکدیگر و همچنین فراهم کردن زمینه مناسب برای برگزاری کنفرانس شد. اکنون نیز که سمینار به پایان رسیده، این سایت فعال است و موضوعات مطرح شده در کنفرانس در قسمت‌های مختلف آن وجود دارد.

کنفرانس

کنفرانس بین‌المللی جوانان، محیط زیست و توسعه پایدار در شهر بورگهلم عصر روز ۲۶ ماه می به پایان رسید. ۲۱۷ جوان از ۱۰۴ کشور جهان طی چند روز با یکدیگر ملاقات کردند و کار خود را برای جهت اجلاس جهانی زوهانسبورگ که قرار است سال دیگر در آفریقا تا روز برگزاری کنفرانس ادامه داشته و باعث آشنایی بیشتر شرکت کنندگان با یکدیگر و افکار یکدیگر و همچنین فراهم کردن زمینه مناسب برای برگزاری کنفرانس شد. اکنون نیز که سمینار به پایان رسیده، این سایت فعال است و موضوعات مطرح شده در کنفرانس در قسمت‌های مختلف آن وجود دارد.

به طور کلی کنفرانس جهت مشارکت و انجام فعالیت و انجام فعالیت در اجلاس ۲۰۰۲ زوهانسبورگ، در جوانان انگیزه قوی ایجاد کرد. سه روز برگزاری کنفرانس شامل بحث‌هایی در مورد مدل‌ها، پروژه‌ها و فن‌آوری‌های منطقه‌ای بود.

یکی از نکات حاشیه‌ای و جالب کنفرانس این بود که در روز نخست به هر یک از اعضای شرکت کننده تکه پارچه‌ای به ابعاد ۳۰×۳۰ سانتی‌متر داده شد تا دیدگاه خود را نسبت به محیط زیست جهانی، از طریق نقاشی یا نوشتن متنی مطرح سازند و در نهایت این قطعه پارچه‌ها به هم دوخته شدند و یک پارچه طولی به وجود آمد. قرار شد این پارچه توسط نخست‌وزیر سوئد به اجلاس سران

اتحادیه اروپا برده و بر سر در محل برگزاری این سمینار آویخته شود.

ساختار کنفرانس

جلسه افتتاحیه

۱- جلسه سخنرانی در سالن اصلی کنفرانس در خصوص مبحث توسعه پایدار، سخنرانان و رؤس مطالب آنان عبارت بود از: سخنرانی افتتاحیه توسط وزیر محیط زیست سوئد. آقای لارسون؛ نابودی منابع طبیعی بیشتر به دلیل فقر و فقر خود نتیجه فقدان دانش در سیاست‌گذاری‌هاست. جوانان به عنوان افرادی که ایده‌های جدید و کارآمد دارند، باید با تمام قوای خود برای اصلاح وضع موجود و آنچه که از پشتیبان به آنها رسید وارد عمل شوند. باید با اتحاد با یکدیگر تمام قدرتش را به کار گیرند تا به عنوان گروه‌های لابی برای دولت‌ها و مجامع بین‌المللی عمل کنند، چون هم توان و هم شجاعت این کار را دارند.

● سخنگوی مسئول اجرایی یونپ آقای Brevik: بیان خلاصه‌ای از آنچه که از کنفرانس استگهلم تاکنون روی داده است.

● خاتم Yoke Ling Chee از مالزی، هماهنگ کننده زیست محیطی شبکه جهان سوم؛ چالشش به نام توسعه پایدار فراروی جهان قرار دارد و کشورهای جهان سوم با مشکلات خاص خود در این راستا رو به رو هستند. ما باید با حمایت‌ها و نظارت‌های خاص خود به سیاست‌گذاران برای تحقق این هدف کمک کنیم.

● مدیر سازمان دوستداران زمین در اروپا، آقای Rocholl: وی در خصوص مانی که بر سر راه توسعه پایدار وجود دارد صحبت کرد.

۲- در ادامه در جلسه پیام رئیس جمهور کشور چک توسط یک از حاضرین که نماینده جمهوری چک بود، خوانده شد.

جلسات موضوعی: ۱۳ موضوع از طرف برگزارکنندگان کنفرانس انتخاب شده بود که پیش از عنوان ذکر شده است. قبل از برگزاری کنفرانس هر یک از شرکت‌کنندگان در یکی از موضوعات ثبت نام کرده بودند. هر گروه باید راهکارها و دیدگاه‌های خود را در مورد موضوع گروه خود در سطوح محلی، ملی، و منطقه‌ای جهانی مطرح می‌نمود و مشخص می‌کرد چگونه می‌توان بر موانع موجود بر سر راه بهبود وضعیت، فایز آمد. هر گروه تسهیل‌گر داشت که نتایج گروه را یادداشت و آماده برای ارائه می‌نمود. نتایج به دست آمده از گروه‌های موضوعی یکی از منابع تهیه بیانیه آخر کنفرانس بود.

جلسات منطقه‌ای: کارگاه‌های منطقه‌ای عبارت بودند از: آفریقا - آسیا و پاسفیک - اروپای شرقی - آمریکای لاتین و حوزه کاراییب - اروپای غربی و سایر کشورها. هدف این گروه‌ها ضمن بحث و تبادل نظر در مورد مشکلات و معضلات زیست محیطی منطقه خود، آماده شدن و ایجاد هماهنگی برای شرکت در کنفرانس زوهانسبورگ بود و در آخر شبکه‌ای بر روی اینترنت توسط هر گروه

و جهت تبادل نظر و ارتباط مؤثر تأسیس شد.

کارگاه آسیا: به علت پهناور بودن قاره آسیا، پس از اینکه تمام اعضا گروه گرد هم آمدند و برنامه کلی هماهنگ شد آسیا به پنج زیر گروه تقسیم شد و هر یک از گروه‌ها به بیان مشکلات و مسائل عمده منطقه خود پرداختند و پیشنهاداتی را مطرح کردند در پایان، تمام گروه‌ها گرد هم جمع شدند و از هر منطقه یک نفر گزارشی ارائه داد. سپس یک نفر به عنوان نماینده کل آسیا برای ارائه گزارش در جلسه عمومی و دو نفر برای تهیه پیش‌نویس قطعنامه نهایی انتخاب شدند. عمده مشکلات مطرح شده در هر منطقه به تفکیک عبارت بودند از:

پاسفیک: انجام مانورهای نظامی در عرصه‌های طبیعی، دفن زباله‌های هسته‌ای، تغییرات آب و هوا

آسیای جنوب شرقی: دموکراسی، زمینهای لازم برای سرمایه‌گذاری و فعالیت جوانان، فاصله زیاد بین این کشورها با کشورهای شمال، ترویج فرهنگ مصرف‌گرایی و تغییر سبک زندگی مردم، بحران‌های اقتصادی

آسیای شرقی: تغییرات آب و هوا و باران‌های اسیدی، گسترش بیابان‌ها

آسیای غرب: نفت و آلودگی‌های ناشی از آن، بحران آب، جنگ و تأثیر آن بر روی توزیع عادلانه منابع طبیعی، کم بودن دانش زیست محیطی مردم.

جلسات پروژه: چند هفته قبل از شروع کنفرانس، فراخوانی برای ارائه پروژه بر روی سایت اعلام شد. اشخاصی که پروژه‌ها را ارائه می‌دادند خود باید تسهیل‌گر جلسات آن پروژه‌ها می‌شدند. هدف این جلسات ارائه مثال‌های موفق برای سایرین و درگیر ساختن افراد جدید در پروژه‌های در حال اجرا بود. قبل از شروع کنفرانس، ۱۰ پروژه به دست دبیرخانه رسیده بود و ثبت نام در هر یک از آنان برای شرکت کنندگان آزاد بود.

گردش‌های میدانی: در ۸ منطقه از جزیره اولند، گردش‌های علمی در نظر گرفته شده بود که شرکت کنندگان بنا به سلیقه خود در یکی از آنها ثبت نام می‌کردند این برنامه شامل بازدید از تالاب‌های جزیره، تاسیسات تصفیه خانه، بازدید از خود شهر بورگهلم، ...

جلسات عمومی: روزانه به طور متوسط سه جلسه عمومی برگزار می‌شد که در آنها برنامه روزانه کنفرانس، گزارش کار کارگاه‌ها و نتیجه‌گیری در مورد کارهای روزانه بیان می‌شد.

قطعنامه نهایی در شب پایانی کنفرانس قطعنامه‌ای صادر شد که حاصل و چکیده مباحث مطرح شده در طی برگزاری کنفرانس در گروه‌ها و کارگاه‌های مختلف بود که به دبیرخانه کنفرانس رسیده بود. عناوین مطرح شده در این قطعنامه عبارت بودند از:

- ۱- درخواست برای عدالت جهانی
- ۲- تقویت توانایی‌های مردمی در تمام کشورها
- ۳- تضمین امنیت انسان و تحقق یک اکوسیستم سالم

ادامه از صفحه ۳۴

حواشی آن، اجرای طرحی به منظور شناخت و کنترل آلودگی‌های منتشره در آن را روشن می‌سازد. از طرف دیگر با توجه به آنچه اشاره شد، اجرای چنین طرحی با هزینه‌ای بالغ بر (متوسط برآورد قیمت) ۱۲۰ میلیون تومان، اگر چه از دیدگاه نظری کاملاً توجیه‌پذیر و منطقی است اما در صورت شناخت ذخایر معدنی قابل بازیافت در تالاب، پروژه کنترل آلودگی، حفاظت و رفع و بازیافت آلودگی، از پروژه‌های صرفاً زیست محیطی و هزینه‌ساز به پروژه‌های اقتصادی و درآمدزا تبدیل خواهد شد. به عبارت بهتر اجرای طرحی که با در نظر داشتن قیمت‌های روز صرفاً در حد قیمت یک واحد مسکونی هزینه در بر دارد و در بلند مدت نیز استحصال نتایج عملی آن باعث بازیافت اقتصادی مواد، پاک‌ی محیط زیست، سلامت چرخه آب‌زیان و نیز بهداشت بیشتر سکنه حواشی آن می‌گردد. کاملاً منطقی و توجیه‌پذیر است و در این میان جنبه دورنمای اقتصادی آن نکته‌ای قابل تأمل می‌باشد.

۸- منابع:

- ۱- کوثری، س؛ زکیخانی، م؛ ۱۳۶۴؛ شناسایی منابع تیتانیوم در دشت ساحلی گیلان؛ سازمان زمین‌شناسی کشور
- ۲- کوثری، س؛ ۱۳۶۴؛ منابع تیتانیوم و تکامل دلتای سفیدرود در دشت ساحلی گیلان؛ سازمان زمین‌شناسی کشور
- ۳- کوثری، س؛ آرم، ف؛ ۱۳۶۵؛ مطالعه ژئوشیمیایی تالاب انزلی؛ سازمان زمین‌شناسی کشور
- ۴- کوثری، س؛ ۱۳۷۲؛ تمرکز و آلودگی عناصر سنگین در تالاب انزلی؛ سازمان زمین‌شناسی کشور
- ۵- لویزه و همکاران؛ ۷۳-۱۳۷۲؛ مطالعات مکانیک خاک و مهندسی بی پروژه طرح توسعه و ترمیم اسکله و موج‌شکن بندر انزلی؛ مهندسین مشاور ایران خاک
- ۶- لویزه و همکاران؛ ۱۳۷۳؛ مطالعات مکانیک خاک و مهندسی بی پروژه شیلات انزلی؛ مهندسین مشاور ایران خاک
- ۷- لویزه و همکاران؛ ۱۳۷۳؛ طرح جمع‌آوری آبهای سطحی و قاضلاب بندر انزلی؛ مهندسین مشاور ایران خاک
- ۸- مضطرزاده، فتح‌الله؛ رزاد، بهروز؛ بهمن ۱۳۶۳؛ پژوهشی در مورد تعیین پارامترهای فیزیکی و شیمیایی تالاب انزلی؛ پژوهشگاه خواص و کاربرد مواد نیرو

معرفی سازمان

بازیافت و تبدیل مواد شهرداری تهران



تاریخچه

در سال ۱۳۴۹ شهرداری تهران با هدف بهینه‌سازی مدیریت مواد زاید جامد در جهت حفظ محیط زیست شهری و ارتقا سطح بهداشت محیط تصمیم گرفت تا کارخانه‌ای را برای تبدیل زباله‌های آلی تولیدی شهری به کود کمپوست احداث نماید. قرارداد تهیه طرح کارخانه کمپوست بین شهرداری تهران و شرکت انگلیسی نیوسویل منعقد گردید که براساس آن در سال ۱۳۵۱ عملیات نصب و راه‌اندازی ماشین‌آلات کارخانه صورت پذیرفت. این کارخانه نهایتاً با ظرفیت پذیرش ۵۰۰ تن زباله در روز راه‌اندازی شد و پس از آن به منظور مدیریت و راهبردی آن ادارای به نام اداره کل کود گیاهی تشکیل گردید. به دلیل عدم مطالعه و توجه به ترکیبات فیزیکی و شیمیایی زباله شهر تهران در طراحی این کارخانه مشکلات عمده فنی از مراحل نخستین بهره‌برداری آغاز گردید و دریافت زباله کارخانه کهریزک هیچگاه به بیش از ۳۵۰ تن زباله در روز نرسید. چون تولید قابل توجهی نیز به دست نیامد در سیزدهم آذر ۱۳۵۴ تعطیل گردید و از شرکت نیوسویل رسماً خلع ید شد. این کارخانه تا سال ۱۳۶۰ به علت دعوی حقوقی همچنان بلا تکلیف و غیرفعال بود و در سال ۱۳۶۱ توسط یک شرکت ایرانی و با پیگیریهای سازمان کود گیاهی که نام آن به سازمان بازیافت و تبدیل مواد شهرداری تهران تغییر یافته بود (با گسترش فعالیتها و وظایف محول به اداره کود گیاهی این اداره نسبت به تدوین یک اساسنامه و تغییر تشکیلات آن به سازمان اقدام و به وزارت کشور پیشنهاد نمود نهایتاً در تاریخ ۷۰/۸/۸۳ وزارت کشور پس از تصویب این پیشنهاد اساسنامه سازمان را تحت نام سازمان بازیافت و تبدیل مواد برای اجرا به شهرداری تهران ابلاغ نمود) و در ششم آبان ۱۳۶۸ تلاش برای راه‌اندازی مجدد این کارخانه آغاز شد.

دیرتاز آگهی

اهداف سازمان بازیافت و تبدیل مواد شهرداری تهران

- طراحی، برنامه‌ریزی و نظارت عالی بر حسن اجرای جمع‌آوری و حمل بهداشتی و سریعتر مواد زاید جامد شهری همراه با برنامه‌های آموزشی و ارائه روشهای جدید و اطلاع از پیشرفتهای سایر کشورها در این زمینه.
- انجام ترتیبات لازم جهت دفن بهداشتی و سریعتر زباله
- نظارت عالی بر احداث و توسعه ایستگاههای خدمات شهری
- بازیافت مواد قابل استفاده موجود در زباله شهری
- احداث کارخانجات کمپوست
- وظایف سازمان بازیافت و تبدیل مواد شهرداری تهران
- شناخت علل تولید مواد زائد جامد
- شناسایی عوامل و منابع تولید مواد زائد جامد و جمع‌آوری به هنگام اطلاعات و آمار مربوط به کمیت و کیفیت آنها.
- ایجاد ارتباط و هماهنگی با شهرداریها، دانشگاهها، مجامع و مراکز آموزشی و تحقیقاتی داخل و خارج از کشور به منظور کسب اطلاعات از استانداردهای موجود و روشهای جدید و تهیه کتب و نشریات و وسایل کمک آموزشی.
- تدوین و ارائه روشهای مناسب تولید، نگهداری موقت، جمع‌آوری حمل و نقل، بازیافت، تبدیل مواد زائد جامد نظافت شهری.
- اجرای روشهای نوین با استفاده از دانش‌های فنی جدید به منظور رسیدن به هدف سازمان بصورت مستقر و با مشارکت سایر بخشها.
- انجام آموزشهای همگانی در سطح گسترده در جهت اجرا و اعمال روشهای صحیح و ضوابط تعیین شده

- نظارت و کنترل بر اجرای روشها
- ارزشیابی به منظور بهینه‌سازی روشهای ارائه شده
- تشویق بخش خصوصی به منظور مشارکت هر چه بیشتر در امر مدیریت مواد زائد
- تهیه و پیشنهاد مقررات، آیین نامه‌ها و لوائح قانونی مورد نیاز تصویب آنها توسط مراجع ذیربط.

تشکیلات و زیرمجموعه‌های وابسته به سازمان

- سازمان در حال حاضر دارای ۲ معاونت شامل: معاونت پژوهش و توسعه، معاونت اجرایی و معاونت مالی و اداری می‌باشد.
- سازمان دارای مراکز و واحدهایی بشرح ذیل است:
- دفتر مرکزی واقع در خیابان سه‌رودی، آندیشه ۶، پلاک ۵۲
 - ستاد پاکیزگی و نظافت شهر تهران واقع در خیابان پیامبر در منطقه ۲ شهرداری تهران
 - مجمع صالح‌آباد در منطقه ۲۰ شهرداری تهران
 - کارخانه کمپوست کهریزک در جنوب مرکز دفن کهریزک
 - مرکز دفن زباله کهریزک در جنوب بخش کهریزک حاشیه جاده قدیم تهران - قم
 - مرکز دفن خاک و نخاله آبیلی کیلومتر ۷ جاده تهران - آبیلی
 - واحد بازیافت و پردازش و پسماندهای ساختمانی واقع در جاده آبیلی - مرکز دفن خاک و نخاله خاوران کیلومتر ۲۰ جاده خاوران (گرمسار) - مرکز دفن خاک و نخاله شهید پروچردی غرب جاده کمربندی
 - شرکت سامان زیست شهر مستقر در خیابان صداقت

- ایستگاه‌های خدمات شهری واقع در مناطق بیستگانه
- آشنایی با اهم برخی از فعالیتهای سازمان**
- تهیه طرح جامع مدیریت مواد زاید جامد شهری برای شهر تهران
- فعالیتهای آموزشی، پژوهشی
- فعالیتهای علمی، پژوهشی و مطالعاتی
- فعالیتهای صنعتی در زمینه بازیافت و پردازش و تبدیل مواد زاید جامد شهری
- فعالیتهای عمرانی، خدماتی و زیست محیطی

کارخانه کمپوست کهریزک

با توجه به افزایش روزافزون زایدات شهری تولیدی توسط شهروندان در شهر تهران و ظرفیت محدود کارخانه صالح‌آباد، احداث واحدهای جدید تولید از زباله شهری در دستور کار سازمان بازیافت و تبدیل مواد قرار گرفت در اواخر سال ۱۳۷۲ مطالعات اولیه و بررسی‌های فنی برای احداث کارخانه‌ای با ظرفیت نهایی ۳۰۰۰ تن در روز شروع شد. مرحله اول کارخانه ۳ هزار تنی کهریزک با ظرفیت دریافت روزانه هزار تن زباله در دو شیفت کاری با هزینه‌ای معادل ۴ میلیون دلار و ۳۵ میلیارد ریال در زمینی به مساحت ۵۰ هکتار، با ۸۶ متر مربع زیرینا در حاشیه مرکز دفن زباله کهریزک احداث و در تیر ماه ۱۳۷۷ راه‌اندازی آزمایشی شد.

این کارخانه از ساختمانهایی شامل واحدهای دریافت، جداسازی، تخمیر اولیه، تخمیر ثانویه و ... به مساحت کلی ۳۱۱۴۱ مترمربع و ساختمانهای اداری و خدماتی، رستوران، آزمایشگاه و غیره به مساحت کلی ۴۸۴۰ متر مربع تشکیل شده است.

ردیف	عنوان	تلفن	نمابر	نشانی
۱	تلکس	۲۲۲۷۴۴		خ شهید بهشتی، خ آندیشه، آندیشه ۶ غربی، شماره ۵۲
۲	شرکت پاکان شهر	۸۷۰۶۷۲۵ و ۸۷۴۹۲۵۷	۸۷۴۹۲۹۶	
۳	ستاد پاکسازی و نظافت شهر تهران	۴۶۹۱۰۶۱ و ۴۰۹۰۱۱۵-۶	۶۰۷۹۵۸۴	فلكه‌دوم صادقیه، بلوار آیت‌الله کاشانی، خ بهنام جنوبی، خ مقمدا
۴	کارخانه کمپوست صالح‌آباد	۵۰۰۸۲۶۱-۲ و ۵۰۰۸۲۶۶	۵۰۰۸۹۱۶	خ شهیدرجانی، انتهای کوی سیزده آبان، صالح‌آباد شرقی
۵	مرکز زباله کهریزک	۵۲۰۳۳۶۵	۵۲۰۳۳۶۵	جاده قم، کهریزک
۶	کارخانه کمپوست کهریزک	۵۲۰۳۳۷۴	۵۲۰۳۳۷۴	
۷	شرکت سامان زیست شهر	۲۰۵۹۱۱۱ و ۲۰۵۷۱۸۰	۲۰۵۷۲۵۰	خ ولیعصر، روبروی پارک ملت، خ صداقت، پلاک ۱۰۱
۸	مرکز تلفن سازمان	۸۷۰۶۴۷۲ و ۸۷۰۸۱۸۹ و ۸۴۰۶۵۵		خیابان شهید بهشتی، خیابان آندیشه، آندیشه ۶ غربی
	خط داخلی مرکزی	۳۴۴۵		شماره ۵۲ ص - پلاک ۵۳۴۳-۱۵۸۷۵
۹	آموزش و اطلاع‌رسانی	۸۴۰۷۱۸۹	۸۷۰۶۵۳۹	

Abstracts :

*** Nile, chashmdarya ... an ecological velwpoint towards the past, present and future situation of Caspian Sea**
by: Dr. Jamal Moelni

Today one of the most complex economic - political problems in the region and world is the subject of Caspian Sea and exploitation of its resources. Since the facade of USSR and the creation of new countries, the subject of Caspian Seas natural resources, and their ownership, have caused disputes over this region.

The new indepent republics (Common wealth Countries) have created a situation for gradual presence of foreign countries in the region excusing absorbing foriegn currancies for rebuilding their poor economies, in a way that they mix the regional issues with security and political problems of the world. this is one of the historic faults that ultimately will have no benefit for any of these countries

We must accept that any kind of ignorance in critical problems of Caspian Sea is unforgivable, especially the important ecological issues and the health of environment must be emphazided.

*** The problems of E-NGOs in Iran**
by Farhad Amini

NGO_S are one of the main parts of environmental movement and have done very important activities for environmental protection in the world.

The first e-NGO in Iran was an unofficial foundation that started its activities at 1960.

It was a society of the people of Ashkzar village in Yazd (a central province of Iran) for protecting themselves against moving sands. After the Islamic revolution, the process of NGO establishment was stopped. because of some important events like war. This situation continued until 1991. During these years about 4 or 5 E-NGO_S established that faced complex problems in their short lives. Their main problems are:

- a) Political Problems
- b) Legal problems

- c) Official and economic problems
- d) Social problems
- e) Internal problems

The maximum efficienay of these organizations can be acheived only in the case of existance of suitable politicel, legal, social and economic body of the society. Co - management must be the pattern of management in these organizations and they must have plans for co - management systems.

*** Where are these roads are going to? A glance at the road construction in Iran's mountains**
by Abbas Mohammadi

In different parts of the world, a hight limit is considered for the road construction and changing the ecosystems of the mountains, according the climatical situation, the hight of the last permanent habitats and changing considerations.

Infact, it can be said that, above this limited hight, the outpat of the soil is so low, and the side effects of these construations are so high that the project is not legical and has no economic benefit at all. But what has been done in this regared in Iran and who is its manager? In most of the mountainous roads that has been constructed in the last two decades, we have seen huge amount of, soil eroasion wether in local roads that connects two of more villages together or the roads that are so important for the provinces and the country.

Most of these roads have been constructed without considering road construction and consequently have caused massive ladsdrip of the foot of the mountains both on the upside and downside of these roads. The unhealthy nefworkd of the mountainous roads in the country is going to no where. These nets are like cancer that facitale the soil erosion and makes people poorer.

*** New Opporuntities and threats**
by Claus Topfer

UNEP, Executive Director

*** Report of Youth International Conference on Environment and sustainable development.**

In September 2002, the world's governments will gather in

Johannesburg, South Africa, for the United Nations World Summit on Sustainable Development. As a contribution to youth preparation for the World Summit, the Swedish Minister for the Environment, look the initiative to invite young people from all over the world to a youth Conference on Environment and Sustainable Development.

Two mounng Members of GFI with other 215 young delegates from 104 countries participated in this conference in Borgholm, Sweden from 23-27 Mey 2001.

*** Conservation of the biodiversity in International law ...**
Dr. Ghasem Zamani

Biodiversity plays an important role in stabalzig climate and chemical equilibrium of the earth. The extinction of a species may cause the decrease of potential capability of ecosystem.

Ph. Willson from Harward University predicted that 175000 speciese are extincted each year.

It is a long time since protecting different species of flora and funa has attracted the consideration of different countries in different national, regional and global levels. However, preserving the whole Earth is much more importan for protecting the biodiversity as a whole, beyond a special speciese.

UNEP and IUCN is in charge for the secrtariate of Internatioanal trade Convension on endangered species of flora and funa.

This Convension that has become binding since 1975, is prohibiting or confoing about 20.000 endangered species.

The whole national and international documents that have been used since 20 century, have protected biodivesity different environmental issues.

It must not be forgotten that biodiversity is the source of human life on the earth. and in order to protect this worthy capital, the efficient internal, and global activities must be done by living the unrealistic ideas.

*** Geo - chemical studies and economic assessment of recycling the pollutants of Anzali wetland ...**

by Farshad Lovzesh

بانک اطلاعات نشریات کشور

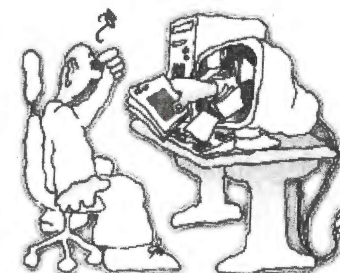
www.magiran.com

اطلاعات و فهرست مطالب بیش از

۴۵ نشریه ایرانی

بلافاصله پس از انتشار

با امکان جستجوی مقالات



لرزه افزازی آفتاب

بانکهای اطلاعاتی، طراحی سایت

www.aftabst.com

info@aftabst.com

Green Peace

Vol : 2 No : 2 (Serial No : 7)

Autumn 2001



سیل استان گلستان ...
نتیجه قابل پیش بینی تخریب
گسترده محیط های طبیعی